

نماز و احکام

ویژه کارکنان دولت

عبادت چیست ؟

قبل از ورود به تفسیر نماز، نگاهی گذرا به عبادت و عبودیت که روح نماز و همه تکالیف عبادی است داریم تا جایگاه رفیع آن را در زندگی خود بهتر دریابیم.

عبادت هد ف آفرینش ماست. قرآن می‌فرماید :

« و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون »^۱

کارهایی را که ما انجام می‌دهیم اگر برای رضای خدا باشد عبادت است ، گرچه مانند کسب و کار ، تحصیل علم ، ازدواج و یا خدمت به مردم ، برای رفع نیازهای خود یا جامعه باشد.

آنچه یک امر را عبادت می‌کند. آن است که به انگیزه‌ای مقدس انجام شود که به تعبیر قرآن رنگ خدایی (صبغه الله) داشته باشد.

عبادت فطری است

بعضی کارهای ما بر اساس عادت است و برخی بر پایه فطرت. آنچه عادت است هم می‌تواند با ارزش باشد مثل عادت به کارهای خوب و هم می‌تواند بی ارزش باشد مانند عادت به سیگار. اما اگر امری فطری شد یعنی بر اساس فطرت و سرشت پاکی که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده است انجام شد همواره با ارزش است.

امتیاز فطرت بر عادت آن است که زمان و مکان ، جنس و نژاد و سن و سال در آن تاثیری ندارد و هر انسانی از آن جهت که انسان است آن را دارا می‌باشد، مانند علاقه به فرزند که اختصاص به منطقه و نژاد خاصی ندارد و هر انسانی فرزندش را دوست می‌دارد. اما

^۱ - سوره ذاریات آیه ۵۶.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

مسائلی مانند شکل و فرم لباس یا غذا از باب عادت است و در زمانها و مکانهای مختلف ، متفاوت است. در بعضی مناطق ، چیزی مرسوم است که در جاهای دیگر رسم نیست. عبادت و پرستش نیز یکی از امور فطری است و لذا قدیمی ترین ، زیباترین و محکم ترین آثار ساختمانی بشر ، مربوط به معبدها ، بتکده ها و آتشکده هاست.

البته در شکل و نوع پرستشها تفاوتهای زیادی دیده می شود. یکی تفاوت در معبودها که از پرستش سنگ و چوب و بتها گرفته تا خدای عزیز ، و یکی در شکل و شیوه عبادت که از رقص و پایکوبی گرفته تا عمیق ترین و لطیف ترین مناجاتهای اولیاء خدا تغییر می کند. هدف انبیا نیز ایجاد روح پرستش در انسان نبوده است بلکه اصلاح پرستش در مورد شخص معبود و شکل عبادت است.

هنرها و هزینه های سنگینی که در ساختمان کلیساها ، کنیسه ها ، معابد هندوها و مساجد مصرف می شود ، مقدس شمردن پرچم ، وطن و قهرمانان ملی ، عشق ورزیدن به کمالات و ارزشها ، ستایش و جانفشانی بخاطر افراد و یا حتی اشیاء ، همه و همه جلوه هایی از روح پرستش در وجود آدمی است.

آنها هم که خدا را پرستش نمی کنند یا مال و مقام یا همسر و فرزند ، یا مدرک و مکتب و راه و روش خود را می پرستند و در راه آن تا مرز جانفشانی و دلباختگی پیش می روند و هستی خود را فدای معبودشان می سازند. پرستش در هنگام یک ریشه عمیق فطری دارد گرچه انسان خود از آن غافل باشد.

خداوند حکیم هر میل و غریزه ای را در انسان قرار داده وسیله ارضاء و تامین آن را نیز در خارج ایجاد کرده است. اگر تشنگی در انسان پیدا می شود آب آفریده و اگر گرسنگی است غذا خلق کرده است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

اگر غریزه جنسی در انسان قرار داده برای او همسر خلق کرده و اگر قوه شامه آفرید بوئیدنیها را نیز آفرید. یکی از احساسات عمیق انسان، میل به بی نهایت است ، عشق به کمال است. علاقه به بقاء است که رابطه با خداوند و پرستش او ، تامین کننده این تمایلات فطری است. نماز و عبادت ، رابطه انسان با سرچشمه کمالات ، انس با محبوب واقعی و پناهندگی به قدرت بی نهایت است.

ریشه پرستش

کیست که خداوند را با اوصاف و کمالات بی پایانش بشناسد اما سر تسلیم و خضوع فرو نیاورد؟ قرآن از طریق داستانها و تاریخها ، نشانه هایی از قدرت و عظمت او را برای ما بیان می دارد.

مثلاً می فرماید: خداوند به مریم بی همسر فرزند داد، رود نیل را برای موسی شکافت و فرعون را در آن غرق کرد ، انبیا را با دست خالی برابر قدرتهای زمان خود پیروز کرد و دماغ طاغوتها را به خاک مالید.

اوست که شما را از خاک بی جان آفرید و مرگ و حیات و عزت و ذلت شما بدست اوست. کیست که ضعف و ناتوانی و جهل و محدودیت خود و خطرات و حوادث پیش بینی شده و نشده را درک کند و احساس نیاز به قدرت نجات دهنده ای نکند و سر تسلیم خم نکند ؟

قرآن در لابلای نقل مسائل، ضعف انسان را به او گوشزد می کند و می گوید :

تو هنگام تولد هیچ نمی دانستی و هیچ آگاهی نداشتی، یکپارچه ضعف بودی ، چنانکه پس از قدرت هم باز روبه ضعف می روی.

تو هر لحظه مورد تهدید انواع خطرات هستی.

اگر حرکت زمین کند شود و شب یا روز ثابت بماند کیست که حرکت آن را تند کند و تغییر دهد ؟

اگر آبها به عمق زمین فرو رود کیست که برای شما آب گوارا بیاورد؟^۱

اگر بخواهیم آب آشامیدنی شما را تلخ و شور قرار می دهیم.^۲

اگر بخواهیم درختان را برای همیشه خشک می گردانیم.^۳

اگر بخواهیم دائماً زمین را لرزان و متزلزل قرار می دهیم.^۴

اینها و دهها نمونه دیگر را قرآن ذکر می کند تا انسان را از غفلت بدر آورد و غرورش را بشکند تا او رابه عبادت و تذلل در برابر آفریدگار وادارد.

عمق و پرستش

پرستش عملی است که ما ظاهر آن را یک نوع خضوع می بینیم اما عمق زیادی دارد.

پرستش برخاسته ازجان است، برخاسته از معرفت است. برخاسته از توجه است ، برخاسته

از تقدس است ، برخاسته از ستایش است ، برخاسته از نیایش است ، برخاسته از التجاء و

استعانت است، برخاسته از عشق به کمالات معبود است.

آری پرستش صحیح عملی است درظاهر ساده ولی تا مسایل فوق نباشد آن پرستش از

انسان سر نمی زند. پرستش یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح ، یعنی پا را فراتر

^۱ - سوره ملک آیه ۳۰

^۲ - سوره واقعه آیه ۷۰

^۳ - سوره واقعه آیه ۶۵

^۴ - سوره سبأ آیه ۹

از دیدنیها و شنیدنیها نهادن. پرستش تامین کننده عشق انسانهاست که گاهی با ثناء و ستایش و زمانی با تسبیح و تقدیس و پاره ای اوقات با شکر و اظهار تسلیم، ادب خود را نسبت به پروردگار اظهار می دارد.

بی تفاوتی نسبت به عبادت

حضرت علی در نامه ۴۵، نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۷۴، می فرماید: غافل بودن و انس با خدا نداشتن و تمام هدف را پر کردن شکم و در گوشه ای خوابیدن، قرار دادن در ردیف حیوانات است آنگاه می فرماید:

چشمه روشن اگر با گذشت این همه سال از عمرت (و با داشتن اینهمه استعداد و قابلیت و باز بودن راه و امکانات و عقل و علم و وحی) باز هم مثل حیوانی در چراگاهی گامی نهی و خوابی کنی.^۱

آری تمدن و تکنولوژی و پیدایش و پیشرفت ابزار جدید، زندگی را راحت تر کرده و رفاه و آسایش را به ارمغان آورده است، ولی مگر کمال انسان در کسب و همین رفاه مادی است؟

اگر چنین باشد حیوانات که در خوراک و پوشاک و مسکن و ارضاء شهوت از انسان جلوترند! در خوراک بهتر و بیشتر و راحت تر می خورند و نیازی به پختن و آماده کردن ندارند.

در پوشاک، دوختن و شستن و اطو کردن و تغییر و تنوع ندارند. و در شهوت بدون گرفتاری و مشکلی، خود را ارضاء می کنند.

^۱ - قرات اذا عینه اذا اقتدی بعد السنین المتطاولة بالبهیمه الهامله و السانمه المرعیه

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

و در تامین مسکن چه بسا پرندگان و حشراتی که تکنیک آنها در ساخت لانه و آشیانه ، انسان را به تعجب وامی دارد.

اصولاً آیا این پیشرفت تکنولوژی موجب رشد انسانیت هم شده است ؟

آیا فسادهای فردی و اجتماعی هم کم شده است ؟

آیا این آسایش ، آرامش هم آورده است ؟

بهر حال همانگونه که اگر دست انسان را در دست رهبران معصومن و عادل نگذاریم به انسانیت ظلم شده است. اگر دل انسان هم با خدا گره نخورد به مقام انسانیت توهین شده است.

مدار عبادت ثابت است

عبادات با همه شکلها و صورتهای مختلفشان بر مدار ثابتی قرار دارند که آن رضای خداوند است ، گرچه شرائط زمانی و مکانی ، فردی و اجتماعی نوع حرکت در این مدار را عوض می کنند.

مثلا مسافرت نماز را دو رکعتی می کند و بیماری شکل نماز را تغییر می دهد ، اما همه اینها نماز است و بر مدار یاد خدا و رضای او انجام فرمان او قرار دارد « اقم الصلوه لذكری »^۱

روحیه عبادت

^۱ - سوره طه آیه ۱۴ .

عبادت غذای روح است و همانطور که بهترین غذا آن است که جذب بدن شود ، بهترین عبادت آن است که جذب روح شود یعنی با نشاط و حضور قلب انجام گیرد.

غذای زیاد خوردن کارساز نیست، غذای مفید خوردن مهم است. لذا پیامبر اکرم (ص) به جابر ابن عبدالله انصاری فرمود :

« ان هذا الدين لميتين فاوغل فيه برفق و لا تبغض الى نفسك عبادة الله »^۱

همانا دین استوار است پس نسبت به آن مدارا کن (و زمانی که آمادگی روحی نداری عبادت را بر خود تحمیل نکن) که عبادت در نزد تو مبعوض می شود.

در حدیث دیگری از پیامبر (ص) می خوانیم :

« افضل الناس من عشق العباده و عانقها »^۲

خوشا به حال کسی که به عبادت عشق ورزد و آن را همچون محبوبی در بر گیرد.

میانۀ روی در عبادت

هنگامی روحیه عبادت در انسان زنده می ماند که انسان در انجام آن میانۀ رو باشد لذا در کتب حدیث روایاتی با عنوان : باب الاقتصاد فی العباده ، نقل شده است.

همانگونه که انسان وقتی سالم است که میان اندامش تناسب باشد و اگر عضوی بزرگتر یا کوچکتر از حد معمولش باشد ناقص الخلقه است، در امور معنوی نیز انسان باید ارزشها را بطور هماهنگ در خود پرورش دهد. به پیامبر اکرم (ص) خبر دادند که گروهی از امت تو بخاطر عبادت، همسر و فرزند را رها کرده و به مسجد آمده اند. پیامبر فریاد برآورد که این

^۱ - بحار ج ۷۱ ص ۲۱۸

^۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۵۳

راه و روش من نیست من خودم با همسر زندگی می کنم و در منزل ساکنم ، هر کس غیر از این عمل کند از من نیست.

امام صادق (ع) داستان مسلمانی را نقل می کند که یک همسایه مسیحی داشت که مسلمان شد. همسایه مسلمان هنگام سحر او را بیدار کرد و به مسجد آورد و به او گفت : نماز شب بخوان تا صبح شود. هنگام صبح گفت نماز صبح و پس از آن تا طلوع آفتاب دعا بخوان. سپس تا وقت نماز ظهر قرآن و نماز بخوان و بدینگونه یک شبانه روز او را با نماز و قرآن و دعا پر کرد.

مسیحی که به خانه بازگشت خسته شد و دست از اسلام برداشت و دیگر پای به مسجد نگذاشت. آری اینگونه افراط و زیاده روی در عبادت ، مردم را فراری می دهد. ()

استاد شهید مرتضی مطهری نقل می کند که عمر و عاص دو پسر داشت یکی طرفدار (حضرت علی و دیگری طرفدار معاویه. روزی پیامبر به فرزند خوب عمرعاص (عبدالله) فرمود: شنیده ام که تو شب ها را به عبادت و روزها را به روزه می گذرانی ، گفت بله یا رسول الله ، پیامبر فرمود: من این راه را قبول ندارم.

در روایات می خوانیم که :

« ان للقلوب اقبالاً و ادباراً »^۱

روح مردم گرایش و فرار دارد هرگاه رو می کند و گرایش دارد بهره گیری کنید و هرگاه آمادگی ندارد به او فشار نیاورید که ناخودآگاه عکس العمل منفی نشان می دهد.

در سفارشات اسلامی آمده که اوقات خود را چهار قسمت کنید و سهمی را برای تفریح و لذت بگذارید که اگر اینگونه عمل کردید برای کارهای دیگر نشاط خواهید داشت.

^۱ - بحار ج ۷۸ ص ۳۵۷

قرآن کریم به یهودیانی که در روز استراحت و تعطیل به سراغ ماهیگیری و کار می رفتند عنوان متجاوز می دهد :

« ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت »^۱

ما از متجاوزین روز شنبه (که حریصانه به سراغ کار رفتند) آگاهیم. بهر حال حفظ نشاط و روحیه در عبادت یک اصل است که با میانه روی حاصل می شود.

مدیریت در عبادت

مدیریت تنها در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست. بلکه امور عبادی نیز نیاز به برنامه ریزی و مدیریت و هماهنگی دارد. در مدیریت اصولی مطرح است :

برنامه ریزی و طرح کار، گزینش نیروی کارآمد، انضباط و نظارت، تشویق و کنترل و امثال اینها.

در عبادت نیز باید این اصول رعایت شود تا موجب رشد و کمال شود.

نگاهی به نماز کنید می بینید یک طرح معین دارد با تکبیر آغاز می شود و با سلام تمام. تعداد رکعات و رکوع و سجودش مشخص است. اوقات انجام آن مخصوص است و جهت آن روبه قبله است.

اما طرح تنها کافی نیست اقامه و اجرای آن نیاز به گزینش امام جماعتی جامع و جامعه نگر دارد. باید مردم را از طریق آداب و اخلاق و نظافت و نشاط به نماز و مسجد ترغیب و تشویق کرد.

^۱ - سوره بقره آیه ۶۰

باید نظم و هماهنگی در صفوف جماعت و تبعیت از امام جماعت در آن مراعات شود و بهر حال مدیریتی کامل را می طلبد تا به بهترین نحو پیاده شود.

عبادت، داروخانه شبانه روزی است

هرکس در هر لحظه و در هر شرایطی بدون هیچ وقت قبلی و واسطه ای می تواند با هر زبانی که دارد با او ارتباط برقرار کند. هر چند اوقاتی مخصوص از قبیل هنگام سحر، غروب جمعه یا پس از خطبه های نماز جمعه، هنگام نزول باران و یا شب قدر، دعا و عبادت حال دیگری دارد اما بهر حال عبادت اختصاصی به این اوقات ندارد. عبادت در هر حال داروی غفلت و نسیان و عصیان است.^۱ د آروی آرامش و اطمینان خاطر و زدودن اضطرابها و دل نگرانی هاست.^۲

عبادت مایه آرامش دلها

عبادت و اطاعت خدا برای اولیاء خدا چنان حالتی بوجود می آورد که در هیچ شرایطی دچار اضطراب نمی گردند. در اینجا مناسب است دو خاطره از رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی نقل کنم :

بدنبال فرار شاه از ایران ، امام تصمیم گرفت بعد از پانزده سال تبعید به کشورش بازگردد. خبرنگار در هواپیما از ایشان سوال می کند اکنون چه احساسی دارید؟ می فرماید : هیچ ! در حالیکه در آن زمان میلیونها ایرانی عاشق. نگران جان امام بودند. امام با آرامش خاطر در

^۱ - اقم الصلوه لذکری ، سوره طه ، آیه ۱۴

^۲ - الا بذکر الله تطمئن القلوب ، سوره رعد ، آیه ۲۸

هوایما مشغول نماز شب و ذکر خدا بودند. این آرامش تنها به خاطر یاد اوست. خاطره دیگر که از فرزند امام، مرحوم حاج سید احمد آقا شنیدم آن است که روز فرار شاه از ایران، دهها خبرنگار و دوربین تلویزیونی از سراسر دنیا در منزل امام در پاریس اجتماع کرده بودند تا سخنان امام را به دنیا مخابره کنند. امام روی ایستاد چند کلمه ای سخن گفت، سپس رو به من کرد و پرسید: احمد آیا ظهر شده است؟ گفتم: بله، اما بدون معطلی سخن خود را قطع کرد و برای نماز اول وقت از صندلی پایین آمد. همه گیج شدند که چه خبر شده است، گفتم امام نمازش را اول وقت می خواند.

آنچه امام در پاریس انجام داد درسی بود که از پیشوایش امام رضا آموخته بود؛ چنانکه در تاریخ آمده، رهبر گروه صابئین دانشمندی مغرور و متعصب بود. هر بار که با امام رضا به گفتگو می نشست زیر بار نمی رفت تا آنکه در جلسه ای چنان تاروپود افکارش در هم ریخت که گفت: اکنون روحم نرم شد و منطق شما را پذیرفتم. در این هنگام صدای اذان بلند شد امام رضا به قصد نماز جلسه را ترک کردند، دوستان امام هر چه اصرار کردند که اگر لحظاتی جلسه را ادامه دهید او و تمام پیروانش مسلمان می شوند، فرمود نماز اول وقت مهم تر از بحث است. او اگر لایق باشد بعد از نماز هم می تواند حق را بپذیرد. دانشمند صابئتی که این صلابت و قاطعیت و تعبد و عشق به حق را در امام دید بیشتر علاقمند شد.

عبادت و دریافت ها

عبادت وسیله دریافت امدادها و الطاف الهی است.

« واعبد ربك حتى ياتيك اليقين »^۱

آن قدر عبادت کن تا به درجه یقین برسی.

حضرت موسی برای دریافت کتاب آسمانی تورات چهل شبانه روز در کوه طور به عبادت و مناجات پرداخت و پیامبر گرامی اسلام برای دریافت وحی مدتهای طولانی را در غار حرا به عبادت مشغوب بود. در روایات آمده است :

« من اخلص العباده لله اربعين صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه »^۲

هرکس چهل شبانه روز تمام کارهایش رنگ عبادت و خلوص داشته باشد خداوند چشمه های حکمت را از قبلش بر زبانش جاری می سازد.

تأثیر متقابل ایمان و عبادت

چنانکه ایمان ، انسان را به عبادت می کشاند. عبادت نیز در عمق بخشیدن به ایمان موثر است. هر چه عبادت بهتر و بیشتر شود انس انسان به معبود بیشتر می شود.

فلسفه عبادت در قرآن

قرآن فلسفه نماز را یاد خدا می داند : « اقم الصلوه لذكرى »^۳

و ذکر خدا را مایه آرامش دلها : « الا بذكر الله تطمئن القلوب »^۴

و نتیجه آرامش دل را پرواز به ملکوت : « آیا ايتها النفس المطمئنه ارجعى الى ربك »^۵

^۱ - سوره حجر آیه ۹۹

^۲ - بحار ج ۵۳ - ص ۳۲۶

^۳ - سوره طه آیه ۲۸

^۴ - سوره رعد آیه ۲۸.

^۵ - سوره فجر آیه ۲۸.

قرآن در مواردی دیگر، دلیل عبادت را تشکر از خداوند می داند :

« اعبدوا ربکم الذی خلقکم »^۱

پرستش کنید پروردگارتان را که شما را آفرید.

« فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف »^۲

پس پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجان داد

در بعضی آیات به نقش تربیتی نکماز اشاره شده است :

« ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر »^۳

همانا نماز انسان را از زشتیها و منکرات باز می دارد.

زیرا نمازگزار ناجار است که بخاطر صحت نماز و یا قبول شدن آن یک سری دستورات

دینی را مراعات کند که رعایت آنها خود زمینه ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است.

قرآن به دنبال سفارش به نماز می فرماید:

« ان الحسنات یذهبن السيئات »^۴

همانا کارهای شایسته (مانند نماز) گناهان را از بین می برند.

پس نماز یک توبه عملی از گناهان گذشته است و خداوند با این آیه به گناهکار امید می

دهد که اگر به کارهای شایسته همچون نماز و عبادت روی بیاورد بدیهایش محو می شود.

نماز در کلام علی

^۱ - سوره نساء آیه ۱.

^۲ - سوره قریش آیه ۲

^۳ - سوره عنکبوت آیه ۴۵

^۴ - سوره هود آیه ۱۱۴.

علی بارها در نهج البلاغه از نماز و یاد خدا سخن به میان آورده است. ما در اینجا تنها جملاتی را درمورد فلسفه ذکر و یاد خدا که مهمترین مصداقش نماز است از آن حضرت نقل می‌کنیم.

ایشان می‌فرماید: «ان الله سبحانه و تعالی جعل الذكر جلاء للقلوب تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوه»^۱

خداوند ذکر و یادش را صیقل روحها قرار داد که گوشهای سنگین با یاد خدا شنوا و چشمهای بسته با یاد او بینا شود.

بهر حال نماز به انسان بصیرت و دید می‌دهد چنانکه تقوی نیز بصیرت می‌دهد.

آنگاه حضرت در مورد برکات نماز می‌فرماید:

«قد حقت بهم الملائكة و نزلت عليهم السكينة و فتحت لهم ابواب السماء و اعدت لهم مقاعد الكرامات»^۲

فرشتگان آنان را در برمی‌گیرند و آرامش بر آنان نازل می‌شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می‌شود. و در خطبه ای دیگر می‌فرماید: «و انها لتحت الذنوب حث الورق و تطلقها اطلاق الربق»^۳

نماز گناهان را مثل برگ درختان می‌ریزند و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می‌کند. آنگاه در ادامه، تشبیهی جالب از پیامبر اکرم نقل می‌فرماید که: نماز همچون جوی آب گرمی است که انسان روز پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد، آیا دیگر آلودگی باقی می‌ماند؟

^۱ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۳، ص ۷۰۵

^۲ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۳، ص ۷۰۵

^۳ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۹، ص ۶۴۴

در خطبه ۲۳۴ (ترجمه فیض الاسلام) گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را می شمرد و سپس می فرماید: درمان ایم مفاسد نماز و روزه و زکوه است. آنگاه در مورد آثار نماز می فرماید:

« تسکینا لأطرافهم ، تخشيعا لأبصارهم. تذليلاً لنفوسهم ، تخفيضاً لقلوبهم ، اذهاباً للخيلاء عنهم »

نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشمها را خاشع و خاضع می گرداند، نفس سرکش را رام و دلها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند.

« ان اوحشتهم الغربه آنسهم ذكرک »

به هنگام وحشت و اضطراب و تنهایی ، یاد تو موجب انس و الفت آنها می شود.^۱
اما روشن است که همه مردم چنین بهره هایی را از نماز ندارند بلکه گروهی هستند که شیفته نماز و یاد خدا هستند و آن را با تمام دنیا عوض نمی کنند.

آثار و برکات عبودیت و بندگی

۱- احساس غرور و افتخار

اما زين العابدين در مناجات خود می گوید :

« الهی کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً »^۲

همین افتخار مرا بس که بنده تو باشم.

چه افتخاری از این بالاتر که انسان با خالق خود سخن بگوید و او کلام انسان را بشنود و

بپذیرد !

^۱ - نهج البلاغه فیض الاسلام ، خطبه ۲۱۸ ، ص ۷۲۰

^۲ - بحار ج ۷۷ ، ص ۴۰۲

در این دنیای ناچیز اگر مخاطب انسان شخصی بزرگ و دانشمند باشد انسان به وجود او افتخار و از مصاحبت با او احساس غرور می‌کند و از اینکه زمانی شاگرد فلان استاد و علامه بوده است بر خود می‌بالد.

۲- احساس قدرت

همینکه کودک دستش در دست پدری قوی و مهربان بود احساس قدرت می‌کند اما اگر تنها شد هر لحظه ترس و دلهره دارد که دیگران او را آزار دهند. انسانی که متصل به خدا شد در برابر ابرقدرتها و طاغوتها و مستکبرین احساس قدرت می‌کند.

۳- احساس عزت

عزت به معنی نفوذناپذیری است. در مکتب انبیاء تمام عزتها از آن خداست چنانکه همه قدرتها از اوست لذا قرآن از کسانی که به سراغ غیر خدا می روند انتقاد می کند که آیا از غیر خدا عزت می خواهید؟

ایبتغون عندهم العزه^۱

طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی نهایت به انسان عزت می دهد. چنانکه کلماتی همچون الله اکبر طاغوتها را در نزد انسان حقیر و او را در برابر آنها عزیز می کند. لذا قرآن بما دستور می دهد که در سختیها و مشکلات از نماز و عبادت کسب قدرت و قوت کنید:

« واستعينوا بالصبر والصلوة »^۲

از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرید.

اولیاء خدا نیز در مقاطع حساس ، خود را با نماز تقویت می کردند. عصر روز نهم محرم در کربلا، لشگر یزید به خیمه گاه امام حسین حمله کرد. امام فرمودند یک شب جنگ را به تاخیر بیندازید که من نماز را دوست دارم و می خواهم امشب را تا صبح به عبادت بپردازم.

بندگان صالح خدا نه فقط نمازهای واجب که نمازهای مستحب را دوست می دارند. زیرا نماز نافله نشانه عشق به نماز است. نماز واجب را چه بسا انسان از ترس قهر خدا بخواند ولی در نماز مستحب ترس مطرح نیست عشق مطرح است.

^۱ - سوره نساء آیه ۱۳۹

^۲ - سوره بقره آیه ۴۵

آری هر کس که کسی را دوست دارد میل دارد بیشتر با او حرف بزند و دل از او نمی‌کند. چگونه ممکن است انسان ادعا کند خدا را دوست دارد ولی حال حرف زدن با او را ندارد! البته این بی رغبتی به نماز و نافله بی دلیل نیست بلکه طبق روایات، گناه در روز توفیق نماز شب و نافله سحر را می‌گیرد.

بهر حال آنکه نافله نمی‌خواند فضلی ندارد که انتظار تفضل از خداوند را داشته باشد.

البته نمازهای نافله نقصهای نماز واجب را نیز جبران می‌کند. شخصی از امام معصوم پرسید من در نماز حضور قلب ندارم و از برکات نماز بی بهره ام چه کنم؟ حضرت فرمودند: بدنبال نمازهای واجب نماز نافله بخوان که کاستیهای آن را جبران می‌کند و سبب قبولی نماز واجب می‌گردد.

بخاطر همین آثار و برکات است که اولیاء خدا نه تنها به نمازهای واجب بلکه به نمازهای مستحب توجه زیادی داشتند و از آنچه مانع و مزاحم این سیر معنوی و پرواز روحی می‌گشت دوری می‌کردند، مانند پرخوری، پرحرفی، پرخواهی، لقمه حرام، لهو لعب و سرگرم شدن به دنیا؛ که انسان را از حال عبادت می‌اندازد و نماز را بر او سنگین می‌کند. چنانکه قرآن می‌فرماید:

«و انھا لکطیره الا علی الخاشعین»^۱

همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان.

۴- نماز بزرگترین عامل تربیت

^۱ - سوره بقره آیه ۴۵

گرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست؛ اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسله برنامه‌های تربیتی پیاده کند و لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال.

مثلا پاک بودن بدن و لباس، روبه قبله بودن، درست خواندن کلمات، مباح بودن مکان و لباس نمازگزار که از شرایط صحت نماز است، مربوط به جسم نمازگزار است نه روح نمازگزار که در حال عبادت است؛ اما اسلام عبادت را در این لباس قرارداداده تا به مسلمین درس نظافت و پاکیزگی، استقلال، مراعات حقوق دیگران را بدهد.

چنانکه توجه و حضور قلب، پذیرفتن رهبر، امامان و ادای واجبات مالی چون خمس، زکوة شرط قبولی آن است و انجام آن در اول وقت، در مسجد، به جماعت، با لباس تمیز و عطر زده و مسواک زده و رعایت نظم صفوف و امثال آن از شرایط کمال نماز است. دقت در این شرایط سه گانه بخوبی می‌رساند که هر یک از آنها نقش موثری در تربیت انسانها دارد.

مثلا در نماز بهر سو که بایستیم روبه خداست زیرا قرآن می‌فرماید: « فاینما تولوا فثم وجه الله »^۱ اما بخاطر آنکه بفهماند جامعه اسلامی باید یک جهت داشته باشد و درس وحدت و همبستگی بدهد دستور می‌دهد همه باید به یک جهت بایستند. اما چرا آن جهت روبه کعبه باشد؟

زیرا کعبه اولین نقطه ای است که برای عبادت مردم وضع شده است.

« ان اول بیت وضع للناس للذى ببكة مبارکاً »^۲

^۱ - سوره بقره آیه ۱۱۵

^۲ - سوره آل عمران آیه ۹۶

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

و از طرفی بنیانگذار و تعمیر کنندگان آن در طول تاریخ انبیاء بوده اند. پس رو به کعبه ایستادن یک نوع اتصال به تاریخ و همبستگی مکتبی در طول زمان است. ازسوی دیگر قبله و کعبه رمز استقلال است؛ زیرا تا وقتی مسلمین روبه بیت المقدس قبله یهود و نصاری نماز می خواندند آنها منت می نهادند و می گفتند روبه قبله نماز ما ایستاده اند پس از خود استقلالی ندارید.

قرآن این مطلب را با صراحت کامل بیان می دارد که :

« لثلا یکون للناس علیکم حجه ^۱ »

ما قبله شما را کعبه قرار دادیم تا مردم بر شما متی و حجتی نداشته باشند. خلاصه آنکه قبله رمز استقلال ، وحدت و همبستگی است و اینها هم درسهای تربیتی نماز است.

۵- احضار روح

روح فراری خود را از طریق نماز نزد خالص احضار کنیم و این شاگرد فراری را سر کلاس حاضر نمائیم. یکی از برکات نماز احضار نفس سرکش و فراری در محضر خداوند است.

امام زین العابدین در مناجات الشاکین از نفس خود به درگاه خداوند ناله می کند و می گوید : خداوندا من از نفسی به تو گلایه دارم که میل به هوسها دارد و از حق فراری است. این نفس است که گناه را در نزد انسان شیرین و آسان جلوه می دهد. و اینگونه توجیه می کند که بعداً توبه می کنی و یا دیگران نیز این کارها را کرده اند.

^۱ - سوره بقره آیه ۱۵۰

بهترین راه کنترل این نفس سرکش آن است که انسان روزی چند مرتبه آن را در نزد خداوند احضار و غفلت زدائی کند تا از غرق شدن در منجلاب مادیات نجاتش دهد.

۶- ولایت بر هستی

از برکات نماز و عبادت آن است که انسان بتدریج و گام به گام بر هستی تسلط پیدا می کند.

گام اول : قرآن می فرماید: تقوی برای انسان نورانیت و بصیرت می آورد یعنی به انسان دیدی می دهد که حق را از باطل تشخیص دهد « ان تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً »^۱ و در جای دیگر می فرماید: « يجعل لكم نورا »^۲. پس تقوی که در راس آن بندگی خدا و نماز است گامی به سوی نورانی شدن و بصیرت پیدا کردن است.

گام دوم: کسانی که هدایت الهی را پذیرفتند و در مدار حق قرار گرفتند خداوند هدایت آنها را زیاده تر می کند :

« و الذین اهتدوا زادهم هدی »^۳

پس نور و هدایت آنها متوقف نمی شود بلکه بخاطر تسلیم و بندگی دائماً در حال قرب و رشد هستند و شعاع وجودیشان بیشتر می شود.

گام سوم: از آنجا که این افراد در راه خدا تلاش می کنند خداوند راههای زیادی را برای رسیدن به کمال به آنها نشان می دهد.

« والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا »^۱

^۱ - سوره انفال آیه ۲۹

^۲ - سوره حدید آیه ۲۸

^۳ - سوره محمد آیه ۱۷

گام چهارم : هرگاه شیطان به سراغ آنها برود فوراً متذکر شده و از خداوند عذر خواهی می کند.

« اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا »^۲

گام پنجم : برای خود سازی و دوری از فحشاء و منکر نماز بهترین عامل است :

« ان الصلوه تنهى عن الفحشاء والمنكر »^۳

بدنبال این قدمها و گامها، انسان بر نفس خود تسلط پیدا می کند، نفس را مهار می کند و گرفتار وسوسه و لغزش نمی شود؛ بلکه هر گاه فشار وسوسه و نفس و طاغوت زیاد شد باز هم از اهرم نماز و صبر کمک می گیرد :

« و استعينوا بالصبر و الصلوه »^۴

گام ششم : افراد با تقوی که وجودشان با نور الهی روشن شده با هر نماز یک گام به جلو می روند ؛ زیرا نماز تکرار نیست بلکه معراج است.

عبادات و نماز در ظاهر تکراری اند؛ اما در واقع بالارفتن از نردبان کمال و عمق دادن به معرفت و ایمان اند. نمازگزار اجازه نمی دهد که عمرش چراگاه شیطان و لگدکوب او گردد.

امام زین العابدین در دعای مکارم الاخلاق از خداوند چنین می خواهد : خداوندا اگر عمر من چراگاه شیطان است آن را قطع کن.

^۱ - سوره عنکبوت آیه ۶۹

^۲ - سوره اعراف آیه ۲۰۱

^۳ - سوره عنکبوت آیه ۴۵.

^۴ - سوره بقره آیه ۴۵

نه تنها شیطان که گاهی وهم و خیال. روح انسان را لگدکوب می کند و انسان را غافل از حق و حقیقت می گرداند. آری پیامبر در خواب هم بیدار بود ؛ اما ما در بیداری و حتی در حال نماز هم خوابیم و روحمان دستخوش شیطان و خیال است.

این نفس اگر مهار نشود هر لحظه انسان را به فساد می کشاند :

« ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی »^۱

به همین دلیل قرآن بهشت را مخصوص کسانی می داند که نه تنها به زبان بلکه دردل نیز اراده برتری طلبی و فساد نداشته باشد.^۲ و برای کسانی که نفس خود را از هوسها بازداشته اند بهشت را ماوی قرار داده است.

اولیاء خدا ابر افکار و اندیشه های خود حاکمند نه محکوم آنها. آنان در اثر بندگی خدا چنان ولایت و سلطه ای بر نفس خویش دارند که اجازه نمی دهند حتی وسوسه ای بر قلب آنها خطور کند.

پس از آنکه انسان به نور و شناخت و آگاهی رسید و با نمازهای عارفانه و عاشقانه و آگاهانه ، نفس را کنترل و روح را در جهت رضای خدا قرار داد و بر نفس خود ولایت و سلطه پیدا کرد، بر هستی نیز سلطه می یابد. دعاها و مستجاب می شود و کارهای خدائی می کند.

در حدیث آمده که خداوند می فرماید:

انسان از طریق کارهای مستحب و نافله گام به گام به من نزدیک می شود تا آن که محبوب من شود و آنگاه که به این مقام رسید من چشم و گوش و زبان و دست او می شوم و تمام

^۱ - سوره یوسف آیه ۵۳

^۲ - سوره قصص آیه ۸۳

حرکات او و خدایی و جهت دار می‌شود. به جایی می‌رسد که مانند حضرت ابراهیم بگوید:

« ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین »^۱

نماز و عبادتم و مرگ و حیاتم همه و همه برای پروردگار جهانیان است.

در این حال هر گاه دعا کند مستجاب می‌کنم و اگر سوالی کند قبول می‌نمایم.^۲

باز هم سیمای نماز

نماز برنامه هر صبح و شام است؛ پس آغاز و انجام هر روزت با یاد خدا و برای خدا است.

نماز در سفر یا وطن، در زمین یا هوا، در فقیر یا غنی، رمز آن است که تو در هر کجا هستی و هر که هستی باید مطیع او باشی نه غیر او.

نماز ایدئولوژی عملی مسلمان است که در آن عقائد و افکار و خواسته ها و الگوهای خود را بیان می‌کند.

نماز استحکام بخشیدن به ارزشها و جلوگیری از فروپاشی شخصیت افراد و اعضاء جامعه است.

اذان نماز شیپور توحید است که سپاه متفرق اسلام را در یک صف و زیر یک پرچم فرا می‌خواند و آنان را پشت سر امام عادل قرار می‌دهد.

امام جماعت یکی است تا رمز این باشد که امام جامعه نیز باید یکی باشد تا اداره امور متمرکز باشد.

^۱ - سوره انعام آیه ۱۶۲

^۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۲

امام جماعت باید مراعات ضعیف ترین مردم را بکند و این درس است که در تصمیم گیری های جامعه مراعات طبقه محروم را بکنید. پیامبر خدا بهنگام نماز صدای گریه طفلی در نماز شرکت کرده کودکش را آرام کند!

اولین فرمان بدنبال آفرینش انسان ، فرمان سجده بود که به فرشتگان فرمود : برای آدم سجده کنید.^۱

اولین نقطه زمین که از زیر آب بیرون آمد و خشکی شد مکان عبادت بود.^۲ (مکه و کعبه)

اولین کار رسول خدا پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود.

نماز هم امر به معروف است و هم نهی از منکر.

شما هر روز در اذان و اقامه می گوید « حی علی الصلوه ، حی علی الفلاح ، حی علی خیرالعمل » که همه امر به بالاترین معروفها یعنی نماز است.

از سوی دیگر نماز انسان را از فساد و فحشا باز می دارد : « ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر »^۳

نماز حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت.

شناخت خداوند که به فرمان او و برای او و انس با او قیام می کنیم و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی^۴ و کسالت^۵ نهی کرده است تا انسان آنچه را در نماز می گوید با توجه و آگاهی باشد.

^۱ - سوره بقره آیه ۳۴

^۲ - سوره آل عمران آیه ۹۶

^۳ - سوره عنکبوت آیه ۴۵

^۴ - سوره نساء آیه ۴۳

^۵ - سوره نساء آیه ۱۴۲.

نماز آگاهی بخش است. هر هفته روزهای جمعه، نماز جمعه برپا و قبل از نماز دو خطبه خوانده می‌شود و این دو خطبه بجای دو رکعت از نماز است و به عبارتی حزئی از نماز است. آن هم خطبه هایی که به فرموده امام رضا باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند.

شنیدن خطبه ها و آنگاه نماز خواندن یعنی آگاه بودن و بعد نماز خواندن.

نماز خروج از خود و پرواز به سوی خداست. قرآن می‌فرماید:

«و من یخرج من بینه مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله»^۱

هر کس از خانه اش به قصد هجرت بسوی خدا و رسولش خارج و سپس مرگ او را دریابد پاداشش بر خداست.

امام خمینی می‌فرماید: هجرت از خانه دل بسوی خدا یکی از مصادیق آیه است، هجرت از خودپسندی و خودخواهی و خودبینی و هجرت بسوی معنویات که بزرگترین هجرتهاست.

نماز در میان عبادات مثل انسان کامل در میان انسانهاست.

نماز به منزله اسم اعظم الهی بلکه خود اسم اعظم است.

در نماز عزت رب و ذلت عبد مطرح است که این دو مقام بس عالی است.

نماز پرچم اسلام است. اگر کمی در این حدیث «الصلوه علم الاسلام» دقت کنیم نکاتی را درمی‌یابیم: همانگونه که پرچم نشانه است نماز نیز نشانه و علامت مسلمانی است.

چنانکه پرچم مورد احترام است و اهانت به آن، اهانت به یک ملت و کشور است، اهانت و بی توجهی به نماز نیز بی توجهی به کل دین است.

^۱ - سوره نساء آیه ۱۰۰

چنانکه برپا بودن پرچم نشانه حیات سیاسی و نظامی و قدرت است ، در برپا بودن نماز نیز این امور مطرح است.

رابطه نماز و قرآن

در مواردی قرآن و نماز در کنار هم آمده اند مانند:

« ان الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصلوه »^۱

قرآن تلاوت می کنند و نماز به پای می دارند.

و یا در جای دیگر می فرماید: « یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوه »^۲

به قرآن تمسک می جویند و نماز به پای می دارند.

و گاهی برای نماز و قرآن ، یک صفت آورده شده چنانکه کلمه ذکر هم به قرآن گفته

شده است : « انا نحن نزلنا الذكر »^۳ (ما ذکر را نازل کردیم) و هم فلسفه نماز شمرده

شده است : « اقم الصلوه لذكری »^۴ (نماز را بخاطر یادمن به پای دار).

جالب آنکه گاهی بجای نماز کلمه قرآن آمده است مانند آیه « ان قرآن الفجر كان

مشهوداً »^۵ که گفته اند مراد از قرآن الفجر، نماز صبح است.

بگذریم که خواندن قرآن بصورت حمد و سوره یکی از واجبات نماز است و بحث نماز

در اکثر سوره های قرآن در بزرگترین سوره (بقره) و کوچکترین سوره ها (کوثر) آمده

است.

^۱ - سوره فاطر آیه ۲۹

^۲ - سوره اعراف آیه ۱۷۰

^۳ - سوره حجر آیه ۹

^۴ - سوره طه آیه ۱۴

^۵ - سوره اسراء آیه ۷۸.

هر عبادتی ارزش ندارد

عبادت زمانی ارزش دارد که سطحی نباشد بلکه همراه با شناخت رهبر آسمانی و ولایت و همراه با خشوع و آداب مخصوص خود باشد.

حضرت علی گرفتار یک عده نمازخوان خشک مقدس بود که در تاریخ بنام مارقین و خوارج معروفند. کسانی که پیشانی آنها بخاطر سجده های طولانی و مکرر پینه بسته بود؛ اما در برابر علی قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. در روایات آخرالزمان می خوانیم که وقتی امام زمان ظهور کنند گروهی از مساجد علیه آن حضرت حرکت خواهند کرد.

شما خیال نکنید آنها که برای کشتن امام حسین به کربلا آمده بودند همه تارک الصلوه بودند ، بلکه نماز جماعت می خواندند ! و خود یزید و معاویه پیشنماز بودند ! آری عبادتی که همراه با جهالت باشد کشتن عابدترین مردم را در محراب عبادت، بزرگترین عبادت می داند و با قصد قربت برای کشتن علی می رود !

آری اسلام مجموعه ای است که تجزیه بردار نیست. نماز بدون پذیرفتن ولایت قبول نیست ، نماز بدون پرداخت زکوه قبول نیست چنانکه اتفاق بدون نماز پذیرفته نیست. دستورات اسلام مثل اعضاء بدن است که هیچ یک جای دیگری را نمی گیرد نه چشم کار گوش را می کند و نه گوش کار دست را. در اسلام نیز خواندن نماز جای دادن زکوه را نمی گیرد. چنانکه هیچ یک از این دو جای جهاد و مبارزه در راه خدا را پر نمی کنند. بلکه مجموعه اینها اسلام است.

درجات عبادت

گام اول: گروهی خدا را بخاطر نعمتهایش عبادت می کنند تا شکر او را بجای آورند. چنانکه قرآن نیز خطاب به عموم مردم می فرماید:

«فلیعبدوا رب هذا البيت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»^۱

پس پروردگار این خانه را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.
گام دوم : در این مرحله : انسان به خاطر آثار و برکات عبادت ، خدا را پرستش می کند و توجه به آثار روحی معنوی نماز دارد چنانکه قرآن می فرماید: « ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر »^۲

همانا نماز انسان را از بدی ها و منکرات باز می دارد.
این مرحله از عبادت را ما عبادت رشد می نامیم.
گام سوم: مرحله سوم که بالاتر از مراحل قبلی است آنجاست که خداوند به حضرت موسی می فرماید :

« اقم الصلوه لذكری »^۳ نماز را بخاطر یاد من بجای آر.
حضرت موسی که نماز را بخاطر آب و غذا نمی خواند ، بخاطر دوری از فحشاء و منکرات هم نمی خواند ، زیرا او اصولاً از شکم پرستی و منکرات دور است. او پیامبر اولوالعزم است و نماز را بخاطر انس با خدا و یاد خدا بجای می آورد.

گام چهارم : این مرحله بالاترین و برترین مراحل عبادت است. دیگر عبادت بری شکر و رشد و انس نیست ؛ بلکه برای قرب است؛، قرب به خدا.
در قرآن چهار آیه داریم که هر کس آنها را بخواند واجب است سجده کند که در یکی از آنها همین مساله قرب بواسطه عبادت مطرح شده است. آنجا که می فرماید:

« واسجد واقترب »^۱ سجده کن و به او قرب پیدا کن.

^۱ - سوره قیش آیه ۳

^۲ - سوره عنکبوت آیه ۴۵

^۳ - سوره طه آیه ۱۴

بهرحال عبادت درجات و مراحل دارد که براساس درجات معرفت و ایمان افراد فرق می‌کند.

سیمای عبادت

عبادت و بندگی بود که رسول خدا را به معراج برد:

« سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى »^۲

منزه است کسی که بنده اش را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داد.

عبادت است که زمینه نزول فرشتگان را فراهم می‌کند:

« نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا »^۳

وحی (را بواسطه فرشتگان) بر بنده مان نازل کردیم

عبادت است که انسان را مستجاب الدعوه می‌کند زیرا نماز پیمان خداست: « الصلوه عهد

الله » و هر کس به پیمان خدا وفا کند که خداوند هم به پیمان او وفادار است: « اوفوا

بعهدی اوف بعهدکم »^۴

راستی که انسان بی عبادت از سنگ و جماد پست تر است زیرا قرآن می‌فرماید:

« و ان منها لما يهبط من خشية الله »^۵

بعضی از سنگها از خشیت الهی به زمین سقوط می‌کنند.

اما بعضی انسانها در برابر سرچشمه و خالق هستی گردن خم نمی‌کنند.

^۱ - سوره علق آیه آخر .

^۲ - سوره اسراء آیه ۱

^۳ - سوره بقره آیه ۲۳

^۴ - سوره بقره آیه ۴۰

^۵ - سوره بقره آیه ۷۴

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

عبادت، نشانه اراده و قاطعیت انسان است. انسانی که در میان غرائز و تمایلات قرار دارد؛ اگر دل بکند و بسوی خدا برود ارزش دارد و گر نه فرشتگانی که شهوت و غضب ندارند، دائماً در حال عبادت اند.

عبادت گمنام ترین انسان زمینی را مشهورترین فرد آسمان می کند.

عبادت یعنی نگاهی از بالا به تمام هستی.

عبادت یعنی شکوفا کردن استعدادهای عرفانی و معنوی نهفته در وجود انسان.

عبادت ارزشی است که انسان با اراده و اختیار خود بدست می آورد، برخلاف ارزشهای فامیلی یا استعدادهای درونی که اختیاری و اکتسابی نیستند.

عبادت تجدید عهد و پیمان با خدا و تازه نگهداشتن حیات معنوی است.

عبادت مانع گناه و برطرف کننده آثار آن است. ذکر و یاد خداست که جلوی گناه را می گیرد نه علم به گناه بودن.

عبادت پر کردن ظرف روح است با یاد خدا، که اگر با غیر او پر شود ظلم به گوهر انسانیت است.

عبادت به زمین خاکی چنان ارزشی می دهد که ورود به آن زمین بدون طهارت ممکن نباشد همچون مسجد و کعبه و قدس.

عبادت و بندگی خدا، خود یک ارزش است گر چه دعاها و خواسته های او مستجاب نشود.

عبادت هم در شادی مطرح است هم در غم. آنجا که خداوند به پیامبرش کوثر می دهد سفارش به نماز می کند :

« انا اعطیناک الکوثر فصل لربک »^۱

ما به تو خیر کثیر عطا کردیم پس برای پروردگارت نماز بجای آر.

و در برخورد با مشکلات و حوادث سفارش به نماز می کند:

« واستعینوا بالصبر والصلوه »^۲

از صبر و نماز کمک بگیرید و استمداد کنید.

نمازهای مشکل گشا

اسلام سفارش می کند هرگاه حاجت یا مشکلی داشتید با خواندن نمازهای مخصوص ، حل مشکل خود را از خدا بخواهید که مناسب است در اینجا یک نمونه از آن نمازها را بیاوریم.

نماز جعفر طیار

جعفر طیار برادر حضرت علی است که در هجرت به حبشه توانسته بود با استدلال و رفتار مناسب خود دل نجاشی و عده کثیری را به اسلام جذب کند و موسس اسلام در قاره افریقا شود. او در جنگ موته دو دستش را در راه خدا داد و خداوند بجای آن دو بال دربهشت به او داد و لذا به جعفر طیار مشهور شد. هنگامی که جعفر از حبشه بازگشت پیامبر به او فرمود: آیا می خواهی هدیه با ارزشی به تو عطا کنم ؟ مردم گمان کردند که حضرت می خواهد طلا یا نقره ای به او بدهد و لذا هجوم آوردند تا هدیه پیامبر را ببینند. اما پیامبر فرمود: نمازی به تو هدیه می کنم که اگر هر روز آن را انجام دهی از دنیا و آنچه

^۱ - سوره کوثر .

^۲ - سوره بقره آیه ۴۵

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

در دنیاست برای تو بهتر باشد و اگر هر روز یا هر جمعه یا هر ماه یا هر سال بجای آوری خداوند گناهان بین دو نمازت را (گرچه یکسال باشد) بیامرزد. این نماز به سندهای معتبر از شیعه و سنی نقل شده است و نام اکسیر اعظم و کبریت احمر به خود گرفته است. امام صادق می فرماید: هرگاه مشکل یا حاجتی داشتید پس از خواندن نماز جعفر دعا کنید که انشاءالله مستجاب می شود. نحوه این نماز در اوایل مفاتیح در اعمال روز جمعه پس از ذکر نمازهای امامان معصوم آمده است.

نماز و رهبری

اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را برهم می زند. نماز عید امام رضا آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم برخود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد. حکومت بنی عباس نیز به پایان خواهد رسید؛ لذا مامون دستور داد که امام را از وسط راه بازگردانند.

دلیل آنکه نمازهای امروز مسلمین اثری ندارد آن است که به قسمتی از قرآن عمل شد و قسمتی فراموش شد. زیرا قرآن می فرماید:

« واقیموا الصلوه و آتوا الزکاه و اطیعوا الرسول »^۱

نماز به پای دارید و زکات بدهید و از رسول خدا اطاعت کنید.

اما امروز بعضی نماز می خوانند و زکات نمی دهند و بعضی اهل نماز و زکوه هستند ولی رهبرشان دیگری است و ولایت کفار را پذیرفته اند. به عبارت دیگر ایمان به خدا دارند اما کفر به طاغوت ندارند و این ایمان ناقص است.

^۱ - دسوره مجادله آیه ۱۳

در حالیکه سفارش قرآن اینست که « فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی »^۱

هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به ریسمان محکم الهی چنگ زده است یعنی هم کفر به طاغوت هم به ایمان به خدا لازم است؛ در حالی که امروزه مسلمین برائت از کفر و طاغوتها را فراموش کرده اند ، لذا قرآن در مورد کسانی که به طاغوت مراجعه می کنند می فرماید: « آنها خیال می کنند که مومن هستند : « الم ترالی الذین یزعمون انهم آمنوا »^۲

قداست نماز

قداست نماز به قدری است که زمان اجرای بعضی مراسم مانند قسم و ادای شهادت، بعد از نماز قرار داده شده است.

قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۶ می فرماید: هر گاه کسی در سفر دچار مرض شد و در آستانه مرگ قرار گرفت دو نفر مسلمان و یا حتی غیر مسلمان را بر وصیت خود گواه گیرد ؛ لکن مراسم ادای شهادت باید پس از نماز باشد ، یعنی: آن دو نفر را بازداشت کنید تا نماز تمام شود آنگاه حاضر شده و با قسم خوردن شهادت دهند که فلان مسلمان در مسافرت چه وصیت کرده است.

جامعیت نماز

^۱ - سوره بقره آیه ۲۵۶

^۲ - سوره نساء آیه ۶۰

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

نماز نیز یک هنرنمایی الهی است که خداوند تمام ارزشها را به نحوی در نماز قرار داده است. چه کمالی است که برای انسان ارزش باشد اما در نماز یافت نشود؟

در اینجا نگاهی داریم به ارزشها و کمالاتی که در نماز نهفته است تا جامعیت نماز بهتر روشن شود:

یاد خدا یک ارزش و تنها وسیله آرام بخش دلهاست و نماز یاد خداست.

یاد قیامت یک ارزش و بازدارنده از گناه و فساد است و نماز یادآور یوم الدین است.

در خط انبیاء و شهدا و صالحان بودن یک ارزش است که ما در نماز از خدا می خواهیم در صراط الذین انعمت علیهم قرار بگیریم.

انزجار و برائت خود را از ستم پیشه گان و گمراهان با جمله غیرالمغضوب علیهم و لالضالین اعلام می داریم.

عدالت که در راس همه ارزشهاست در امام جماعت لازم شمرده شده است.

پیروی از امام عادل، مطرح کردن یک اصل با ارزش اجتماعی است که بجای خودسری و تک روی تابع رهبری باشیم.

ایستادن روبه قبله یادآور ارزشهای بسیاری است: مکه شکنجه گاه بلال، قربانگاه اسماعیل، زادگاه علی ابن ابیطالب، پایگاه قیام مهدی، آزمایشگاه ابراهیم و عبادتگاه تمام انبیاء و اولیاست.

در نماز هرچه هست تحرک در هر صبح و شام است. تحرک در رکوع و سجود و قیام، حرکت در رفتن به مسجد و مصلی؛ پس ساکن و ساکت و گوشه گیر نباش؛ بلکه همواره در تلاش و حرکت باش البته در جهت خداوند و بسوی او.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

در نماز روح و جان انسان غبار روبی می‌شود ، غبار تکبرش می‌ریزد چون هر شبانه روز دهها بار بلندترین نقطه بدنش را به خاک می‌مالد. و سجده بر خاک بهتر از سنگ است که تذلل در به خاک مالیدن است.

بر زمین پاک سجده کن که از راه نجس نمی‌توان به پاکی و سرچشمه پاکها رسید. گریه از خوف خدا یک ارزش است و قرآن سجده همراه با گریه را ستایش کرده است :
سجدا و بکیا

نماز یک خط الهی است که از هنگام تولد تا لحظه مرگ برای ما ترسیم شده است: نوزاد که به دنیا آمد در گوش راست و چپ او اذان و اقامه بگو که در آن سفارش به نماز شده است ، « حی علی الصلوه » و بهنگام مرگ نیز او را با خواندن نماز میت دفن کن. و در طول زندگی همواره در حال عبادت و پرستش خدا باش « و اعبد ربک حتی یاتیک الیقین »

نماز پیوند انسان با طبیعت است. برای شناخت وقت نمازها خصوصاً صبح و ظهر باید به خورشید نظر کنی. برای بدست آوردن قبله به ستارگان توجه کنی، برای انجام نمازهای مستحبی در ایام مبارکه به حرکات ماه دقت کنی. برای غسل و وضو رو به آب و برای سجده و تیمم به خاک رو آوردی.

این ارتباط میان نماز با خورشید و ماه و ستاره و آب و خاک بدست کدام طراح حکیم برنامه ریزی شده است ؟

دیگر واجبات دین نیز به نوعی در نماز حضور دارند، نمازگزار همچون کسی که به حج می‌رود ، کعبه ، قبله و محور کارهای اوست. نمازگزار همچون کسی است که به جهاد

می رود لکن به جهاد اکبر که جهاد با نفس است. نماز خود بالاترین امر به معروف و نهی از منکر است.

هجرت ، از مهمترین ارزشهای دین ماست و حضرت ابراهیم بخاطر نماز هجرت کرد و همسر و فرزند خود را در کنار کعبه گذارد و فرمود:

« ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا اقیموا الصلوه »^۱

پروردگارا من فرزندانم را در بیابانی خشک ساکن کردم تا نماز اقامه شود.

اگر زینت و نظافت یک ارزش است اسلام سفارش می کند که : « خذوا زینتکم عند کل مسجد »^۲ بهنگام شرکت در مساجد خود را زینت کنید و زینتهای خود را بگیرید. با لباس پاکیزه و معطر وارد مسجد شوید.

چنانکه سفارش می کند زنان بهنگام نماز زیورهای خود را همراه داشته باشند و با آنها خود را زینت کنند.

حتی به مساله مسواک توجه شده و در روایات می خوانیم : نماز با مسواک هفتاد برابر نماز بدون مسواک ثواب دارد و یا قبل از رفتن به مسجد سیر و پیاز نخورید که بوی دهان شما دیگران را اذیت نکند و مردم را از مسجد فراری ندهد.

چه زیباست حدیثی که می فرماید: روز قیامت سه چیز از مردم شکایت می کند : عالمی که مردم به او مراجعه نکنند ، قرآنی که در منزل باشد اما تلاوت نشود و مسجدی که مورد بی اعتنائی مردم واقع شود.

^۱ - سوره ابراهیم آیه ۳۷

^۲ - سوره اعراف آیه ۳۱

نیت

اولین رکن نماز نیت است.

نیت یعنی آنکه بدانیم چه می‌کنیم و چه می‌گوییم و برای که و چه حرکت می‌نمائیم. ارزش هر کاری به نیت و انگیزه آنست نه فقط صرف عمل. لذا حساب کسی که بخاطر حفظ نظم و احترام به قانون پشت چراغ قرمز می‌ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می‌ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیت جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً چیزی که یک کار را عبادت می‌کند نیت الهی آن کار است که اگر نیت نباشد هرچه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد اما ارزش عبادت ندارد. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرمایند :

« انما الاعمال بالنیات »^۱

همانا کارها بواسطه انگیزه‌ها ارزش پیدا می‌کند و با آنها سنجیده می‌شود. آری فرق مادی یا معنوی بودن یک کار در تفاوت نیتها و هدفهاست.

نیت خالص

نیت خالص آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جاننش هدفی جز او و رضای او و از مردم انتظار تشکر یا پاداشی نداشته باشد.^۲

نانی که اهل بیت رسول خدا در چند شب پی در پی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند ارزش مادی زیادی نداشت اما چون خالصانه بود خداوند بخاطر آن یک سوره نازل کرد.^۱

^۱ - بحار ج ۷۰ ص ۲۱۰

^۲ - سوره انسان آیه ۹

خالص کردن نیت کاری بس دقیق و مشکل است ، گاهی افکار غیر خدائی چنان در عمق جان انسان رسوخ می کند که خود انسان هم متوجه نیست و لذا می گویند ریا و شرک از حرکت مورچه سیاه در شب تاریک بر سنگ سیاه ، آرام تر و دقیق تر است. چه بسیار افرادی که به خیال خود قصد قربت دارند اما هنگام فراز و نشیب ها معلوم می شود که قصد آنها صد درصد خالص نیست.

به قول علامه شهید مطهری ، نیت یعنی خودآگاهی، و ارزش عبادت به معرفت و آگاهی است. تا آنجا که در روایات می خوانیم : « نیت المومن خیر من عمله »^۲

نیت مومن از عمل او بهتر است.

همانگونه که در مقایسه جسم و روح ، روح مهم تر از جسم است و انسانیت انسان به روح اوست. در مقایسه عمل و نیت ، نیت مهم تر از خود عمل است چرا که روح عمل است.

نیت به قدری ارزش دارد که اگر انسان نتواند کار خیری را انجام دهد اما نیت آن را داشته باشد که انجام دهد خداوند پاداش آن را به او می دهد.

قصد قربت

قصد قربت یعنی نزدیکی به مقام پروردگار و ناگفته پیداست که مراد نزدیکی مکانی و جسمی و فیزیکی نیست؛ بلکه مراد از نزدیکی ، نزدیکی معنوی و مقامی و انس است.

^۱ - سوره انسان آیه ۷

^۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۱۰

انجام کارها برای جلب قرب و رضای خداوند یعنی بالا رفتن روح از نردبان وجود که نتیجه اش نفوذ پیدا کردن در هستی است. یعنی نزدیک شدن به سرچشمه هستی و او را در دل خود یافتن.

مراتب انسانها نیز در قرب به سرچشمه هستی متفاوت است و انسان می‌تواند تا آنجا مقرب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد. عبادت همراه با قصد قربت انسان را نوراتی تر، کاملتر و با ظرفیت وجودی بیشتری می‌گرداند.

همه عبادات و خصوصاً نمازهای مستحبی نقش مهمی در این امر دارند چنانکه در حدیث می‌خوانیم: « لا یزال العبد یتقّب الی بالنوافل »^۱

انسان می‌تواند همواره از طریق نمازهای مستحبی به خداوند نزدیک شود.

درجات قرب

لفظ درجات در قرآن مکرر آمده است که نشان می‌دهد درجات معنوی محدودیتی ندارد. البته با تعبیرهای مختلفی آمده است که نکات لطیفی در بر دارد. مثلاً برای بعضی می‌فرماید: « لهم درجات »^۲ یعنی برای آنها درجاتی است. اما درباره عده دیگری می‌فرماید: « هم درجات »^۳ آنان خود درجه هستند. مانند افراد بزرگی که اگر در پایین مجلس بنشینند آنجا می‌شود بالا، یعنی خود آنان درجه سازند نه آنکه درجه و مقام آنها را بالا می‌برد. در قرآن سوره ای است به نام سوره معارج که در آن آمده است:

^۱ - بحار ج ۷۵ ص ۱۵۵

^۲ - سوره انفال آیه ۴

^۳ - سوره آل عمران آیه ۱۶۳

« من الله ذی المعارج »^۱

یعنی از طرف خداوند که دارای محل عروج هاست.

این درجه بندی معنوی مخصوص انساها نیست بلکه سلسله مراتب در میان فرشتگان نیز هست. قرآن در مورد جبرئیل می فرماید: « مطاع ثم امین »^۲ یعنی مورد اطاعت دیگر فرشتگان است.

بهر حال درجات انسانها متفاوت است :

- ۱- گاهی فقط مطیع است مثل یک نوکر
- ۲- گاهی نه فقط مطیع که محب است یعنی بر اساس عشق و محبت اطاعت می کند.
- ۳- گاهی بالاتر از اطاعت و محبت، به معرفت کامل می رسد و هر چه می بیند او را می بیند.
- ۴-

خدا را برای خدا بخوانیم

قرآن از کسانی که خود را بخاطر خود می خوانند و فقط در مشکلات به سراغ او می روند و در غیر آن خدا را فراموش و یا حتی انکار می کنند به شدت انتقاد کرده است.

« فاذا ركبوا فی الفلك دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجاهم الی البر اذا هم

یشركون »^۳

۱- سوره معارج آیه ۳

۲- سوره تکویر آیه ۲۱۰

۳- سوره عنکبوت آیه ۶۵

هرگاه بر کشتی سوار و در آستانه غرق شدن قرار گرفتند با اخلاص خدا را می خوانند ، اما همینکه به خشکی پا گذاشتند و نجات یافتند مشرک می شوند. بهر حال کار برای خود ، نفس پرستی است.

کار برای مردم بت پرستی است.

و کار خود و خلق را برای خدا کردن، خداپرستی است.

در مناجات می خوانیم : « الهی ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعباده فعبدتک »^۱

خداوندا! عبادت من نه از ترس دوزخ و نه به طمع بهشت توست بلکه بخاطر آنست که تو را شایسته عبادت و بندگی یافتم، پس تو را عبادت کردم.

آری این تجارند که به طمع سود کار می کنند و این بردگانند که از روی ترس کار می کنند ، اما آزادگان و احرار بخاطر شکر تعمت های الهی او را عبادت می کنند. چنانکه در کلمات معصومین آمده است :

« ان قوما عبدوا الله رغبه فتلك عباده التجار و ان قوما عبدوا الله رهبة فتلك عباده العبيد و ان قوما عبدوا الله شکرا فتلك عباده احرار »^۲

در عشق مادی انسان معشوق را برای خود می خواهد اما در عشق مقدس معنوی انسان خود را برای معشوق. علی در دعای کمیل می گوید : « واجعل لسانی بذکرک لهجا و قلبی بحبک متیما » خداوندا قلبم را از محبت خود لبریز کن.

^۱ - بحار جلد ۷۰ ص ۱۸۶

^۲ - بحار ج ۴۱ ص ۱۴

راه رسیدن به قرب

رسیدن به قرب و قربت از دو راه است :

۱- شناخت عظمت و مقام خداوند

۲- شناخت پوچی و بی اعتباری غیر او

قرآن همواره نعمتها و الطاف الهی را بر بندگان مطرح می کند تا انسان را عاشق خدا کند
ذکر صفات او ، آفریده های او ، امدادهای مادی و معنوی او و دهها نعمت بزرگ و
کوچک ، همه و همه بخاطر آنست که محبت و عشق ما را به خدا زیاد کند.

از طرف دیگر آیات زیادی ضعف و پوچی غیر او را شمرده و می فرماید : غیر او نه عزتی
دارد نه قدرتی، اگر همه جمع شوند و بخواهند مگسی خلق کنند نمی توانند ، جز او چه
کسی می تواند به ندای افراد مضطر و درمانده پاسخ دهد ؟ آیا درست است که دیگران را
درکنار خدا مطرح کنیم و آنها را همسان و یکسان با خدا بدانیم ؟

کیفیت یا کمیت

اسلام به چگونگی کار و هدف و انگیزه آن توجه بسیار کرده است. قرآن از عمل بهتر
ستایش می کند نه عمل بیشتر و می فرماید:

« لیبلوکم ایکم احسن عملا »^۱

شما را در بوته امتحان قرار می دهد تا کدامیک از شما بهترین عمل را بجای آورد.
حضرت علی در رکوع انگشترش را به فقیری می دهد و آیه ای از قرآن بخاطر آن نازل
می شود.

^۱ - سوره هود آیه ۷

حقیقت آنست که نزول آیه « انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه و یوتون الزکوه و هم راکعون »^۱ بخاطر کیفیت عمل بود نه کمیت آن ، بخاطر اخلاص و قصد قربت بود نه وزن و حجم و قیمت انگشتر.

خاطره

بهلول گروهی را دید که مسجدی را می سازند و ادعا می کنند که برای خداست ، او بر سنگی نوشت بانی این مسجد بهلول است و آن را شبانه بر در مسجد نصب کرد. روز بعد که کارگران سنگ را دیدند به هارون الرشید ماجرا را گفتند. او بهلول را حاضر کرد و پرسید : چرا مسجدی را که من می سازم به نام خودت کرده ای ؟

بهلول گفت : اگر تو مسجد را برای خدا می سازی، بگذار نام من بر آن باشد. خدا که می داند بانی مسجد کیست. او که در پاداش دادن اشتباه نمی کند. اگر برای خداست چه نام من باشد، چه نام تو ، این که مهم نیست. به همین جهت است که قرآن اعمال کفار را به سراب تشبیه می کند که به نظر آب می آید اما واقعیتهای ندارد:

« والذین کفروا اعمالهم کسراب بقیعه یحسبه الظمان ماء »^۲

اعمال کافران همچون سرابی است در خشکزاری که انسان تشنه آن را آب می پندارد.

جامعیت اسلام

اسلام عملی را صالح می داند که چند عنصر را در کنار هم دارا باشد: عمل نیک و انگیزه نیک و وسیله نیک و شیوه نیک که هر یک از ۴ عنصر نیک نباشد کار بی ارزش می شود.

^۱ - سوره مائده آیه ۵۵

^۲ - سوره نور آیه ۳۹

نه تنها در ابتدای کار قصد قربت لازم است بلکه در طول انجام کار باید قصد قربت دوام داشته باشد والا کل عمل باطل است.

شرک و ریا در نیت حتی اگر یک لحظه باشد تمام عمل را حبط و نابود می کند.

نیت به کار ارزش می دهد

فرض کنید شخصی از روی قلم ظلم و تجاوز یک نفر را کشت و بعداً معلوم شد که مقتول نیز یک انسان جنایتکار بوده که باید اعدام می شده است. در اینجا با اینکه کار قاتل مفید بوده است ؛ اما مردم قاتل را ستایش نمی کنند ؛ زیرا قصد او کشتن یک انسان بی گناه بود نه کشتن یک مفسد فی الارض.

پس مفید بودن یک عمل کافی نیست تا آن عمل ، صالح باشد بلکه لازم است با انگیزه ای پاک نیز همراه باشد.

لذا قرآن در همه جا روی قصد قربت تکیه می کند چه در خمس و زکات و انفاق های مالی و چه در جنگ و جهاد با دشمنان. اینکه قرآن روی کلمات « فی سبیل الله »^۱ ، « لوجه الله »^۲ ، « ابتغاء مرضات الله »^۳ تکیه می کند نشاندهنده اهمیت قصد قربت است.

کسانی که با ساختن مدرسه و بیمارستان و راه و خوابگاه برای مردم کارهای مفید انجام می دهند اگر قصد الهی نداشته باشند به خودشان ظلم کرده اند زیرا خود از آن عمل هیچ بهره ای ندارند؛ گرچه دیگران از آن بهره های فراوان می برند.

^۱ - سوره بقره آیه ۱۹۰

^۲ - سوره انسان آیه ۹

^۳ - سوره بقره آیه ۲۰۷

اینکه قرآن همواره عمل صالح را در کنار ایمان می‌آورد و می‌فرماید: «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات»^۱ و یا می‌فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر و انثی و هو مومن»^۲ بخاطر آنست که در اسلام حسن فعلی به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه حسن فاعلی نیز لازم است.

دو خاطره

بلال حبشی که موذن پیامبر اکرم بود در گفتن جمله اشهد ان لا اله الا الله بجای شین، سین می‌گفت زیرا زبانش گیر داشت. مردم این را عیب می‌گرفتند اما پیامبر فرمود سین بلال در نزد خدا شین است، گرچه در ظاهر کارش ناقص است اما چون قصد قربت و حسن نیت دارد پاداش دارد.

عبدالله بن مکتوم یکی از یاران مخلص پیامبر و شخصی نابینا بود. روزی این صحابی بزرگ وارد مجلسی شد که پیامبر و عده‌ای مشغول گفتگو بودند او که افراد جلسه را نمی‌دید با صدای بلند مشغول صحبت شد یکی از افراد جلسه به او عبوس کرد و ناراحت شد.

با آنکه برای شخص نابینا عبوس کردن و لبخند زدن فرقی نمی‌کند زیرا او نمی‌بیند؛ اما قرآن برای همین عبوس کردن یک سوره نازل کرد و ۱۰ آیه پی در پی شخص عبوس کننده را در هم کوبید.

«عبس و تولی ان جاءه الاعمی و ما یدریک لعله یزکی..»^۳

۱ - سوره بقره آیه ۲۷۷

۲ - سوره غافر آیه ۴۰

۳ - سوره عبس آیات ۱ تا ۱۰

پس ملاک عمل، مفید بودن یا مضر بودن نیست که عمل را با دیگران بسنجیم و بگوییم اگر عمل به دیگران فایده ای رساند عمل صالح است و یا اگر ضرری رساند عمل غیر صالح است، بلکه باید رابطه عمل را با خود شخص هم بسنجیم که عمل را به چه هدفی انجام داد و آیا عمل فی نفسه گرچه به دیگران هم فایده ای نرساند و یا ضرری نزند، چگونه است؟

قصد قربت یعنی کار را برای خدا انجام بده و از نیش و نوش ها نهراس چنانکه قرآن در وصف مومنان واقعی می فرماید: «یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم»^۱

در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش ملامت کنندگان هراسی ندارند.

قصد قربت یعنی حق را بگو و از احدی جز او پروا نداشته باش چنانکه قرآن مبلغین الهی را چنین توصیف می کند: «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله»^۲ آنانکه پیامهای الهی را تبلیغ می کنند و از او خشیت دارند و از کسی جز خدا نمی ترسند. یکی از نشانه های اخلاص آنست که انسان میان مقدار وافر و مناطق و نوع کارها و شرایط فرقی نگذارد و فقط به فکر رضای خدا باشد، مردم بفهمند یا نفهمند، طرفداری نکنند یا نه، درآمدی داشته باشد یا نداشته باشد.

^۱ - سوره مائده آیه ۵۴

^۲ - سوره احزاب آیه ۳۹

آثار و برکات نیت

با نگاهی کوتاه و گذرا به آیات و روایات ، آثار و برکات زیادی برای نیت پاک درمی یابیم که بطور فشرده گوشه هایی از آنها را بیان می کنیم :

- ۱- کسی که حسن نیت داشته باشد رزق او فراوان می شود.^۱
(شاید بخاطر حسن نیت رفتار و برخورد او با مردم به نحو مطلوب می شود و قهراً افراد بیشتری جذب شغل و کار او می شوند و درآمد بیشتری بدست می آورد.)
- ۲- حسن نیت توفیقات انسان را زیاد می کند، زندگی دلچسب می شود و دوستان زیادی را برای انسان می آورد.^۲
البتة الطاف الهی به قدر حسن نیت افراد است و هر چه نیت بهتر و خالص تر باشد لطف خداوند نیز بیشتر می شود.
- ۳- به انسان طول عمر می دهد. در روایات آمده کسی که حج را تمام کرد اگر در موقع بازگشت به وطن نیت کند و تصمیم بگیرد برای سال بعد هم به حج بیاید خداوند بخاطر همین آرزوی خوب به او طول عمر می دهد.^۳
- ۴- حسن نیت گذشته انسان را جبران می کند.
علی ع می فرماید : اگر گنهکار با حسن نیت توبه کند خداوند آنچه را به عنوان کیفر از او گرفته به او پس می دهد و هر گونه مشکلی در کارش باشد اصلاح می کند.^۴
- ۵- خداوند به نیت کار خیر پاداش آن کار خیر را می دهد گر چه انسان موفق به انجام آن کار نشود. با نیت صادق کارهای نشده برای انسان به حساب می آید؛ چنانکه در روایت

^۱ - وسائل ج ۱ ص ۳۹

^۲ - غررالحکم

^۳ - وسائل ج ۸ ص ۱۰۷

^۴ - نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۷۷، ص ۵۷۹

آمده : اگر انسان مومنی بگوید اگر خداوند به من امکانات می داد چنین و چنان می کردم

و این آرزو صادقانه باشد، خداوند پاداش آن کارهای خیر را به او مرحمت می فرماید.^۱

حتی اگر صادقانه آرزوی شهادت کند و از خداوند شهادت بخواهد، خداوند او را به

درجات شهدا می رساند گرچه در رختخواب از دنیا برود.^۲

از لطف خدا همین بس که برای تصمیم به کار خیر پاداش می دهد اما برای نیت گناه تا

وقتی گناهی انجام نشود کیفری نمی کند.^۳

۶ - نیت پاک می تواند مادی ترین امور زندگی را عامل قرب انسان قرار دهد؛ چنانکه

معنوی ترین حالات مانند سجده و گریه اگر از روی ریا باشد وسیله دوری انسان از خدا

می گردد.

در روایات می خوانیم همانگونه که جسم با روح پایدار است دین با نیت صادق استوار

است.^۴ دل پاک و حسن نیت از بهترین ذخائر و گنجینه های الهی است و هر چه نیت

بهتر باشد ارزش این گنج بیشتر خواهد بود.^۵ و اصولاً نیت و تصمیم و اراده جدی ، توان

بدنی انسان را چند برابر می کند.^۶

امام صادق می فرماید: خداوند در قیامت مردم را بر اساس نیاتی که دارند محشور می کند.^۷

کسی که هدفش انجام وظیفه باشد برای او نوع کار و رسیدن به نتیجه مهم نیست چنانکه

قرآن می فرماید:

« و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیة اجرا عظیما »^۱

۱ - وسائل ج ۱ ص ۴۰

۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۰۱

۳ - وسائل ج ۱ ص ۴۰

۴ - بحار ج ۷۸ ص ۳۱۲

۵ - غررالحکم

۶ - وسائل ج ۱ ص ۳۸

۷ - قصار الجمل

کسی که در راه خدا بجنگد چه کشته شود و چه پیروز شود ما پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

آنچه مهم است جهاد در راه خداست اما اینکه نتیجه اش شکست باشد یا پیروزی، در پاداش الهی تاثیری ندارد. قرآن در جای دیگری می‌فرماید:

«ومن يخرج من بيته مهاجرا الى الله ورسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله»^۱

کسی که بری هجرت بسوی خدا و پیامبرش از خانه اش خارج شود و سپس مرگ او را دریابد پاداشش با خداست.

از این آیه نیز بخوبی فهمیده می‌شود همینکه انسان بخاطر خدا از خانه خارج شود گرچه به مقصد هم نرسد پاداش دارد، مهم نیت عمل است نه خود عمل، مهم قدم گذاردن در راه است نه رسیدن به مقصد.

رسول خدا به ابی ذر فرمود: تصمیم بر کار خیرداشته باش گرچه توفیق عمل پیدا نکنی زیرا این تصمیم تو را از جرگه غافلین بیرون می‌آورد.^۲

در حدیثی دیگر می‌خوانیم: هر کاری که همراه با نیت الهی بود بزرگ است گرچه آن کار ساده و کوچک باشد.^۳

چنانکه مهم ترین کارها اگر با نیت صحیح نباشد ارزشی ندارد. پیامبر می‌فرماید: بیشتر شهدای امت من در رختخواب از دنیا می‌روند و چه بسیارند کسانی که در جبهه کشته می‌شوند اما خدا بر نیت آنان آگاه است.^۴

۱ - سوره نساء آیه ۷۴
۲ - سوره نساء آیه ۱۰۰
۳ - وسائل ج ۱ ص ۳۹
۴ - وسائل ج ۱ ص ۸۷
۵ - محجه البیضاء ج ۸ ص ۱۰۳

پیامبر گرامی اسلام در جنگ تبوک می‌فرماید: همانا کسانی که در مدینه هستند اما آرزوی جبهه و شرکت با ما را دارند بخاطر همان نیت در اجر ما شریکند.^۱

چنانکه در روایتی دیگر می‌خوانیم: کسی که با فکز بیدار شدن برای نماز شب به رختخواب می‌رود اگر هم در خواب بماند خداوند خوابش را صدقه و نفس کشیدنش را تسبیح قرار می‌دهد و پاداش نماز شب را برایش ثبت می‌فرماید.^۲

بی جهت نیست که به ما سفارش شده حتی در خوردن و خوابیدن هم هدف مقدسی داشته باشید.^۳

و حتی اگر شما شخصی را بخاطر خداوند دوست بدارید و خیال کنید که او انسان خوبی است، گر چه او دوزخی باشد اما شما ماجور هستید.^۴

امتیاز نیت بر عمل

امتیازی که نیت کار بر نفس کار دارد این است که در انجام کار، گاهی ریا و خودنمایی مطرح است اما در نیت چون یک امر درونی است و آثار ظاهری ندارد ریا و امثال آن راه ندارد. امتیاز دیگر نیت بر عمل آنست که همیشه و همه جا ممکن است و شرایط خاصی نمی‌طلبد اما انجام یک عمل نیاز به شرایط و امکانات فراوانی دارد.

در روایات ما عنوانی است به ناو ولایت من بلغ؛ که این دسته روایات می‌گویند اگر شخصی روایتی شنید که می‌گوید فلان عمل پاداش دارد و آن عمل را انجام داد، خداوند

۱ - محجه ج ۸ ص ۱۰۴

۲ - بحار ج ۷۰ ص ۲۰۶

۳ - وسائل ج ۱ ص ۳۵

۴ - محجه ج ۴ ص ۳۷۴

آن پاداش را به او می دهد ؛ گرچه آن روایت درست نباشد؛ زیرا کسیکه به آن حدیث عمل کرده با آرزو و حسن نیت انجام داده است.

درجات نیت

۱- گاهی ترس از قهر خدا یا طمع به لطف او انسان را به کاری وامی دارد. چنانکه قرآن در این مورد می فرماید: « ادعوه خوفاً و طمعاً »^۱ خدا را در هر حال چه ترس و چه امید بخوانید.

و یا در جای دیگری می فرماید: « یدعوننا رغبا و رهبا »^۲ ما را در حال امید یا ترس می خوانند.

۲- مرحله بالاتر آنست که انسان بخاطر تشکر از الطاف ا کاری انجام دهد؛ گرچه پاداش یا کیفری از جانب خدا نباشد. چنانکه علی می فرماید:

لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لا يعصى شكرا لنعمه »^۳

اگر خداوند هم بر معصیتش وعده عذاب نداده بود بر انسان لازم بود بخاطر تشکر از نعمتهای او نافرمانی او را نکند.

۳- مرحله برتر آنست که انسان برای حیاء و هیبت از خداوند عملی انجام دهد یا کاری را ترک کند زیرا: « اعبدا لله کانک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک »

خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی ؛ زیرا اگر تو او را نمی بینی اما او تو را می بیند.

^۱ - سوره اعراف آیه ۵۶

^۲ - سوره انبیاء آیه ۹۰

^۳ - نهج الاباغه فیض الاسلام ، حکمت ، ۲۸۲ ، ص ۱۲۲۷

۴- مرحله بالاتر قرب به اوست که انسان بدون چشمداشتی به بهشت و یا ترسی از دوزخ خدا را عبادت کند چون او را تنها شایسته بندگی و عبادت بداند.

۵- و بالاترین مرحله آنست که عشق او انسان را به کاری وادار کند؛ چنانکه امام حسین شهادت در راه خدا را مانند گردن بند به گردن عروس می بیند و پدربزرگوارش حضرت علی عشق به مرگ و لقاء خدا را از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر دارد و حضرت قاسم فرزند امام حسن مجتبی در کربلا می گوید: مرگ در راه خدا برای من از عسل شیرین تر است.

نقش نیت در مسائل کیفری

اسلام در مسائل حقوقی و کیفری نیز برای قصد و نیت حساب جداگانه ای باز کرده است که به دو نمونه از ان اشاره می کنیم :

در مورد قتل ، حساب کسی که از روی عمد و قصد کسی را کشته است از حساب کسی که بدون قصد سبب کشته شدن فردی شده است جداست و هر یک حکم جداگانه ای دارد.^۱

در سوگند و قسم نیز قرآن می فرماید:

« لا یواخدکم الله باللغو فی ایمانکم »^۲

خداوند شما را بواسطه قسمهای غیر جدی مواخذه نمی کند.

^۱ - سوره نساء آیه ۹۲

^۲ - سوره بقره آیه ۲۵۵

معرفت و شناخت مقدمه قصد قربت

مهم ترین راه برای رسیدن به قصد قربت و نیت پاک ، معرفت و شناخت است. اگر بدانیم

محبوبیت پیدا کردن نزد مردم بدست خداست.^۱

اگر بدانیم عزت و قدرت ما بدست اوست.^۲

و اگر بدانیم نفع و ضرر ما بدست دیگران نیست.^۳

و اگر بدانیم کار برای خدا گاهی دو برابر، گاهی ده برابر و گاهی هفتصد برابر پاداش دارد

حیف می دانیم که برای غیر او کار کنیم.

اگر بدانیم که بالا رفتن در جامعه نشانه عظمت نیست ؛ زیرا که دود رو سیاه هم بالا می

رود !

اگر بدانیم که توجه و نظر مردم به ما ارزشی ندارد.

اگر به خطرات و رسوایی های ریاکاری توجه داشته باشیم.

اگر بدانیم روزی را در پیش داریم که احدی به فریاد احدی نمی رسد و تنها کسانی نجات

می یابند که قلب سلیم داشته باشند.^۴

و اگر بدانیم با نیت فاسد چه ارزشهایی را از دست می دهیم ، خود را برای انجام کار

خالص و با قصد قربت آماده می کنیم.

۱ - سوره ابراهیم آیه ۳۷

۲ - سوره بقره آیه ۱۵۶

۳ - مناجات شعبانیه

۴ - سوره شعراء آیه ۸۹

آثار نیت فاسد

در خاتمه بحث نیت اشاره ای هم به آفات نیت فاسد می کنیم چنانکه قبلا برکات نیت سالم را بیان کردیم.

۱- امام سجاد می فرماید: نیت سوء سبب قبول نشدن دعاهاست.

نه تنها نیت غیر خدایی مارها را از رنگ الهی داشتن و عبادت بودن می اندازد بلکه سوء نیت هم خطراتی را دربردارد.

امام صادق می فرماید: اگر کسی وام بگیرد اما هدفش این باشد که آن را نپردازد به منزله سارق است.^۱ چنانکه اگر در ازدواج قصد پرداخت مهریه همسرش را نداشته باشد در نزد خدا به منزله زناکار است.^۲

۲- محرومیت از رزق. چنانکه امام صادق فرمود: چه بسا مومنی که نین گناه می کند خداوند او را از رزق محذوم می کند.

نمونه عینی این حدیث داستای باغی است که در قرآن آمده است « در سوره ن و القلم از آیه ۱۶ تا ۳۰ داستان گروهی آمده است که باغی داشتند و قصد کردند برای برداشت محصول شبانه بروند تا فقراء آگاه نشوند و چیزی از میوه ها را به فقرا ندهند.

سحرگاه که به سراغ باغ رفتند دیدند یک تخته خاکستر است ابتدا گمان کردند راه را گم کرده اند ؛ اما یکی از آنها که عاقل تر بود گفت آیا من به شما تذکر ندادم چنین قصد و نیتی نکنید. شما قصد محروم کردن فقرا را داشتید خداوند هم شما را از آن محروم کرد.

^۱ - وسائل ج ۱۵ ص ۲۲

^۲ - وسائل ج ۱۵ ص ۲۲

۳- نشانه شقاوت است. حضرت علی می‌فرماید: « من الشقاء فسادالنيه » نیت فاسد نشانه شقاوت است.

۴- برکت از عمر و زندگی می‌رود. چنانکه علی می‌فرماید: « عند فساد النيه ترتفع البركه »

خداوند برکت را از کسی که نیتش سالم نیست برمی‌دارد و او نمی‌تواند از نعمتهای الهی به خوبی استفاده کند.

الله اکبر

نماز با گفتن الله اکبر شروع می‌شود و اموری را بر نمازگزار حرام می‌کند، مانند : خوردن ، آشامیدن و حرف زدن ، لذا به تکبیر اول نماز تکبیره الاحرام می‌گویند.

نمازگزار در هر خم و راست شدن و قیام و قعود مسنحب است الله اکبر را تکرار کند.

الله اکبر اولین کلمه واجب به هنگام صبح است.

اولین کلمه ای است که نوزاد مسلمان در آغاز تولد به عنوان اذان و اقامه می‌شنود.

و آخرین کلمه ای است که بر مرده خوانده می‌شود (در نماز میت) و سپس وارد قبر می‌شود.

تکبیره الاحرام

اولین و یگانه ذکر است که در نماز هم واجب است و هم رکن نماز است.

اولین جمله در سرود مسلمانان یعنی اذان است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

الله اکبر بیشترین ذکر است که هم در مقدمات نماز هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود ؛ بطوری که یک مسلمان در طول یک روز فقط در نمازهای پنجگانه واجب (نه نمازهای مستحب) حدود ۳۶۰ مرتبه آن را تکرار می کند. بدین صورت که :

۱- برای هر ۵ نماز اذان وارد شده و در هر اذانی ۶ مرتبه الله اکبر گفته می شود
(مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۲- برای هر ۵ نماز اقامه وارد شده که در هر اقامه ای ۴ مرتبه الله اکبر گفته می شود (مجموعاً ۲۰ مرتبه)

۳- قبل از شروع نماز در هر ۵ نماز ، ۶ تکبیر مستحب است و تکبیر هفتم همان تکبیره الاحرام واجب است (مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۴- تکبیره الاحرام آغاز نمازها که در مجموع ۵ تکبیر می شود.

۵- قبل از هر رکوع در ۱۷ رکعت یک تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۱۷ مرتبه)

۶- در هر هفده رکعت نماز دو سجده داریم که برای هر سجده دو تکبیر مستحب است ، یکی قبل و یکی بعد از آن (مجموعاً ۶۸ مرتبه)

۷- هر نماز یک قنوت دارد که قبل از هر قنوت یک تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۵ مرتبه)

۸- در پایان هر یک از نمازهای ۵ گانه ۳ تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۱۵ مرتبه)

۹- بعد از هر نماز ۳۴ مرتبه به عنوان تسبیحات حضرت زهرا می گوئیم (مجموعاً ۱۷۰ مرتبه)

اگر انسانی با ایمان و توجه کامل هر روز بیش از ۳۶۰ مرتبه بگوید خدا بزرگتر است ، دیگر از هیچ قدرت و توطئه ای هراس ندارد.

تکبیر در نمازهای دیگر

در نمازهای عید فطر و قربان نه فقط در نماز که قبل و بعد نماز، شعارها هم تکبیر است.

در نماز آیات ۵ رکوع داریم که برای هر رکوع تکبیری وارد شده است.

در نماز میت که اصولاً ۵ تکبیر رکن نماز است.

تکبیر در فرهنگ اسلامی

نه فقط در نماز که گفتن الله اکبر در بسیاری از موارد و مواضع حساس وارد شده است، مسلمانان در صدر اسلام هم در تلخیها و هم در شادیها تکبیر می گفته اند که ما به گوشه ای از آن اشاره می کنیم:

۱- در جنگ خندق مسلمین برای کندن خندق به سنگ محکمی برخورد کردند که کلنگ شکست؛ اما سنگ نشکست پیامبر آمد و با ضربه ای سنگ را شکست، مسلمانان یک صدا تکبر گفتند و در همانجا پیامبر فرمود من سقوط کاخهای روم و ایران را در برق و جرقه سنگها دیدم.^۱

۲- علی در جنگ صفین هر کس را که می کشت با صدای بلند تکبیر می گفت و مسلمین با شمردن تکبیرها فهمیدند که حضرت چه تعداد رابه هلاکت رسانده است.^۲

^۱ - بحار ج ۲۰ ص ۱۹۰

^۲ - بحار ج ۳۲ ص ۶۰

۳- شبی که فاطمه زهرا را به خانه علی بن ابیطالب می بردند هفتاد هزار فرشته تکبیر گویان به زمین نازل شدند.^۱

۴- پیامبر گرامی بر جنازه فاطمه بنت اسد ۴۰ تکبیر^۲ و بر جنازه عموی خود حضرت حمزه ۷۰ تکبیر خواندند.^۳

۵- در مراسم حج هر سنگ ریزه ای که به جایگاه شیطان پرتاب می شود یک تکبیر گفته می شود.^۴

۶- در تسبیحات حضرت زهرا که ثوابش معادل هزار رکعت نماز مستحبی است ۳۴ مرتبه تکبیر آمده است.^۵

۷- هنگامی که پیامبر اکرم متولد شد اولین کلمه ای که بر زبان آورد کلمه مبارک الله اکبر بود.

۸- روزی که مکه بدست مسلمانان فتح شد، پیامبر وارد مسجد الحرام شد و به حجرالاسود اشاره کرد و تکبیر گفت و مسلمانان با صدای بلند چنان تکبیر گفتند که لرزه بر اندام مشرکین افتاد.^۶

۹- در روایات می خوانیم : هر گاه از برادر دینی خود امری دیدی که موجب تعجب شما شد تکبیر بگویند.^۷

۱۰- در جنگ احد قهرمانی از کفار مبارز می طلبد حضرت علی جلو رفت و چنان ضربه ای بر او وارد کرد که پیامبر و مسلمانان با صدای بلند تکبیر گفتند.^۱

۱- بحار ج ۴۳، ص ۱۰۴
 ۲- بحار ج ۳۵ ص ۷۰
 ۳- بحار ج ۲۰ ص ۶۳
 ۴- بحار ج ۱۱ ص ۱۶۸
 ۵- بحار ج ۱۵ ص ۲۴۸
 ۶- نمونه ج ۲۷ ص ۴۰۷
 ۷- بحار ج ۹۲ ص ۱۲۷

۱۱- پیامبر اکرم به حضرت علی می فرمود: هرگاه به هلال ماه یا آینه نظر کردی یا مشکلی به تو رو آورد ۳ مرتبه تکبیر بگو.^۲

۱۲- زید فرزند امام سجاد که علیه حکومت بنی امیه قیام کرد شعارش الله اکبر بود.^۳

۱۳- در جنگ بدر پیامبر درانتظار هلاکت یکی از سران دشمن به نام نوفل بود؛ همینکه خبر دادند حضرت علی او را ز میان براشت تکبیر گفت.^۴

۱۴- هنگامی که حضرت علی به خواستگاری حضرت زهرا آمد پیامبر فرمود صبر کن تا موضوع را با دخترم فاطمه در میان بگذارم اما حضرت زهرا سکوت کرد و چیزی نگفت. پیامبر فرمود: الله اکبر سکوتها اقرارها.^۵

۱۵- در جنگ با خوارج وقتی فرمانده آنها به هلاکت رسید حضرت علی تکبیر گفت و سجده کرد و همه مردم تکبیر گفتند.^۶

۱۶- گروهی از یهود مسلمان شدند و به پیامبر گفتند پیامبر قبلی جانشین داشته اند وصی شما کیست؟

در اینجا آیه ولاین نازل شد که رهبر شما خدا و رسول او و مومنانی هستند که در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر می دهند. پیامبر فرمودند به مسجد برویم که وقتی وارد شدند فقری را دیدند که خوشحال است و حضرت علی در حال رکوع انگشتر خود را به او داده است. در این هنگام پیامبر تکبیر گفتند.^۷

۱- بحار ج ۲۰ ص ۱۲۶

۲- بحار ج ۹۲ ص ۱۴۵

۳- کتاب زید بن علی ص ۱۸۶

۴- بحار ج ۱۹ ص ۲۸۱

۵- بحار ج ۴۳ ص ۹۳

۶- بحار ج ۴۱ ص ۳۴۱

۷- بحار ج ۳۵ ص ۱۸۳

۱۷- گفتن تکبیر بهنگام ورود به حرم امامان معصوم سفارش شده است؛، چنانکه قبل از خواندن زیارت جامعه ۱۰۰ تکبیر در سه مرحله می خوانیم.

۱۸- حضرت علی در قضاوت‌های خود وقتی مجرم را شناسایی می کرد تکبیر می گفت.^۱

۱۹- میثم تمار که به جرم طرفداری از حضرت علی به دستور ابن زیاد به دار آویخته

شد و با نیزه به او حمله کردند در لحظه شهادت تکبیر می گفت و از دهانش خون

می آمد.^۲

۲۰- در شب معراج، پیامبر از هر آسمانی که می گذشت تکبیر می گفت.^۳

۲۱- جبرئیل نزد پیامبر بود که حضرت علی وارد شد جبرئیل گفت ای محمد به

خدائی که ترا به پیامبری مبعوث کرد اهل آسمانها از اهل زمین این علی را بهتر و

بیشتر می شناسند هر گاه او در جنگها تکبیر می گوید ما فرشتگان نیربا او همصدا

می شویم.^۴

۲۲- در جنگ خیبر وقتی مسلمانان وارد قلعه شدند چنان تکبیر می گفتند که یهودیان

پا به فرار گذاشتند.^۵

در نماز چگونه تکبیر بگوییم ؟

اسلام برای هر کار آدابی را بیان کرده است. در گفتن الله اکبر نیز آدابی باید مراعات

شود از جمله :

۱- بحار ج ۴۰ ص ۲۶

۲- بحار ج ۴۲ - ص ۱۲۵

۳- بحار ج ۸۶ ص ۲۰۷

۴- بحار ج ۳۹ ص ۹۸

۵- پیامبری و حکومت ص ۱۴۶

۱- هنگام گفتن تکبیر در نماز دو دست را تا مقابل گوش بالا بیاوریم؛ بطوری که وقتی دستها مقابل گوش رسید تکبیر تمام شده باشد.

امام رضا فرمود: حرمت دستها در موقع تکبیر در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب موثر است.^۱

۲- انگشتان دست موقع تکبیر بهم چسبیده باشد و بالا رود.

۳- کف دستها رو به قبله باشد.

روایات اسلامی بلند کردن دست هنگام تکبیر را زینت نماز معرفی کرده اند.

معنای تکبیر

الله اکبر یعنی خدا برتر از همه موجودات حسی، عقلی، ملکی و ملکوتی است.

الله اکبر یعنی خدا برتر از آنست که کسی بتواند او را توصیف کند.

امام صادق می فرماید: همینکه تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز

او. اینکه انسان با زبان تکبیر بگوید اما دل به دیگری بسته باشد دروغگو و حيله گر

است و بخاطر همین امر خداوند شیرینی ذکر خود را از او می گیرد.

سوره حمد

پس از گفتن تکبیره الاحرام باید سوره حمد خوانده شود و اگر این سوره در نماز

خوانده نشود نماز باطل است زیرا: لا صلوه الا بفاتحه الكتاب.

^۱ - وسائل ج ۴ ص ۷۲۷

نام دیگر این سوره ، فاتحه الکتاب است ؛ زیرا قرآن با این سوره آغاز می شود. این سوره ۷ آیه دارد.^۱ و بنا به روایت جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا بهترین سوره های قرآن است.

سوره حمد تنها سوره ای است که بر هر مسلمانی واجب است حداقل روزی ۱۰ بار آن را در نمازهای پنجگانه خود بخواند.

در اهمیت این سوره همین بس که در روایات آمده اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد تعجب نکنید.

از نامگذاری این سوره به فاتحه الکتاب معلوم می شود تمام آیات قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم جمع آوری و به صورت کتاب درآمده است و به امر ایشان در آغاز و ابتدای کتاب قرار داده شده است. آیات سوره مبارکه حمد اشاراتی درباره خدا و صفات او ، مساله معاد ، شناخت و درخواست رهروی در راه حق و قبول حاکمیت و ربوبیت و رحمانیت خداوند دارد. همچنین در این سوره علاقه خود را به ادامه راه اولیاء خدا و بیزاری و انزجار از گمراهان و غضب شدگان را ابراز می کنیم.

سوره حمد مایه شفاء است. هم شفا از دردهای جسمانی و هم شفاء از بیماریهای روحی. سیمایی از درسهای تربیتی سوره حمد

۱- انسان در تلاوت سوره حمد با « بسم الله » از غیر خدا قطع امید می کند.

۲- با « رب العالمین » و « مالک یوم الدین » احساس می کند که مریوب و مملوک است.

۳- با کلمه « عالمین » میان خود و هستی ارتباط برقرار می کند.

^۱ - عدد هفت ، تعداد آسمانها ، ایام هفته ، عدد طواف ، سعی بین صفا و مروه و عدد سنگهایی که به شیطان زده می شود نیز هست .

- ۴- با « الرحمن الرحيم » خود را در سایه لطف گسترده او می بیند.
- ۵- با « مالک يوم الدين » غفلتش از آینده زدوده می شود.
- ۶- با « اياک نعبد » خودخواهی و غرور و ریا و شهرت طلبی را کنار می گذارد.
- ۷- با « اياک نستعين » به فکر یاری طلبی از دیگران و غیر خدا نیست.
- ۸- از کلمه « انعمت » می فهمد که تقسیم نعمتها بدست اوست و باید حسادت را کنار گذاشت ؛ زیرا حسود در واقع از داوری و تقسیم روزی به دست خدا راضی نیست.
- ۹- با « اهدنا الصراط المستقيم » رهپاری در راه حق را درخواست می کند.
- ۱۰- با « صراط الذين انعمت عليهم » همبستگی خود را با پیروان خدا اعلام می دارد.
- ۱۱- با « غيرالمغضوب عليهم و لا الضالين » از باطل و اهل باطل بیزاری می جوید.

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله سرآغاز کتاب وحی است. بسم الله نه تنها در ابتدای قرآن کریم بلکه در آغاز تمام کتابهای آسمانی بوده است. بسم الله سرلوحه عمل همه انبیاء بوده است. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد نوح به یاران خود گفت : سوار شوید که : « بسم الله مجریها و مرسیها »^۱ حرکت و توقف این کشتی با نام خدا است.

حضرت سلیمان نیز وقتی ملکه سبا را به سوی خدا دعوت کرد، دعوتنامه خود را با جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز کرد.

^۱ - سوره هود آیه ۴۱

حضرت علی می فرمود: « بسم الله » مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی امور است.

همچنین به شخصی که جمله «بسم الله» را می نوشت فرمود « جودها » آنرا نیکو بنویس. به زبان آوردن «بسم الله» در شروع هر کاری سفارش شده اس ؛ غذا خوردن، خوابیدن، سوار شدن بر مرکب، نکاح و زناشویی و بسیاری از کارهای دیگر. حتی اگر حیوانی بدون گفتن « بسم الله » ذبح شود مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان هدفدار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

چرا هر کاری را با « بسم الله » شروع کنیم ؟

همانگونه که هر کشوری پرچمی مخصوص به خود دارد، نام خدا و یاد خدا نیز آرم و نشانه مسلمانی است و جمله بسم الله علامت و رمز این مسلمانی است و در هر کاری چه بزرگ و کوچک و در هر مکانی و در هر زمانی چه صبح و چه شام این کلام مبارک بر زبان مسلمان جاری است. در حدیث می خوانیم :

بسم الله را فراموش نکن حتی در نوشتن یک بیت شعر و روایاتی در پاداش کسی که برای اولین بار بسم الله را به کودک یاد دهد، وارد شده است.^۱

تنها در ابتدای سوره براءت (سوره توبه) بسم الله نیامده است که به فرموده حضرت علی بخاطر آن است که بسم الله کلمه امان دادن و رحمت است و با اعلام براءت از مشرکین سازگار نیست.

^۱ - تفسیر برهان ج ۱ ص ۴۳

پیامهای بسم الله

- ۱- بسم الله نشانگر رنگ و صبغه الهی و بیانگر جهت گیری توحیدی ماست.
- ۲- بسم الله رمز توحید است. نه در کنار نام خدا نام دیگری را ببرید و نه به جای نام او نام دیگری قرار دهید.
- ۳- بسم الله رمز بقاء و دوام است و هر چه رنگ خدایی نداشته باشد فانی است.^۱
- ۴- بسم الله رمز عشق به خدا و توکل به اوست.
- ۵- بسم الله رمز دوری از تکبر و اظهار عجز به درگاه خداست.
- ۶- بسم الله رمز بیمه کردن مارها با نام خداست.
- ۷- بسم الله رمز قداست بخشیدن به کارهاست.
- ۸- بسم الله رمز ذکر و یاد همیشگی خداست که خدایا ترا در هیچ حال فراموش نمی کنم.
- ۹- بسم الله بیانگر هدف انسان است ؛ که خدایا هدفم تو هستی نه مردم ، نه دنیا و نه هوسها.
- ۱۰- بسم الله یعنی فقط و فقط از او استمداد می جویم نه دیگران.
- ۱۱- بسم الله بیانگر آن است که محتوای سوره از مبدا حق و مظهر رحمت نازل شده است.

واژه الله

الله یعنی ذاتی که شایسته عشق و پرستش است زیرا همه کمالات را در بردارد.

^۱ - كل شيء هالك الا وجهه سوره قصص آیه ۸۸

در قرآن حدود صد نام برای خدا آمده است که « الله » جامع ترین آنهاست. اصولاً نامهای خداوند هر کدام اشاره به صفتی از صفات خدا دارد نه آنکه فقط یک علامت و نشانه ای برای خدا باشد.

قرآن می‌فرماید: « والله الاسماء الحسنی » یعنی نامهای نیکو و بهترین نامها مخصوص خداست. در روایات ۹۹ نام برای خدا ذکر شده که به عنوان اسماء حسنی معرفی شده اند و آمده است هرکس خدات را با این نامها بخواند دعایش مستجاب می‌شود.^۱ و در دعای جوشن کبیر خدا را با هزار نام و صفت می‌خوانیم.

آمدن دو کلمه « رحمن » و « رحیم » بدنبال « الله » رمز آن است که انسان کار خود را با امید به لطف و رحمت الهی آغاز کند و بداند که منشاء همه امیدها و رحمتها خداست.

شروع کار با الفاظ رحمت، رمز آن است که اصل و بنای الهی بر لطف و رحمت است و سزاوار است که انسان از سرچشمه رحمت الهی استمداد کند. رحمن نام مخصوص خداست زیرا تنها رحمت او گسترده و فراگیر و همیشگی است. دیگران یا رحمتی ندارند و یا گسترده نیست؛ علاوه بر آنکه دیگران اگر هم چیزی می‌بخشند توقع پاداش دنیوی یا اخروی دارند.

الحمد لله و رب العالمین

شکرو سپاس و ستایش مخصوص پروردگاری است که هستی را به سوی کمال می‌برد.

^۱ - تفسیر نمونه ج ۷ ص ۲۷

الحمد لله

کلمات حمد، مدح و شکر گرچه در ظاهر یک معنی دارند اما هر کدام در جای خاصی بکار می روند مثلاً: کلمه مدح به معنای ستایش است چه ستایش به خلق باشد و چه از روی چاپلوسی و ناحق، چه بخاطر کمالات فرد باشد و چه از ترس و طمع و یا اغفال و خود شیرینی.

کلمه شکر، سپاس در برابر خیر و نعمتی است که از دیگران به انسان رسیده است. اما در کلمه حمد علاوه بر ستایش و سپاس یک معنای دیگری نیز نهفته است و آن پرستش است. یعنی سپاس و ستایشی که به حد پرستش رسیده باشد، لذا مدح و شکر دیگران جایز است اما حمد مخصوص خداست زیرا پرستش مخصوص خداست. گرچه بعد از « الحمد لله » چهار وصف برای خدا آمده است: « رب العالمین »، « الرحمن » « الرحیم » « مالک يوم الدين » که نشان می دهد انسان باید بخاطر این الطاف و عظمت الهی، حمدگوی خدا باشد، اما قبل از هر چیز کلمه « لله » آمده است یعنی حمد تنها برای اوست چون تنها او شایسته حمد است؛ بر فرض هم که چنین اوصافی در کنارش نیامده باشد.

رب العالمین

خداوند، پروردگار همه هستی است. آنچه در آسمانها و زمین و میان آنهاست پروردگارشان اوست:

« رب السموات و الارض و ما بینهما »^۱ و « هو رب کل شیء »^۲

^۱ - سوره شعراء آیه ۲۳

^۲ - سوره انعام آیه ۶۴

حضرت علی در تبیین آیه می فرمایند: « من الجمادات و الحيوانات » یعنی او پروردگار جماد و حیوان ، جاندار و بی جان است.

گرچه گاهی مرد از « عالمین » انسانها هستند اما بیشتر ، عالم به معنای مخلوقات و عالمین به معنای تمام مخلوقات استعمال شده است. از این آیه فهمیده می شود پروردگار تمام هستی اوست و آنچه در جاهلیت و در میان بعضی ملتها اعتقاد داشتند که برای هر نوعی از موجودات خدائی مستقل است که رب النوع آن پدیده است فکری باطل است.

خداوند برای همه موجودات پس از آفرینش مسیری برای رشد و تکامل تعیین نموده است و تربیت الهی همان مسیر هدایت اوست. « ربنا الذی اعطی کل ظیء خلقه ثم هدی »^۱ پروردگار ما کسی است که به همه موجودات نعمت وجود بخشیده و سپس آنها را به سوی کمال هدایت نموده است. اوست که به زنبور عسل ، یاد داده از چه گیاهی بمکد و به مورچه آموخته چگونه قوت زمستانی خود را ذخیره کند و بدن انسان را چنان آفریده که بطور خودکار خون سازی کند.

آری چنین خداوندی شایسته و حمد و سپاس است. حمد از ویژگیهای انسان می باشد که در برابر جمال و کمال و زیبایی ، ستایش و در برابر نعمتها و احسانها تشکر می کند. خداوند متعال بخاطر کمال و جمالش شایسته و بخاطر احسان و انعامش لایق شکرگزاری است. رب العالمین یعنی رابطه خداوند با مخلوقات رابطه ای دائمی و تنگاتنگ است. رب العالمین یعنی زمینه و امکان رشد و تربیت برای همه وجود دارد. نه

^۱ - سوره فاطه آیه ۵۰

تنها خوبان که بدها نیز در حال اوج گرفتن هستند. « کلا نمد هولاء و هولاء »^۱ خداوند می‌فرماید : ما همه را کمک می‌کنیم و میدان را برای همه باز گذاشته ایم تا هر کس به هر هدفی که دارد برسد. البته چون دنیا دار تراحم و موانع است طبیعی است که همه کس به همه آرزوهایش نمی‌رسد. رب العالمین یعنی خداوند ، هم مالک هستی است هم مدبر آن. کلمه « رب » یا تاز ریشه « ربی » به معنای رشد و تربیت گرفته شده و یا از واژه « رب » به معنای صاحب. خداوند هم صاحب جهان است و هم مربی و مدبر آن. « له الخلق و الامر تبارک الله ورب العالمین »^۲ هم آفرینش از اوست ، هم اداره آن و هم پرورش دهنده همه اوست.

طبق روایات کلمه « الحمد لله رب العالمین » بهترین تشکر از نعمتهای خداوند است و لذا سفارش شده قبل از هر گونه دعا و درخواستی از خدا، حمد خدا کنید و گرنه دعا ناقص است. نه تنها در آغاز دعا و نیایش ، بلکه اهل بهست در پایان کار همان شعار را تکرار می‌کنند که : « و آخر دعویهم ان الحمد لله رب العالمین »^۳

الرحمن الرحیم

ترجمه این دو کلمه به بخشنده مهربان ترجمه کامل و رسائی نیست ؛ زیرا به قول علامه شهید مطهری، بخشنده مهربان ترجمه جواد و رؤف است نه رحمن و الرحیم و اصولاً برای این دو کلمه واژه معادل فارسی یافته نشده است.

گرچه « رحمن » و « رحیم » هر دو از ریشه « رحمه » گرفته شده اند؛ اما « رحمن » به رحمت گسترده الهی گفته می‌شود که ابتدائی است و همه انسانها را شامل می‌شود

۱- سوره اسراء آیه ۲۰

۲- سوره اعراف آیه ۵۴

۳- سوره یونس آیه ۱۰

ولی « رحیم » رحمتی است که به عنوان پاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل می‌شود. به فرموده امام صادق خداوند نسبت به تمام مخلوقات « رحمن » است اما « رحیم » به مومنان اختصاص دارد. خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است : « رحمتی وسعت کل شیء »^۱ چنانکه پیامبر و کتاب او نیز برای هستی ، رحمت است : « رحمه للعالمین »^۲

پرورش و تربیت او بر اساس رحمت است و کفر و عقوبت او نیز همچون چوب معلم لازمه تربیت است. بخشیدن گناهان و قبول توبه بندگان و عیب پوشی آنان و دادن فرصت برای جبران گذشته همه مظاهر رحمت فراگیر او هستند.

اصولاً هستی جلوه رحمت اوست و هر چه از جانب او به هر موجودی برسد لطف و رحمت است ؛ لذا همه سوره های قرآن با « بسم الله الرحمن الرحیم » آغاز می‌شود. « الرحمن الرحیم » در کنار « رب العالمین » آمده‌است یعنی تربیت الهی بر اساس لطف و رحمت است ؛ چنانکه تعلیم او نیز برپایه رحمن و مهربانی است : : الرحمن علم القرآن^۳ « خدای مهربان قرآن را به بشر تعلیم کرد و این خود درسی برای ما انسانهاست که معلم و مربی باید همواره مهربان و رحیم باشد.

مالک يوم الدين

مالک روز جزاست.

خداوند هم مالک است و هم ملک. هستی نیز ملک تحت مالکین اوست و هم ملک تحت سلطنت و حکومت او. مالکیت او فراگیر است و همه چیز را شامل می‌شود و

^۱ - سوره اعراف آیه ۱۵۶

^۲ - سوره انبیا آیه ۱۰۷

^۳ - سوره الرحمن آیه ۲

حتی حکومت هم تحت مالکیت اوست: « قل اللهم مالک المملک »^۱ چنانکه انسان نیز نسبت به اعضا بدن خود هم مالک است و هم حاکم و فرمانروای بدن خود.

مالکیت خدا واقعی است نه اعتباری و قراردادی.

گرچه خداوند هم مالک دنیا است و هم آخرت ؛ اما چون انسان در دنیا خود را مالک اشیاء و امور می بیند از مالک اصلی غافل می شود ولی در آن روز که همه اسباب قطع و نسبتها محو زبانها مهر زده می شود و مالکیت الهی را به خوبی احساس و ادراک می کند و به او خطاب می شود : « لمن المک الیوم » امروز حکومت از آن کیست؟ و او

که تازه چشمش باز شده می گوید : « لله الواحد القهار »^۲

نمازگزاری که در هر نماز می گوید خداوند « مالک یوم الدین » است همواره در یاد معاد و قیامت است و هر کاری که می خواهد بکند از ابتدا به فکر حساب و کتاب روز جزاست.

واژه دین

کلمه « دین » در معانی گوناگونی بکار رفته است :

۱- شریعت و قانون الهی، چنانکه قرآن می فرماید: « ان الدین عندالله الاسلام »^۳ همانا

دین در نزد خدا اسلام است.

۲- عمل و اطاعت ، چنانکه قرآن می فرماید: « لله الدین الخالص »^۴ : دین خالص (عمل

خالص) برای خداست.

۱- سوره آل عمران آیه ۲۶

۲- سوره غافر آیه ۱۶

۳- سوره آل عمران آیه ۱۷

۴- سوره زمر آیه ۳

۳- حساب و جزا ، چنانکه این آیه شریفه می‌فرماید:

« مالک یوم الدین »

یکی از نامهای روز قیامت ، « یوم الدین » است یعنی روز کیفر و پاداش، چنانکه قرآن از قول منکران قیامت نقل می‌کند که : « یسئلون ایاں یوم الدین »^۱ : می‌رسند روز قیامت چه وقت است و یا در مقام معرفی این روز می‌فرماید: « ثم ما ادریک ما یوم الدین یوم لا تملک نفس شیئا و الامر یومئذ لله »^۲ نمی‌دانی روز دین (روز قیامت) چه روزی است ؟ روزی است که هیچکس برای کسی کارائی ندارد و تنها حکم و فرمان الهی حاکم است.

«مالک یوم الدین» انذار و هشدار است که ای نمازگزار ازامروز به فکر فردا باش. فردایی که « لا ینفع مال و لا بنون »^۳ مال و ثروت و فرزند نفعی ندارد ، فردائی که « لن تنفعکم ارحامکم »^۴ بستگان و نزدیکان نیز فایده ای نمی‌رسانند ، فردایی که نه زبان اجازه عذرتراشی دارد و نه فکر فرصت تدبیر، فردایی که تنها یک چیز کارساز و چاره ساز است و آن لطف خداوند است. قرار گرفتن « مالک یوم الدین » در کنار « الرحمن الرحیم » نشان می‌دهد که مژده و اخطار باید در کنار هم باشند و تشویق و تنبیه در کنار یکدیگر. چنانکه قرآن کریم در آیهای دیگر می‌فرماید :

« نبیء عبادی انی انا الغفور الرحیم و ان عذابی هو العذاب الالیم »^۵ ای پیامبر به بندگانم خبر ده که من بسیار مهربان و آمرزنده ام ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است و در

۱ - سوره ذاریات آیه ۱۲
۲ - سوره انفطار آیه ۱۸
۳ - سوره شعرا آیه ۸۸
۴ - سوره ممتحنه آیه ۳
۵ - سوره حجر آیه ۴۹

آیه ای دیگر خداوند را چنین معرفی می کند: « قابل التوب شدید العقاب »^۱ و خداوند هم پذیرنده توبه گنهکاران است و هم عقوبت کننده شدید گنهکاران. بهر حال « الرحمن الرحیم » امید دهنده است و « مالک يوم الدين » بیم دهنده و مسلمان باید میان بیم و امید و خوف و رجاء باشد تا نه دچار غرور گردد و نه مایوس از رحمت الهی.

^۱ - سوره غافر آیه ۳

ایاک نعبد و ایاک نستعین

خدایا تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. « ایاک نعبد » یعنی فقط بنده تو هستیم نه بنده دیگران ، این جمله دو بعد دارد یکی اثبات بندگی او و دیگری نفی بندگی غیر او. کسانی که به خدا ایمان دارند اما سلطه طاغوتها را پذیرفته اند نیمه مسلمان هستند و شاید نامسلمان ! ایمان به خدا منهای کفر به طاغوت یعنی مسلمان اسیر! برای رهایی از قرار گرفتن در مدار شرک باید به مرکز وحدت و قدرت پناهنده شد و لذا نمازگزار در نماز تنها خود را نمی بیند که به فکر خود باشد. بلکه گویا به نمایندگی از تمام موحدان سخن می گوید که خدایا من به تنهایی قابل و لایق نیستم تا عبادتی شایسته داشته باشم و لذا در میان جمع مسلمین آمده ام و ما همگی تو را عبادت و بندگی می کنیم. نه فقط من که همه ما از تو استمداد می جوئیم. بنابراین نماز باید در اصل به جماعت خوانده شود و نماز فردی در مرحله بعدی قرار دارد. آیات قبلی به ما توحید نظری و شناخت صحیح از خداوند داد و این آیه توحید عبادی و عملی را مطرح می کند؛ نه فقط خدا را به یگانگی بشناس، بلکه در عمل نیز تنها یگانه را عبادت کن یگانه پرست باش. چرا خدای رحمن و رحیم و رب و مالک را رها کنی و به سراغ بندگی دیگران بروی ؟ فقط بنده خدا باش نه بنده شرق و غرب ، نه بنده روز و زور و نه بنده طاغوتها. حتی حق بندگی و اطاعت از صالحان را نداری، مگر آنکه خداوند به تو اجازه یا دستور دهد. چنانکه در مورد پیامبرش می فرماید : « من یزع الرسول فقد اطاع الله »^۱ هر کس از رسول پیروی کند خدا را اطاعت کرده است. چنانکه اگر اطاعت از پدر و مادر می کنیم چون او به ما دستور داده است و در حقیقت اطاعت از خدا می کنیم.

^۱ - سوره نساء آیه ۸۰

انسان باید به حکم عقل تنها بندگی خدا را بپذیرد، زیرا ما انسانها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت و خداوند نیز جامع تمام کمالات و رب تمام آفرینش است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمن و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم او صاحب اختیار ماک آن روز است؛ پس چرا به سوی دیگران برویم و از آنها مدد بخواهیم.

ایاک نعبد یعنی با جامعه هستیم اما به غیر تو دل نبسته ایم. نه از اجتماع مسلمین کناره می گیرم که خلق تو را فراموش نکنم و نه در جامعه ذوب می شوم که خالق را رها کنم. بلکه می دانم مسیر بسوی خالق از میان خلق می گذرد.

ایاک نستعین یعنی اگر چه از اسباب و وسائلی که تو در آفرینش قرار داده ای استفاده می کنیم اما می دانیم اثر و کارآیی هر سب و وسیله ای بدست توست. هم چیزی را سبب قرار می دهی و هم می توانی اثر آن را بگیری. اراده تو حاکم بر همه قوانین است و طبیعت محکوم اراده توست.

ایاک نعبد یعنی تنها تو شایسته پرستشی و ما نه از روی ترس و طمع بلکه از روی عشق و محبت تو را عبادت می کنیم. کدام محبوب از تو بع ما نزدیکتر و به ما مهربان تر؟

ایاک نعبد و ایاک نستعین می گوئیم « نعبد » پس دارای اختیار هستیم و چون می گوئیم « نستعین » پس نیازمندیم و همه امور در اختیار ما نیست.

ایام نعبد و ایاک نستعین یعنی نماز را به جماعت می خوانیم و با مسلمانان در یک صف، برادر و برابر و همدل و هماهنگ هستیم.

ایاک نعبد یعنی خدایا من تو را بر خود حاضر و ناظر می بینم و لذا می گویم: « ایاک » و بنده ای که خود را در محضر خدای تعالی ببیند زودتر بهره می گیرد. از ابتدای سوره حمد بطور غیابی با خدا سخن می گفتیم اما در اینجا به حضور و خطاب می رسیم. اول با

صفات خدا آشنا می شویم اما کم کم به خودش می رسیم. و نه فقط یکبار بلکه چون گفتگو با محبوب شیرین است کلمه «ایاک» را تکرار می کنیم.

پرواز معنوی مراحلی دارد لذا اول سوره ، حمد و ثنا می کنیم با «ایاک نعبد» ارتباط و در «ایاک نستعین» دعا می کنیم : ثناء ، ارتباط ، دعا

گرچه عبادت از ماست اما در عبادت کردن هم نیازمند کمک تو هستیم : «و ما کنا لنهتدی لولا ان هدنا الله»^۱ اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی یافتیم.

گرچه تنها از او استعانت می جوئیم اما استعداد از غیر او اگر با رضایت او باشد اشکال ندارد. چنانکه انسان از استعداد و نیرو و فکر خود کمک می گیرد و این منافاتی با توحید ندارد. خداوند خود به ما دستور می دهد : «تعاونوا» زیرا زندگی بدون تعاون و یاری امکان ندارد. حضرت علی به کسی که دعا می کرد خدایا مرا محتاج مردم نکن. فرمود: این حرف صحیح نیست بلکه بگو خدایا مرا محتاج افراد بد نکن ؛ زیرا زندگی بدون همکاری و همیاری ممکن نیست.

کسی که صادقانه بگوید : «ایاک نعبد» دیگر روح تکبر و غرور و خودخواهی ندارد و در برابر دستورات الهی خاضع و مطیع است. می داند که چون خداوند بیشترین لطف را بر او کرده باید بهترین تذلل را به درگاهش بیاورد. همچون عبد مطلق در برابر مولای مطلق بایستد و خاضعانه بگوید: من بنده ام و تو مولایی. من کسی جز تو ندارم (ایاک) اما غیر مرا فراوان داری و همه هستی ذلیل و مملوک توست. پس تو به عبادت من نیاز نداری بلکه من سراپا محتاج لطف کرم تو هستم و باید همواره از تو مدد بجویم.

^۱ - سوره اعراف آیه ۴۳

اهدانا الصراط المستقیم

خداوند ما را به راه مستقیم هدایت فرما

کاروان هستی در حال حرمت بسوی خداست :

« الیه المصیر »^۱ و انسان نیز در تلاش و حرکت : « انک کادح الی ربک »^۲ و در هر حرکتی تنها یک راه مستقیم وجود دارد و باقی راهها انحرافی است. اسلام برای این حرکت هم راه تعیین نموده هم راهنما، هم مقصد را مشخص کرده و هم وسیله حرکت را در اختیار انسان قرار داده است و این ما هستیم که باید انتخاب کنیم به کدام راه برویم. خداوند در عمق جان و فطرت هر انسان میل به رشد و کمال و حق جوئی را قرار داده که اگر میل و کشش را در پرتو تعلیمات انبیا پرورش داد مورد عنایت خاص خداوند قرار می گیرد : « والذین اهتدوا زادهم هدی »^۳ آنانکه هدایت را بپذیرند خداوند هدایتشان را بیشتر می کند و راههای خودش را به آنها نشان می دهد.

قرآن دو نوع هدایت را مطرح می کند، یکی هدایت تکوینی نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه برای ذخیره سازی عسل درست کند و بسازد و یکی هدایت تشریعی که اختصاص به انسانها دارد و همان راهنماییهای انبیا الهی است.

صراط مستقیم کدام است ؟

کلمه صراط که بیش از ۴۰ مرتبه در قرآن آمده است به معنی راه هموار، روشن و وسیع است. در زندگی انسانها راههای متعددی وجود دارد که او باید یکی از آنها را انتخاب کند:

^۱ - سوره مائده آیه ۱۸
^۲ - سوره انشقاق آیه ۶
^۳ - سوره محمد آیه ۱۷

راه هوسهای خود، راه هوسهای مردم ، راه طاغوتها، راه نیاکان و پیشینیان به جهت تعصب های قومی و نژادی ، راه وسوسه های شیطانی ، راههای تجزیه نشده و بالاخره راه خدا و اولیاء خدا.

طبیعی است که انسان معتقد به خدا از میان این همه راه تنها راه خدا و اولیاء او را انتخاب می کند، زیرا این راه امتیازاتی دارد که دیگر راهها ندارد:

راه مستقیم نزدیکترین راه برای رسیدن به مقصود است.

راه الهی ثابت است بر خلاف راههای دیگر که طبق هوسهای خود یا دیگران هر روز تغییر می کند.

یک راه بیشتر نیست زیرا میان دو نقطه تنها یک خط مستقیم وجود دارد. اما راههای دیگر متعدد است.

راهی مطمئن و بی خطر است ، بر خلاف راههای دیگر که انسان همواره در معرض خطر سقوط قرار دارد.

راهی که انسان را به مقصد یعنی رضای خدا می رساند و در آن شکست و باخت وجود ندارد.

راه مستقیم، راه خداست : « ان ربی علی صراط مستقیم »^۱

راه مستقیم ، راه بندگی خداست : « و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم »^۲

راه مستقیم ، توکل و تکیه بر خداست : « و من یعتصم بالله فقد ھدی الی صراط

مستقیم »^۳

^۱ - سوره هود آیه ۵۶

^۲ - سوره یس آیه ۶۱

^۳ - سوره آل عمران - آیه ۱۰۱

انسان باید هم در انتخاب راه از خداوند کمک بگیرد و هم در ادامه دادن و بودن در راه. مانند لامپی که برای روشن ماندن باید هر لحظه از منبع اصلی، برق دریافت کند. لذا نه تنها مردم عادی بلکه پیامبر خدا و ائمه معصومین باید در هر نماز از خدا بخواهند. که آنان را بر صراط مستقیم پایدار بدارد. نه فقط در حال نماز بلکه در همه حال و در هر کاری؛ چه انتخاب شغل و چه انتخاب دوست، چه در ازدواج و چه در تحصیل، باید همواره از خدا بخواهد که او را در مسیر مستقیم قرار دهد؛ زیرا چه بسا انسان در عقاید، صحیح فکر می‌کند اما در عمل دچار لغزش می‌شود و بالعکس.

راه مستقیم راه اعتدال و میانه روی است، علی می‌فرماید: «الیمین و الشمال مضله و الطریق الوسطی هی الجاده»^۱ چپ و راست انحراف است و طریق سعادت همان راه وسط است.

راه مستقیم یعنی دوری از هر گونه افراط و تفریط، نه انکار حق و نه علو در حق، نه جبر و نه تفویض، نه فردگرایی و نه جامعه گرایی، نه ذهن گرایی و نه عمل زدگی، نه دنیا گرایی و نه آخرت زدگی، نه غفلت از حق و نه غفلت از خلق، نه عقل زدگی و نه عاطفه گرایی، نه تحریم طبیعت و نه غوطه در شهوات، نه بخل و نه اسراف، نه حسادت و نه تملق، نه ترس و نه تهور و.. بلکه چه در عقاید و افکار و چه در اعمال و رفتار همواره راه میانه و اعتدال را پیش می‌گیریم.

برای حرکت در صراط مستقیم باید همواره از خدا کمک بگیریم زیرا این صراط از موازین و از شمشیر تیز تر است و هر لحظه خطر سقوط وجود دارد. کسی از صراط

^۱ - نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۱۶، ص ۶۹

قیامت عبور می‌کند که توانسته باشد در دنیا از صراط مستقیم الهی منحرف نشود، چه انحرافات فکری و چه انحرافات عملی و اخلاقی.

یکی قائل به جبر می‌شود و همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد گویا که انسان در سرنوشت خود تاثیری ندارد و بی اراده و اختیار است، و دیگری خود را همه کاره دانسته و دست خدا را بسته می‌بیند.

یکی رهبران آسمانی را همچون مردم عادی می‌داند و دیگری آنها را در حد خدایی بالا می‌برد و مسیح را فرزند خدا و بلکه خود خدا می‌شمرد!

یکی زیارت و توسل به اوبیاء خدا را شرک می‌داند و دیگری حتی به درخت و دیوار متوسل می‌شود! یکی از روی غیرت نابجا اجازه نمی‌دهد همسرش از خانه خارج شود و دیگری از روی بی غیرتی همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد.

اینها همه انحراف از مسیر مستقیم الهی است که خداوند می‌فرماید: دین پابرجا و استوار من بر صراط مستقیم است: «قل اننی هدینی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: امت اسلام را امتی میانه قرار دادم تا اسوه و الگوی دیگران باشند: «و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس»^۲

در روایات آمده است که امام معصوم می‌فرمودند: راه مستقیم ما هستیم. یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در این راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، انتقاد، انفاق، اظهار، علاقه، محبت، قهر، صلح و.. همواره ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند.

^۱ - سوره انعام آیه ۱۶۱

^۲ - سوره بقره آیه ۱۴۳

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

ما در اینجا نمونه هایی از آیات و روایات را که در آنها به جنبه اعتدال تاکید و از افراط و تفریط نهی شده است می آوریم :

« کلو و اشربوا و لاتسرفوا »^۱ بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.

« لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط »^۲ در انفاق کردن نه دست بسته باش و نه چنان گشاده دست که بعد خود محتاج شوی.

« الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما »^۳ مومنان کسانی هستند که به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل ؛ بلکه میانه رو هستند.

« لاتجهز بصلواتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا »^۴ نمازت را نه بسیار بلند بخوان و نه بسیار آهسته بلکه با صدایی معتدل بخوان.

« والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم »^۵ مومن هم دافعه دارد و هم جاذبه. نسبت به کفار شدید و نسبت به مومنان رحیم.

« اقیموا الصلوه و آتوا الزکوه »^۶ هم ارتباط با خلق هم ارتباط با مخلوق. هم نماز بخوانید و هم زکات بدهید.

« الذین آمنوا و عملوا الصالحات »^۷ هم ایمان و باور قلبی لازم است و هم رفتار و عمل صالح.

گرچه قرآن می فرماید: « و بالوالدین احسانا »^۱ نسبت به والدین احسان کنید ؛ مگر اگر آنها شما را از راه خدا باز می دارند اطاعت آنها جایز نیست : « فلا تطعهما »^۲

۱ - سوره اعراف آیه ۳۱
۲ - سوره اسراء آیه ۲۹
۳ - سوره فرقان آیه ۶۷
۴ - سوره اسراء آیه ۱۱
۵ - سوره فتح آیه ۲۹
۶ - سوره بقره آیه ۴۳
۷ - سوره بقره آیه ۸۲

نه دوستی ها شمال را از بیان حق باز دارد : « شهدا لله و لو علی انفسکم »^۳ و نه دشمنی ها شما را از رفتار عادلانه دور کند. « و لا یجرمنکم شنان قوم علی ان لا تعدلوا »^۴

شب عاشورا امام حسین هم مناجات می کرد و هم شمشیر تیز می کرد !
زائران خانه خدا روز عرفه و شب عید قربان دعا می خوانند اما روز عید باید به قربانگاه رفته و با خون آشنا شوند!

و بالاخره اسلام دین یک بعدی نیست که به جنبه ای توجه کند و جنبه ای را فراموش کند بلکه به همه ابعاد وجود انسان در حد اعتدال و میانه توجه کرده است.

صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضول علیهم و لا الضالین
به راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی هدایت کن نه راه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان.

نمازگزار بدنبال درخواست هدایت به راه مستقیم از خداوند می خواهد که او را به همان راهی هدایت کند که نعمت یافتگان الهی در آن راه بوده اند. قرآن در آیات ۶۸ سوره نساء و ۵۸ سوره مریم این گروه را معرفی می کند که در اینجا توجه شما را به آیه ۶۸ نساء جلب می کنیم :

« و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین ».

^۱ - سوره بقره آیه ۸۳
^۲ - سوره عنکبوت آیه ۸
^۳ - سوره نساء آیه ۱۳۵
^۴ - سوره مائده آیه ۸

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

کسانی که پیروی خدا و رسول خدا بنمایند آنان با کسانی هستند که خداوند آنها را نعمت بخشیده است از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان. بنابراین نمازگزار از خداوند می‌خواهد او رادر خط انبیاء و شهدا و صالحان قرار دهد. آرزوی پیمودن راه این نیکان و پاکان ، انسان را از خطر کجروی و بیراهه روی بازداشته و یاد و خاطره آنان را همواره در ذهن و خاطر نمازگزار زنده می‌دارد.

غضب شدگان و گمراهان کیانند؟

در قرآن افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امتهای همچون قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل به عنوان غضب شدگان معرفی شده اند. ما در هر نماز از خدا می‌خواهیم که در اعتقاد و اخلاق و عمل همانند این افراد و گروهها که گرفتار قهر و غضب الهی شده اند ، نباشیم.

بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدن آنها در قرآن بیشتر آمده است ، زمانی بر تمام مردم عصر خویش برتری داشتند که خداوند در مورد آنها می‌فرماید :

« فضلتکم علی العالمین »^۱ شما را بر جهانیان برتری دادم. اما بعد از این فضیلت و برتری به خاطر کردار و رفتار ناشایسته دچار قهر و غضب خداوند شدند که قرآن در

این مورد می‌فرماید : « و باوا بغضب من الله »^۲

این تغییر سرنوشت به علت سرنوشت به علت تغییر در رفتار آنان بوده است.

دانشمندان یهود دستورات آسمانی تورات را تحریف کردند : « یحر فون الکم »^۱ تجار و ثروتمندان آنها به ربا خواری و حرام خواری روی آوردند « و اخذهم الربا »^۲ و

^۱ - سوره بقره آیه ۴۷

^۲ - سوره بقره آیه ۶۱

توده مردم در برابر دعوت به جهاد و مبارزه به علت تن پروری و یا ترس از رفتن به جبهه نبرد سرباز زندند و به موسی (ع) گفتند : تو و خدایت به جنگ بروید ما همین جا نشسته ایم ! « فاذهب انت و ربک فقاتلا انا هیئنا قاعدون »^۳

همین انحرافات فکری و عملی باعث شد که خداوند آنان را از اوج عزت به قعر ذلت و سرافکندگی مبتلا ساخت.

پس در هر نماز از خدا می‌خواهیم که نه اهل تحریفات کتاب خدا باشیم نه اهل ربا خواری و نه اهل فرار از جنگ و جهاد. همچنین از گمراهان نباشیم آنانکه همچون افراد گمشده دچار حیرت و سرگردانی اند و هر لحظه بدون آنکه هدفی داشته باشند به سویی می‌روند نان را به نرخ روز می‌خورند و از خود اراده و اختیاری ندارد.

« ضالین » نه همچون « انعمت علیهم » در خط انبیاء و صالحان آمده اند و نه همچون « المغضوب علیهم » در مقابل دین خدا جبهه گیری و مبارزه طلبی می‌کنند ؛ بلکه افرادی بی تفاوت بی درد و رفاه طلب هستند که همچون چهار پایان تنها در فکر شکم و شهوت اند و کاری به حق و باطل ندارند برای آنها فرقی نمی‌کند که پیامبران حاکم باشند یا طاغوتیها مهم آن است که آنها در رفاه و آسایش مادی باشند هر کس که می‌خواهد حکومت کند این گروه گمراهند زیرا راه مشخصی را برای خود برگزیده‌اند.

این آیه مصداق کامل تولی و تبری است نمازگزار در پایان سوره حمد ، عشق و علاقه و تولای خود را به انبیاء و شهدا و صالحان ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ تبری و گمراهان در هر نماز جامعه اسلامی در برابر پذیرش حکومت آنان پایدار و

^۱ سوره مائده آیه ۱۳

^۲ سوره نساء آیه ۱۶۱

^۳ سوره مائده آیه ۱۴

مقاوم می سازد قرآن سفارش می کند : « لا تتولوا قوما غضب الله علیهم »^۱ هرگز سرپرستی گروه غضب شدگان الهی را نپذیرید.

اهمیت سوره توحید

در نماز بعد از سوره حمد باید یکی دیگر از سوره های قرآن خوانده شود که نمازگزار می تواند هر سوره ای را انتخاب کند. البته به غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارند. امادر میان سوره ها ، سوره « قل هو الله احد » ترجیح داد و لذا در روایات به ما سفارش شده است در هر شبانه روز لااقل در یکی از رکعت های نمازتان این سوره را بخوانید تا از نمازگزاران واقعی باشید.

این سوره در اهمیت به اندازه یک سوم قرآن بلکه یک سوم تورات و انجیل و زبور است نه تنها در نماز بلکه اگر بعد از نماز هم این سوره به عنوان تعقیب نماز خوانده شود خیر دنیا و آخرت را به انسان مرحمت می کند.

گرچه این سوره کوچک است اما محتوای آن بسیار بالاست ؛ چنانکه امام سجاد (ع) می فرماید : خداوند چون می دانست در آینده افراد دقیق و عمیقی پیدا می شوند این سوره و همچنین آیات اول سوره حدید را نازل کرد.

قرائت این سوره نه تنها در نماز سفارش شده ؛ بلکه تلاوت مکرر آن شر افراد ظالم را از سر انسان کوتاه می کند و خانه انسان را از حوادث و خطرات بیمه می کند.

سعد بن معاذ یکی از یاران و سرداران لشگر رسول خدا بود که قبرش در قبرستان بقیع مدینه است در تشییع جنازه او پیامبر پا برهنه شرکت کرد و فرمود نود هزار فرشته از

^۱ سوره ممتحنه آیه ۱۳ .

آسمان برای تشییع سعد آمده اند پیامبر از جبرئیل پرسیدند : دلیل نزول تو و این همه فرشته برای تشییع جنازه سعد بن معاذ چیست ؟ جبرئیل فرمود : او در هر حال چه ایستاده چه نشسته چه سواره و چه پیاده سوره « قل هو الله حد » می خواند.

در سبب نزول این سوره می خوانیم : یهودیان و مسیحیان و مشرکان از پیامبر درباره خداوند سوال می کردند که خدایت را برای ما معرفی کن و پیامبر در جواب آنها این سوره را قرائت می فرمود.

قل هو الله احد

بگو او خدای یکتاست.

توحید اساسی ترین اصل همه ادیان آسمانی است و انبیاء آمده اند تا آثار شرک و کفر و بت پرستی را از میان بردارند و مردم را به سوی خدا یگانه دعوت کنند توحید روح و جان همه تعالیم انبیاست. نه فقط اعتقادات که احکام و اخلاق نیز بر محور توحید استوار است.

توحید مرز میان ایمان و فکر است و ورود به قلعه ایمان بدون توحید ممکن نیست : « قولوا لا اله الا الله تفحلوا » و « کلمه لا اله الا الله حصنی فمّن دخل حصنی امن من عذابی » این سوره شامل خالص ترین عقاید توحیدی است لذا آن را سوره توحید و اخلاص نامیده اند این سوره هم عقیده مسیحیت به تثلیث را رد می کند هم شرکت یهود را و هم عقیده عرب جاهلی به اینکه فرشتگان دختران خدا هستند.

توحید یعنی خالص کردن فکر و عمل از هر گونه شریک و همتایی برای خدا. نه شرک نظری و نه ربای عملی بلکه هم انگیزه و هدف تنها خدا باشد و هم نفس کار خدایی و الهی.

« قل هو الله احد » او یکتا است که دومی ندارد شبیه مثل ندارد جزء و عضو ندارد.

« قل هو الله احد » او معبودی اسیت در همه چیز فرد است لذا بشر از فهم و درک ذات او عاجز. دلیل یکتایی او اینکه اگر خدای دیگری هم بود او نیز پیامبرانی تا مردم او را بشناسد و اطاعتش کنند دلیل یکتایی او اینکه همه انسانها در موقع خط تنها به یک نقطه متوجه می شوند و دل آنها گواهی می دهد که تنها یک نقطه است که در سختیها به انسان امید می دهد.

دلیل یکتایی او هماهنگی میان زمین و آسمان هستی و انسان و ارتباطی دقیق و منظم میان همه آفریده هاست.

هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین آب و باد و خاک، کوه و دشت و دریا و همه اینها یا نیازهای انسان نشان دهنده یکتایی خالق است. انسان اکسیژن می گیرد و کربن پس می دهد و گیاهان کربن می گیرند و اکسیژن می سازند تا نیاز انسان و دیگر موجودات زنده را بر طرف کنند و این هماهنگی رمز حیات انسان و گیاه ایست.

کمبود طفل را با محبت والدین جبران می کند و خستگی روط را با خواب شب بر طرف می سازد. آب چشم را شور و آب دهان را شیرین آفریده تا یکی چشم را که پی ساخته شده با آب نمک شستشو دهد و یکی غذا را آماده جویدن و هضم کند.

به نوزاد به جای فوت کردن مکیدن را یاد داد و قبل از تولد شیر را به سینه مادر آورده است غذای پرنده آسمان را در لابلای دندان نهنگ دریا قرار داده و روزی همه جانداران را از انسان و حیوان به نحو مطلوب مقدر کرده است.

در جنگ جمل یک عرب بیابانی از حضرت علی (ع) معنای توحید را پرسید رزمندگان به او اعتراض کردند که اکنون وقت این سوالات نیست اما حضرت در همان بحبوحه جنگ توحید را برای او معنی و تفسیر کرد و فرمود: ما برای همین معنی با مخالفین می جنگیم.^۱

آری مبارزه پیروان حق در طول تاریخ به خاطر برافراشتن پرچم توحید بوده است.

الله الصمد

او خدای بی نیاز است.

« صمد » یعنی نفوذ ناپذیر ، خلل ناپذیر و تغییر ناپذیر.

او « صمد » است پس نه ماده است و نه مادی زیرا همه امور مادی در طول زمان دچار دیده شود و نه همچون نیروی جاذبه است که گرچه دیده نمی شود اما خواص مادی دارد.

او « صمد » است ، قدرتی نفوذ ناپذیر که اراده اش در همه چیز مافذ و جاری است. او « صمد » است عزیزی خلل ناپذیر که همه عزت ها از اوست و هرکس هر عزت و قدرتی دارد از اوست. او به هیچکس و هیچ چیز نیاز ندارد و همه چیز نیازمند اوست.

^۱ نوار الثقلین ج ۵ ص ۷۰۹ .

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

او « صمد » است ، که همه کمالات را در اوج کمال داراست و همه موجودات برای رسیدن به کمال نیازمند نظر لطف اویند ؛ ولی به او هیچ موجودی نیاز ندارد. همواره بود و خواهد بود فرمانش فوق همه دستورات و اراده اش حاکم بر همه اراده هاست. نه نیازی به خواب دارد و نه در انجام کارهایش به همکار و شریک محتاج است.

او « صمد » است و دریک کلام : خدای بی نیاز و مورد نیاز.

لم یلد و لم یولد

او نه چیزی را زاییده و نه از چیزی زاده شده است.

او خالق موجودات است نه زاییده آنها. کار او تولید نیست که مثل خود را به وجود آورد بلکه آوردن از نیستی به هستی است مادری که فرزند را می زاید نوزاد از جنس خود و مثل خود یعنی انسان است اما برای خدا مثل و شبیهی امکان ندارد که خدا او را بزاید یا از او زاده شود « لیس کمله شیء »

این جمله در مقابل عقیده مسیحیان است که عیسی (ع) را فرزند خدا می پندارد و برای او همانند خداوند خدائی قادرند. همچنین این آیه اعتقاد مشرکان را که فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند نفی می کند و می گوید خداوند فرزندی نژائیده است چه پسر و چه دختر ! او چیزی زاده نشده است تا زائیده مقدم بر او برتر از او باشد وجود او مثل خروج میوه از گل یا درخت از هسته نیست. مثل خروج آب از ابر یا آتش از چوب نیست مثل خروج کلام از دهان یا نوشته از قلم نیست. مثل خروج بو از گل یا طعم از غذا نیست. مثل خروج فکر از عقل یا درک از دل نیست. مثل خروج گرما از آتش یا سرما از برف نیست ؛ بهر حال او هست اما شبیه هیچ چیز و هیچ کس نیست.

نه در چیزی است و نه چیزی درون او. رابطه او با اشیاء رابطه والد و مولد نیست ، بلکه رابطه خالق و مخلوق است.

ولم یکن له کفوا احد

و هرگز برای او همتا و همانندی نبوده است.
او نه در وجود مثلی دارد و نه در کمال و نه در افعال. او احد است و احدی کفو او نیست. او تنهاست و همسر و فرزندی ندارد !
او همانندی ندارد تا همکار و شریک او باشد. پس چگونه انسان جرئت می کند مخلوق او را شریک او بداند و این ظلم بزرگ در حق خدا مرتکب شود : « ان الشرک لظلم عظیم »^۱

ای نمازگزار نه در نعمتهایی که از جانب خدا به تو می رسد دیگران را دخیل و شریک بدان و نه در کارهایی که انجام می دهی به جز خدا احدی را به منظور بدار به دنبال جلب نظر خدایی باش که نه مثلی دارد نه ضعفی و نه احتیاجی.

رکوع و سجده

رکوع

یکی از ارکان نماز رکوع است که با کم و زیاد شدن آن خواه عمدی یا سهوی نماز باطل می شود کلمه رکعت که در شمارش رکعتهای نماز به کار می رود از همین واژه رکوع است قبیله بنی ثقیف از پیامبر اکرم (ص) درخواست کردند در نماز رکوع و

^۱ سوره لقمان آیه ۱۳

سجود نداشته باشند و می گفتند : خم شدن برای ما عار است. آیه نازل شد: « و اذ قیل لهم ارکعوا لا یرکعون ^۱ » هرگاه فرمان رکوع به آنان داده می شود رکوع نمی کنند. ^۲

دیگران در برابر انسانهایی مثل خود خم می شوند و تعظیم می کنند اما شما تنها در برابر خالق خود خم شوید و تعظیم کنید.

وقتی آیه « فسیح باسم ربک العظیم » نازل شد پیامبر (ص) دستور دادند در رکوع از خداوند تعظیم کنید و این ذکر را در رکوع بگویید : « سبحان ربی العظیم و به حمده » ^۳

رکوع راهی برای توبه و استغفار و عذر خواهی به درگاه خداوند است : « فاستغفر ربه و خر راکعاً و اناب ^۴ »

آثار رکوع

امام باقر (ع) می فرماید : کسی که رکوع خود را کامل انجام دهد ز وحشت قبر در امان است. ^۵

هرچه در برابر خداوند و بیشتر خم شویم قدرت برخورد با شیطان و شیطان صفتان را بیشتر خواهیم داشت. امام صادق (ع) می فرمود : رکوع و سجود طولانی ابلیس را عصبانی کرده و می گوید : وای بر من این مردم با اینگونه بندگی حق دیگر مرا اطاعت نمی کنند. ^۶

^۱ سوره مر اسلات آیه ۴۸

^۲ سوره واقعه آیه ۷۴ .

^۳ جامع الادب ج ۲ ص ۹۲۲

^۴ سوره ص آیه ۲۴

^۵ وسائل ج ۴ ص ۹۲۸

^۶ وسائل ج ۴ ص ۹۲۸ .

خداوند به فرشتگان کی گوید : ببینید بندگان من چگونه مرا تعظیم می کنند و در مقابل من رکوع می کنند من نیز او را بزرگ خواهم کرد و به عزت و عظمت می بخشم.^۱

امام صادق (ع) می فرماید : رکوع و سجود طولانی در طولانی شدن عمر موثر است.^۲

آداب رکوع

در روایات می خوانیم که رسول خدا و رکوع چنان کمر مبارکش را کشیده صاف می نمود که اگر قطره آبی روی کمرش می ریخت وسط کمر می ماند و به سمتی جاری نمی شد.^۳

سفارش شده است در رکوع گردن خود را بکشید تا رمز این باشد که من ایمان آورده ام گرچه گردنم در راه او برود.^۴

از دیگر آداب رکوع آنست که آرنجها را همچون بال پرندگان به بیرون دهیم نه آنکه به پهلوی بچسبانیم کف دست را به زانو و انگشتان دست را باز کنیم. پاها در یک خط نه جلو و عقب و میان دو پا به مقدار یک وجب فاصله باشد.

به هنگام رکوع نگاه به میان دو قدم باشد و پس از ذکر رکوع در همان حال رکوع بر محمد و آل محمد صلوات بفرستیم البته تکرار ذکر رکوع حداقل سه مرتبه مورد سفارش و عنایت است.^۵

^۱ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۲۰۳

^۲ وسائل ج ۴ ص ۹۲۸

^۳ وسائل ج ۴ ص ۹۴۲

^۴ وسائل ج ۴ ص ۹۴۲

^۵ همه این آداب در جلد چهارم وسائل از صفحه ۹۲۰ تا ۹۴۳ آمده است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران^۱

نمی کنی ؟ ای انسان ابلیس به خاطر ترک سجده تو رانده شد آن وقت تو که سجده بر خداوند را ترک می کنی چه انتظاری داری ؟

ابلیس که بر تو سجده نکرد می گفت من از انسان برترم آیا تو می دانی من از خدا برترم ؟ تو که زمانی هیچ بودی و وقتی هم به دنیا آمدی سراسر وجودت را ضعف و عجز فرا گرفته بود و در نهایت هم عاجزانه از دنیا می روی چگونه در برابر آفریدگار هستی تکبر می کنی ؟

به هر حال اولین فرمان خداوند پس از خلقت بشر فرمان سجده بود.

اهمیت سجده

سجده بهترین حالات انسان در برابر خداست.

سجده بهترین راه برای نزدیکی به خداست. « واسجد و اقترب »^۱

نشانه یاران با وفای پیامبر آن است که آثار سجده در سیمای آنان دیده می شود . « سیماهم فی وجوههم من اثر السجود »^۲

سجده انسان را همگام و هماهنگ با کل هستی می سازد زیرا همه موجودات آسمان و زمین از ستاره و سبزه به درگاه الهی ساجد و خاضع اند. « والله یسجد ما فی السماوات و ما فی الارض »^۳ « والنجم و الشجر یسجدان »^۴

سجده هماهنگی با فرشتگان الهی است علی می فرماید : هیچ طبقه ای از طبقات آسمان نیست مگر آنکه گروهی از فرشتگان در حال سجده اند.^۵

^۱ سوره علق آیه آخر . البته یکی از چهار آیه ای است که اگر تلاوت شود سجده بر آن واجب می شود .

^۲ سوره فتح آیه ۲۹ .

^۳ سوره نحل آیه ۴۹ .

^۴ سوره الرحمن آیه ۶ .

^۵ نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۹۰ ص ۲۰۱

رکوع اولیاء خدا

امام صادق (ع) می فرماید : حضرت علی (ع) به قدری رکوع خود را طول می داد که عرق از ساق مبارکش جاری می شد.^۱

خود آن حضرت در اولین خطبه نهج البلاغه می فرماید : خداوند فرشتگانی دارد و همواره در حال رکوعند و هرگز قیام نمی کنند.

البته در فرشته خستگی و گرسنگی مطرح نیست ؛ لذا انسانهای عارف و عاشق که چنین رکوعهای طولانی انجام می دهد فرشتگان را به تمجید خود وادار می کنند این حالت اولیا خداست اما حال ما ؟ پیامبر اکرم (ص) درمسجد نشسته بودند مردی وارد شد و به نماز ایستاد اما رکوع و سجودش را ناقص و سریع انجام داد پیامبر فرمودند : او همچون کلاغی نوکی زد و رفت : اگر با این نماز از دنیا برود بر دین من نمرده است.^۲

سجود

تاریخ سجده

پس از آنکه خداوند آدم را آفرید به فرشتگان فرمان داد تا برای او سجده کنند^۳ همه سجده کردند جز ابلیس و خداوند او را به خاطر همین نافرمانی از درگاه خود راند.

این ماجرا را قرآن بارها تکرار می کند و می دانیم که تکرارهای قرآن بی دلیل نیست ای انسان که همه فرشتگان به خاطر تو سجده افتادند چرا تو در برابر خداوند خالق سجده

^۱ بحار ج ۸۵ ص ۱۱۰

^۲ وسائل ج ۴ ص ۹۲۲

^۳ البته سجده مخصوص خداست و انسان فقط قبله فرشتگان قرار گرفت .

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران^۱

سجده عالی ترین درجه عبودیت و بندگی است زیرا انسان بالاترین نقطه بدن خود یعنی پیشانی را بر خاک می ساید و اظهار ذلت و عجز به درگاه عزیز قادر می برد.

سجده عالی ترین مقام برای والاترین مردان و زنان عالم است لذا خداوند پیامبرش را مامور به سجده می کند نه فقط در روز که بهنگام شب : « و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً »^۱ و خطاب به حضرت مریم (ع) می فرماید : « یا مریم اقتتی لربک واسجدی »^۲

سجده که به دنبال رکوع می آید مرحله ای کاملتر و بالاتر از آنست و نمازگزار را به اوج خضوع می رساند لذا در قرآن معمولاً این دو کنار یکدیگر آمده است : « یا ایها الذین آمنوا رکعوا وسجدوا »^۳ « تریهم رکعاً سجداً »^۴

سجده رمز ایمان به آیات الهی است. « انما یمون بایاتنا الذین اذا ذکروابها خزوا سجداً »^۵ سجده هایی شبانه یکی از نشانه های بندگان صالح خداست : « عباد الرحمن... والذین یتیتون لربهم سجداً و قیماً »^۶

سجده زینت نماز است پس آن را نیکو به جای آوریم. امام صادق (ع) می فرمود : هرگاه نماز می خوانید رکوع و سجده آن را نیکو انجام دهید که خداوند پاداشی هفتصد برابر بلکه بیشتر عنایت می فرماید.^۷

سجده مایع مباهات خداوند بر فرشتگان است و لذا عنایت الهی را به دنبال دارد تا آنجا که در هر سجده یکی از گناهان انسان محو و پاداشی برای او ثبت می شود^۱

^۱ سوره انسان آیه ۲۶ .
^۲ سوره آل عمران آیه ۴۳ .
^۳ سوره حج آیه ۷۷ .
^۴ سوره فتح آیه ۲۹ .
^۵ سوره سجده آیه ۱۵ ج .
^۶ سوره فرقان آیه ۶۴ .
^۷ بحار ج ۸۵ ص ۱۳۹ .

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

حضرت علی می فرمود : اگر انسان بداند هنگام سجده چه رحمتی او را فرا گرفته است هرگز سر از سجده بر نمی دارد.^۲

سجده روح خودخواهی و غرور را از میان برده و انسان را از تکبر نجات می دهد.^۳
پیامبر می فرمود من در قیامت امت خود را از آثار سجده که بر پیشانی دارند می شناسیم.^۴ و آن گوشه از زمین که بر سجده شده است در قیامت گواه عبارت انسان می گردد.^۵ و در دنیا نیز از آن نقطه نوری به آسمانها می رود.^۶

همانند رکوع سجود طولانی نیز سبب بقا نعمتها و طول عمر می شود.^۷
سجده بقدری مهم است که خداوند به پیامبر عظیم الشانی همچون حضرت ابراهیم فرمان می دهد مسجد الحرام را برای طواف منندگان و قائمین و رامعین و ساجدین تطهیر نما.^۸

در سجده رمز هاست

از امیر المومنین (ع) درباره حکمتهای سجده پرسیدند : حضرت فرمود : سجده اول یعنی آنکه در ابتدا خاک بودم و چون سر از سجده برمی داری یعنی از خاک به دنیا آمدم. سجده دوم یعنی دوباره به خاک باز می گردم و سر برداشتن از آن یعنی در قیامت از قبر برمی خیزم و محشور می شوم.^۹

^۱ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۲۶۴ .

^۲ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۲۴۰ .

^۳ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۳ .

^۴ مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۱۸۹ .

^۵ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۱۸۹ .

^۶ مستدرک وسائل ج ۴ ص ۱۸۹ .

^۷ وسائل ج ۴ ص ۹۲۸ .

^۸ سوره حج آیه ۲۶ .

^۹ بحار ج ۸۵ ص ۱۳۹ .

امام صادق (ع) می‌فرمایند: چون سجده برای خداست پس نباید برخوردنیها و پوشیدنیها که مورد توجه اهل دنیاست سجده کرد سجده باید انسان را متوجه خدا سازد نه شکم و لباس و مادیات.^۱

در حدیث می‌خوانیم: دلیل سجده سهو برای هر کم و زیاد سهوی و یا کلام و قیام و قعود نا به جا آن است که ابلیس تو را گرفتار حواس پرتی کرد و در نماز تو خللی ایجاد نموده، پس تو بعد از نماز دو سجده به جای آور تا بینی او به خاک مالیده شود و بداند هر لغزشی ایجاد کند تو دوباره در برابر خداوند به سجده می‌افتی.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: ظاهر سجده صورت گذاردن بر خاک از روی اخلاص و خشوع است اما باطن آن دل کندن از همه امور فانی و دل بستن به سرای باقی و رهای از تکبر و تعصب و تمام وابستگی های دنیوی است.

آداب سجده

در اینجا به گوشه ای از آداب سجده که در روایات آمده است اشاره می‌کنیم.

پس از رکوع برای آمدن به سجده، دستها قبل از زانوها به زمین برسد به هنگام سجده دستها در برابر گوش قرار گیرد ارنج به زمین نچسبد و از دو طرف همچون دو بال باز شود. نه فقط پیشانی بلکه بینی را نیز بر خاک نهد. هنگامی که بین دو سجده می‌نشیند روی پای راست بر پشت پای چپ بیندازد بطوری که سنگینی بدن روی سمت چپ بیفتد، که چپ رمز باطل است و راست رمز حق.

^۱ الفقیه ج ۱ ص ۲۷۲

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

در سجده ، علاوه بر ذکر واجب ، صلوات بفرستد ، دعا کند و از خوف خدا اشک بریزد. هنگام برخاستن از سجده ، تکبیر بگوید و به هنگام تکبیر دستها را بالا بیاورد.

مهر کربلا

گرچه سجده ببر خاکی بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است اما تربت امام حسین امتیازاتی دارد به طوری که امام صادق جز بر خاک کربلا سجده نمی کرد. سجده بر خاک کربلا حجابهای هفت کانه را پاره می کند هم نماز را بالا برده و قبولی می رساند هم نمازگزار را از قعر مادیات بیرون کشیده و او را با جهاد و خون و شهادت آشنا می سازد.

سجده بر خاک حسین یعنی نماز همراه با ولایت.

سجده بر خاک حسین یعنی نماز همراه شهادت.

سجده بر خاک حسین (ع) یعنی بزرگداشت خاطره آنها که برای نماز و در راه خدا خون دادند.

سجده بر خاک حسین (ع) یعنی هر روز عاشورا است و هر زمین کربلا.

سجده بر خاک حسیت (ع) یعنی در راه مبارزه با ظلم سربرده اما تن به ذلت نده.

آری مزار حسین (ع) باغی از باغهای بهشت و دری از درهای آن است دعا تحت آن بقیه مستجاب و نماز در آن مکان محبوب و مقبول خداست.

تسبیحی که از آن خاک درست شود در دست بچرخد برای صاحبش پاداش سبحان الله دارد گرچه او ساکت باشد و اگر ذکر خدا بگوید و تسبیح را بچرخاند برای هر

ذکری ۷۰ برابر پاداش می گیرد. مخفی نماند اهمیتی که برای خاک کربلا نقل شد تا چهار میل از اطراف قبر امام حسین (ع) را در بر می گیرد.^۱

سجده شکر

سجده مخصوص نماز نیست بلکه در موارد دیگری نیز مطرح است و حتی گاهی واجب می شود مانند تلاوت یکی از چهار آیه ای که سبب سجده می گردد.

یکی از موارد سجده سجده شکر است که درباره آن سفارش بسیار شده است.

سجده شکر یعنی تشکر از نعمتهای بی پایان الهی که بر ما و خانواده ما نازل شده است امام صادق می فرماید: هرگاه یاد نعمتی افتادی صورت خود را برای تشکر بر زمین بگذارد و اگر دیدی که مردم ترا می بینند به احترام آن که نعمت کمی خم شو.^۲

پیامبر اکرم را دیدند که از شتر پیاده شد و ۵ سجده کرد و فرمود جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد و من برای هر بشارتی یک سجده کردم.^۳

حضرت علی در سجده شکر بیهوش می شد.^۴ و از امام زمان نقل شده که لازم ترین سنتها سجده شکر است.

در سجده شکر هر گونه و دعایی جائز است اما گفتن « شکر الله » و « الحمد لله » و یاد نعمت بزرگ ولایت اهل بیت سفارش شده است.^۵ خداوند می فرماید: پاداش کسی

که سجده شکر کند آن است که من هم از او تشکر می کنم.^۶

^۱ مطالب این بحث از روایاتی استفاده شده که در کتاب شریف کامل الزیارات باب ۸۹ به بعد آمده است.

^۲ وافی ج ۸ ص ۸۲۵

^۳ محجه البیضا ج ۱ ص ۳۴۶

^۴ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۹

^۵ جامع الاحادیث ج ۵ ص ۴۵۳

^۶ الفقیه ج ۱ ص ۳۳۴

گر سجده شکر زمان و مکان به خصوص ندارد اما بهترین زمان آن پس از نماز و به عنوان یکی از تعقیبات نماز است.

برکات سجده شکر

در روایات آثار و برکات فراوانی برای سجده شکر بیان شده است که ما به طور اختصار فهرست آنها را ذکر می‌کنیم :

اگر در نماز نقصی بوده که با نوافل هم بر طرف نشده سجده شکر آن را جبران می‌کند رضایت پروردگار را دنبال دارد و فاصله میان انسان و فرشتگان را بر طرف می‌کند دعا بر سجده مستجاب می‌شود و ثواب ده صلوات دارد و ده گناه بزرگ را محو می‌کند و در قدر و منزلت سجده شکر همین بس که خداوند با آن بر فرشتگان مباحثات می‌کند.^۱

سجده های اولیا خدا

امام صادق (ع) می‌فرماید : دلیل آنکه حضرت ابراهیم (ع) به مقام خلیل الهی سجده های زیاد او بر خاک بود.

شبی که بنا شد حضرت علی (ع) در جای پیامبر اکرم بنخوابد تا حضرت از تیغ دشمنان در امان بماند از رسول خدا پرسید اگر من اینکار را بکنم جان شما بسلامت خواهد بود ؟ وقتی پیامبر جواب مثبت داد حضرت علی (ع) لبخندی زد و به شکرانه این توفیق سجده شکر کرد.^۲

وقتی سربریده ابوجهل رهبر مشرکین را نزد پیامبر آوردند حضرت سجده شکر کردند.

^۱ الفقیه ج ۱ ص ۳۳۱ .

^۲ وافی ج ۸ ص ۸۸۲ .

امام سجاده (ع) در پایان هر نماز به شکرانه انجام آن، سجده شکر می کرد و هرگاه بلائی از او دور می شد و یا میان دو مسلمان را اصلاح می کرد به شکرانه آن، سجده می کرد. آن حضرت سجده خود را به قدری طول می داد که غرق در عرق می شد.

چند نکته

- جای سجده به قدری ارزش پیدا می کند که در حدیث می خوانیم پس از نماز بر جای سجده دست بکش و به صورت و بدن خود بکش تا از امراض و آفات و ناگواریها در امان بمانی.

۲- سعی کنیم سجده شکر بعد از نماز مغرب را فراموش نکنیم که دعا د آن مسجابه است. امام صادق (ع) فرمود: کسی که بین اذان و اقامه سجده کند و در سجده بگوید: «سجده لک خاضعا خاشعا ذلیلا» خواند محب او را در دل مومنین و هیب او را در دل منافقین قرار می دهد.^۱

۳- سجده مخصوص خداست و در مقابل هیچکس حتی پیامبر خدا سجده جایز نیست^۲، چه رسد به قبور امامان و امام زادگان که بعضی ها به عنوان پابوسی در مقابل آنها به سجده می افاتند. مگر اینکه نیت این فرد سجده شکر باری خدا باشد که خدوند توفیق زیارت را به او عطا فرموده است.

هنگامی که مسلمانان به حبشه هجرت کردند کفار گروهی را نزد نجاشی فرستادند تا مسلمانان را به کشورش راه ندهد و آنها را اخراج کند. نماینده قریش طبق رسم آن زمان در مقابل نجاشی پادشاه حبشه به سجده افتاد اما نماینده مسلمین که حضرت

^۱ - وسائل ج ۴ ص ۶۳۳

^۲ - وسائل ج ۴ ص ۹۸۶

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

جعفر برادر حضرت علی (ع) بود سجده نکرد و گفت : ما جز در برابر خدا در برابر احدی سجده نمی کنیم.^۱

سجده حضرت یعقوب (ع) و فرزنداناش در برابر حضرت یوسف (ع) نه بر یوسف بلکه برای خداوند بود لکن به شکرانه نعمت وصال یوسف. « و خر له سجدا »

ذکر تسبیح

سبحان الله

نمازگزار در رکوع و سجود خود ، خدا را تسبیح می کند.

هنگامی که آیه « فسبح بسام ربك العظم »^۲ نازل شد پیامبر فرمود این فرمان را در رکوع خود قرار دهید و بگویید : « سبحان ربی العظیم و بحمده » پروردگار بزرگ من به ستایش او لب گشوده ام ، از هر عیب و نقصی منزّه است. و چون آیه « سبح اسم ربك الاعلی »^۳ فرود آمد ، فرمودند آنرا در سجده قرار دهید و بگویید : سبحان ربی الاعلی و بحمده : من پروردگار برترم را همراه با ستایش ، تسبیح و تنزیه می کنم.^۴

جایگاه تسبیح

تسبیح ، ریشه در تمام عقاید و تفکرات صحیح اسلامی است.

تو یحد ، یعنی منزل دانستن خدا از شریک. سبحان الله عما یشکرون^۵ ، عدل یعنی منزّه دانستن خدا از ظلم. سبحان ربنا انا کنا ظالمین.^۶

^۱ - مسند احمد حنبل ج ۱ ص ۴۶۱

^۲ - سوره واقعه آیه ۷۴

^۳ - سوره اعلی آیه اول

^۴ - المیزان ج ۱۹ ص ۱۶۰

^۵ - سوره طور آیه ۴۳

^۶ - سوره قلم آیه ۲۹

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

نبوت و امامت ، یعنی منزّه دانستن خدا از بی هدفی ، بی برنامه‌گی و رها کردن مردم در دریای هوسها و سلیقه‌ها. « و ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء »^۱ آنها که می‌گویند خداوند پیامبر نفرستاده ، در حقیقت خدا را درست نشناخته‌اند.

معاد ، یعنی منزّه است خدا از اینکه آفرینش را پوچ و باطل و پایان جهان را نابودی قرار دهد. « ربنا ما خلقت هذا باطلا سببحانک » ، « افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انک الینا لاترجعون » : آیا گمان کردید ما شما را بهبود آفریدیم و بازگشت شما به سوی ما نیست ؟ آری خدا از این کار عبث و بیهوده منزّه است.

تسبیح نه فقط سرچشمه عقاید اسلامی بلکه مایه بسیاری از کمالات روحی و معنوی است.

سبحان الله ، سرچشمه رضای انسان از خداست ، اگر او را از هر نقصی منزّه بدانیم به مقدرات او رضا می‌دهیم و تسلیم مشیت حکیمانه او می‌شویم.

سبحان الله ، سرچشمه توکل است. کسی که از هر نیازی بدور و از هر ضعف و عجزی منزّه است چرا بر او تکیه و توکل نکنیم. سبحانه هو الغنی.

سبحان الله مایه عشق به خداست. ذاتی که از هر عیب و نقص پاک باشد محبوب انسان است و به او عشق می‌ورزد.

سبحان الله مقدمه حمد و ستایش خداست. ستایشی از ذاتی که هیچ زشتی و ناپسندی در او راه ندارد. لذا در تسبیحات اربعه ، سبحان الله مقدم بر الحمد لله آمده است.

^۱ - سوره انعام آیه ۹۱

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

سبحان الله کلید نجات از همه خرافات و بافته های بشری است. فسبحان الله رب
العرش عما یصفون.^۱

شاید بخاطر همین جهات است که در قرآن فرمان به تسبیح الهی بیش از اذکار دیگر
آمده است. امر به تسبیح ۱۶ مرتبه ، به استغفار ۸ مرتبه ، به ذکر خدا ۵ مرتبه و به
تکبیر ۲ مرتبه آمده است. آن هم امر به تسبیح در همه حال و زمان ، تا انسان دائماً به
خدا توجه داشته و او را همواره از رهبر عیب و نقصی پاک بداند :

و سبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من اناء الیل فسیبح و اطراف
النهار^۲

هم به هنگام پیروزی و شادکامی خدا را تسبیح کنید : اذا جاء نصرالله و الفتح... فسیبح
بحمد ربک^۳ و هم در اوج گرفتاری و سختی که تسبیح مایه نجات است : فلولا انه
کان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون^۴ اگر نبود اینکه او (حصرت یونس)
از تسبیح گویان بود تا روز قیامت در شکم ماهی حبس می شد.

آری انسان به خاطر محدودیتهای فراوان هرگز نمی تواند خدا را بشناسد. پس بهتر
است که به ضعف خود اقرا کند و بگوید : تو از آنچه دست فکر و خیال به تو رسد
منزهی و از آنچه دیگران بتوانند تو را توصیف کنند برتری. سبحانه و تعالی عما
یقولون علوا کبیرا^۵ تنها بندگان مخلص خدا هستند که با راهنمایی و امداد الهی می
توانند خداوند را معرفی کنند سبحان الله عما یصفون الا عبادالله المخلصین^۶

^۱ - سوره انبیا آیه ۲۲

^۲ - سوره طه آیه ۱۳

^۳ - سوره نصر

^۴ - سوره صافات آیه ۱۴۴

^۵ - سوره اسراء - آیه ۴۳

^۶ - سوره صافات آیه ۱۵۹

پاداش تسبیح

امام صادق از رسول خدا نقل می کند که وقتی بنده ای « سبحان الله » می گوید هر چه زیر عرش است همراه او تسبیح می گویند و به گوینده این ده برابر پاداش می دهند وقتی « الحمد لله » می گوید خداوند نعمتهای دنیا را به او ارزانی می دارد تا با خدا ملاقات کند و بر نعمتهای آخرت وارد شود.

تسبیح عملی

امام صادق می فرماید یکی از سخت ترین و مهمترین اموری که خداوند بر خلق خود لازم کرده است ذکر کثیر است آنگاه فرمود: منظورم ذکر « سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا و الله و الله اکبر » نیست گرچه این هم جز آن است لکن مرادم « ذکر الله عند ما احل و حرم » یاد خدا به هنگام کارهاست اگر اطاعت خداست انجام دهد و اگر معصیت اوست ترک کند.^۱

تکرار تسبیح

شخصی وارد خانه امام صادق شد آن حضرت را در حال رکوع دید که به تسبیح خدا مشغول است و تا ۶۰ مرتبه تسبیح را تکرار کرد و در سجده تا ۵۰۰ مرتبه.^۲ تکرار تسبیح نه فقط در نماز بلکه در مناسک حج مطرح است. هنگام نظر بر حجر الاسود به هنگام بین صفا و مروه و موارد دیگر تسبیح سفارش شده است.

^۱ اصول کافی .
^۲ وافی ج ۲ ص ۱۰۷ .

چنانکه در نماز هم علاوه بر ذکر رکوع و سجود در رکعت سوم و چهارم نیز تکرار تسبیحات اربعه آمده است که طبق روایات شیعه و سنی مراد از باقیات الصالحات در آیه ۴۶ سوره کهف همین تسبیحات اربعه است.^۱ چنانکه به گفته علی (ع) ذکر حضرت ابراهیم به هنگام ساختن خانه کعبه « سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر » بوده است.^۲

تسبیح موجودات

همه هستی از آسمانهای هفتگانه و زمین و آنچه بین آنهاست تسبیح گوی اویند.^۳ چه جاندار چون پرنده و چه بی جان کوه^۴ و رعد برق^۵ آنها تسبیحی آگاهانه و از روی شعور!

« کل قد علم صلاته و تسبیحه »^۶

تسبیح فرشتگان به قدری گسترده است که پیامبر می فرمود در آسمانها یک وجب نیست مگر آنکه فرشته ای در حال نماز و تسبیح است.^۷

امام صادق می فرماید: هرگاه حضرت داود (ع) زیور می خواند کوه و سنگ پرنده ای نبود جز آنکه هم آوای او می شدند.^۸

^۱ المیزان ج ۳ ص ۵۴۰
^۲ وسائل ج ۴ ص ۱۲۰۷
^۳ سوره جمعه آیه ۱
^۴ سوره انبیاء آیه ۷۹
^۵ سوره رعد آیه ۱۳
^۶ سوره نور آیه ۴۱
^۷ تفسیر نور آیه ۴۱
^۸ نور الثقلین ج ۳ ص ۴۴۴

قرآن می‌فرماید: «و ان من شی الا تسبیح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیهم» در هستی چیزی نیست جز آنکه ستایش کنان تسبیح خدا کنند و لکن شما تسبیح آنها را درک نمی‌کنید و در نمی‌یابید.

قنوت

قنوت در لغت به معنای اطاعت همراه با خضوع است. چنانکه خداوند خطاب به حضرت مریم می‌فرماید: «یا مریم اقنتی لربک»^۱

اما مردا از قنوت در نمازهمان دعایی است که در رکعت دوم هر نماز می‌خوانیم امام صادق در تفسیر آیه «و تبتل الیه تبتلاً»^۲ می‌فرماید مراد از تبتل آن است که در نماز دستها را به دعا بلند کنیم.^۳ تبتل در لغت به معنای قطع امید از غیر خداست.^۴

قرآن که به ما سفارش می‌کند: «ادعوا ربکم تضرعاً و حنیفه»^۵ پروردگار خویش را در حال زاری و نهان بخوانید یکی از مراحل تضرع و زاری بدرگاه الهی دست بلند کردن به دعاست.^۶ انسان فقیر دست خود را به سوی بی‌نیاز مطلق دراز می‌کند و فقط از او می‌خواهد و دل از غیر او می‌شوید.

گرچه قنوت در تمام تملزها مستحب است اما به قدری مورد توجه است که امام رضا در نامه ای به مامون می‌نویسد: قنوت یک سنت واجب در تمام نمازهای شبانه روزی است.^۷ که البته مراد امام تاکید بر اهمیت قنوت است چنانچه اگر انسان آن را

^۱ سوره آل عمران آیه ۴۳.

^۲ سوره مزمل آیه ۸.

^۳ وسائل ج ۴ ص ۹۱۲.

^۴ مفردات راغب.

^۵ سوره اعراف آیه ۵۵.

^۶ معانی صدوق ص ۳۶۹.

^۷ بحار ج ۸۲ ص ۱۹۷.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

قبل از رکوع فراموش کرد مستحب است بعد از رکوع قضا نماید و اگر در سجده یادش آمد بعد از اسلام آن را قضا کند.

در آداب قنوت آمده است : دستها را تا برابر صورت بالا بیاورید کف دستها رو به آسمان باشد دو دست را کنار هم قرار دهید و به جز انگشت شصت باقی انگشتان را به هم بچسبانید به هنگام خواندن دعا به کف دست خود نگاه کنید و دعا را بلند بخوانید البته نه به حدی که امام جماعت آن را بشوند.^۱ قنوت دعای خاصی ندارد و انسان می تواند هر دعایی بخواند چنانکه لازم هم نیست دعا به عربی باشد و می توان در قنوت حاجات خود را به فارسی هم بیان کرد البته روشن است که دعاهای قرآنی و یا دعاهایی که معصومین در قنوت خود می خوانده اند از فضیلت و اولویت خاصی برخوردارند.

قنوت نمازهای مختلف

تعداد قنوت در نمازها یکسان نیست نمازهای پنجگانه هر کدام یک قنوت آن هم قبل از رکوع رکعت دوم دارند اما نماز جمعه که دو رکعت است دو قنوت دارد یکی قبل از رکوع اول رکعت اول و یکی بعد از رکوع رکعت دوم.

در نماز عید فطر و عید قربان که دو رکعت است ۹ قنوت می خوانیم ۵ قنوت پشت سر هم قبل از رکوع رکعت اول ۴ قنوت پشت سر هم در رکعت دوم که البته برای این قنوتها دعای خاصی وارد شده است. حتی در نماز آیات که دو رکعت است و هر رکعت ۵ رکوع دارد مستحب است قبل از رکوعهای دوم و چهارم و ششم و هشتم و

^۱ مسائل ثنوت در توضیح المسائل .

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

دهم قنوت خوانده شود گرچه یک قنوت قبل از رکوع دهم کافی است نماز وتر یک رکعتی است و در پایان نماز شب خوانده می شود قنوتی طولانی دارد و دعاهای بسیاری در آن وارد شده است از قبیل ۷۰ مرتبه استغفار ۳۰۰ مرتبه « العفو » و دعا به چهل مومن.

نماز باران نیز همچون نماز عید در رکعت اول ۵ قنوت و در رکعت دوم چهارم قنوت دارد.

به هر حال طول دادن قنوت مستحب است ابوذر از پیامبر اکرم (ص) پرسید : کدام نماز بهتر است ؟ حضرت فرمودند : نمازی که قنوتش طولانی تر باشد و کسیکه قنوتش را طولانی بخواند در مواقع قیامت راحت تر است.^۱

قنوت معصومین

ابن مسعود دلیل مسلمانان شدنش را مشاهده نماز سه نفری پیامبر اکرم و حضرت علی و حضرت خدیجه و قنوت طولانی آنها می داند.^۲

در سلامی که در زیارت آل یس به حضرت مهدی عج الله فرجه می دهیم و می گوئیم : « السلام علیک حین تصلی و تقنت » : سلام بر تو هنگامی که به نماز و قنوت می ایستی.

برای هر کدام از معصومین دعاهایی طولانی در قنوت نقل شده که فرصت نقل آنها نیست.

^۱ بحار ج ۸۲ ص ۲۰۰.

^۲ بحار ج ۳۸ ص ۲۸۰.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

در قنوت فقط به فکر خود و حاجات خود نباشیم از حضرت زهرا یاد بگیریم که می فرمود : الجار ثم الدار. ابتدا به فکر همسایه ات باش آنگاه خانواده خود. زیرا خداوند وعده فرموده است کسیکه برای دیگران دعا کند خداوند حاجات خود او را هم برآورده می سازد. در قنوت علیه دشمنان دین دعا کنیم و پیروزی اسلام و مسلمین از خدا بخواهیم.

تشهد و سلام

تشهد

از واجبات نماز تشهد است که در رکعت دوم و آخر نماز خوانده می شود. در تشهد ، به یگانگی خداوند و رسالت پیامبرش حضرت محمد (ص) شهادت و گواهی می دهیم. گرچه در اذان و اقامه بارها به این دو امر گواهی داده ایم ، اما آن شهادت به هنگام ورود به نماز بود و این گواهی به هنگام خروج از نماز. سفارش به این همه تکرار بسیار حکیمانه است زیرا انسان خیلی زود دچار غفلت و فراموشی می شود و ولی نعمت خود را فراموش می کند و این جملات همچون طنابی است که کشتی انسان را در امواج حوادث حفظ می کند.

سیمای توحید

لا اله الا الله اولین شعار همه انبیاست.

لا اله الا الله آن گواهی است که همه صاحبان علم ، خود همگام با فرشتگان به آن اقرار دارند : شهد الله انه لا اله الا هو و الاملائکه و اولوالعلم.^۱

لا اله الا الله کلمه ای است که هر مسلمانی به هنگام تولد در گوش خود می شنود و به هنگام مرگ با آن تشییع و در قبر به او تلقین می شود.

لا اله الا الله محبوبترین کلمات در نزد خداوند و سنگین ترین عمل در میازن است.

لا اله الا الله دژ محکم الهی است که هر کس در آن داخل شد از عذاب در امان است کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی^۲

لا اله الا الله مرز میان کفر و اسلام است و هر کافری با گفتن آن در امان اسلام در می آید. پیامبر اکرم از مسلمانی که به گفتن لا اله الا الله یکی از سربازان دشمن اعتنایی نکرد و او را کشت ، انتقاد کردند و فرمودند : با اظهار این کلمه هرکسی در امان است گرچه ندانیم در بیان آن صادق است یا نه.^۳

لا اله الا الله شعار مسلمین به هنگام عبور از صراط قیامت است.^۴

در تایخ می خوانیم که ابوجهل به پیامبر گفت : آیا ما ۳۶۰ بت را رها کنیم و یک خدا را بپذیریم ؟ ما حاضریم ۱۰ کلمه بگوییم اما این یک حمله را نگوییم ولی پیامبر فرمود: همین جمله است که شما را به عزت و قدرت می رساند و شما را ب تمام امتها برتری می دهد.^۵

^۱ - سوره ال عمران آیه ۱۸

^۲ - بحار ج ۳ ص ۱۳

^۳ - اشاره به آیه : ولا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مومنا

^۴ - جمع الاحادیث ج ۱ ص ۱۸۸

^۵ - فراهانی از تاریخ اسلام ص ۱۱۱

نگاهی به دعای عرفه امام حسین (ع) و خطبه امام سجاد در شام این حقیقت را بهتر روشن می‌کند که اولیا خدا با تمام وجود این شهادت را میدادند و حتی زمین و زمان را بر این شهادت خود گواه می‌گرفتند.

در تشهد به جمله لا اله الا الله اکتفا نمی‌کنیم بلکه می‌گوییم: وحده لا شریک له یعنی احدی با او شریک نیست نه در آفریدن، نه در اداره کردن و نه در قانونگذاری: و لم یکن له شریک فی الملک^۱

بندگی خدا بالاترین افتخار برای اولیاء خدست: کفی بی فخرا ان اکون لک عبدا
بندگی خدا برابر است با آزادگی انسان از همه قیود و وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها، و لذا چنان قدرتی به انسان می‌دهد که از هیچ ابرقدرتی نمی‌هراسد.

همسر فرعون به خاطر آنکه بنده خدا بود به چنان عنصر نفوذناپذیری تبدیل شد که زر و زور فرعونی در او اثر نکرد و با آنکه فرعون همه را به بردگی او کشیده بود اما او تنها بنده خدا بود و کارش به جایی رسید که الگوی همه مردان تاریخ گشت: ضرب الله مثلا للذین امنوا امراه فرعون.^۲

بهرحال شهادت بر عبودیت پیامبر مقدم بر شهادت به رسالت آن حضرت است و این خود درسها و پیامها دارد.

شهادت به رسالت، به معنای نفی تمام مکاتب بشری است، به معنای قبول جاودانگی و جهانی بودن رسالت خاتم پیامبران است. به معنای تمرد از طاغوتهاست.

^۱ - سوره اسراء آیه آخر

^۲ - سوره تحریم آیه ۱۱

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

شهادت به رسالت حضرت محمد پیمانی است که خداوند از همه پیامبران قبل از او گرفته است که اگر رسالت او را نمی پذیرفتند به نبوت نمی رسیدند.^۱ بنابراین تنها من نیستم که می گویم : اشهد ان محمدا عبده و رسوله « بلکه همه انبیاء به آن اقرار دارند.

توحید ناب

آنچه که امروزه اکثر خداپرستان را گرفتار کرده آن است که به زبان لا اله الا الله می گویند اما در عمل به سراغ غیر او می روند و عزت و قدرت را در جایی دیگر جستجو می کنند. از غیر او اطاعت می کنند و به غیر او عشق می ورزند. راستی که شرک ظلم بزرگی به خود و بی ادبی به ذات مقدس اوست. « ان الشرک لظلم عظیم. » زیرا شریک داشتن نشانه ضعف و عجز و ناتوانی در انجام کارها و وجود شبیه و نظیر است که اینها در مورد خداوند معنی ندارد.

شهادت به رسالت

واشهد ان محمدا عبده و رسوله گواهی میدهم که محمد بنده و رسول اوست. بندگی بالاترین مقام انبیا و بلکه مقدمه مقام رسالت و نبوت است : عبده و رسوله. عبودیت است که پیامبر را به معراج می برد : سبحان الذی اسری بعبدہ^۲ و وحی آسمانی را بر او نازل می کند : نزلنا علی عبدنا^۳ خداوند نیز پیامبرانش را به بندگی خود ستایش می کند ، در مورد حضرت نوح می فرماید : انه کان عبدا شکورا^۱ و درباره حضرت داود : نعم العبد.^۲

^۱ - سوره آل عمران آیه ۸۱

^۲ - سوره اسراء آیه ۱

^۳ - سوره بقره آیه ۲۳

یکی از تفاوت‌های انبیاء با نوابغ و مخترعین آنست که آنها نبوغ و خلاقیت خود را در اثر تیزهوشی و پشتکار و تمرین به دست آورده اند اما انبیا معجزات خود را در اثر بندگی خدا و در سایه لطف خدا پیدا کرده اند و بندگی منشا همه مقامات انبیاست. اقرار به عبودیت، ما را از هرگونه غلو و افراط و زیاده روی در مورد مقامات اولیا خدا باز می‌دارد تا بدانیم پیامبر هم که برترین فرد خلق است بنده خداست. ناگفته پیداست که این شهادت باید از روی صدق و حقیقت باشد و گرنه منافقین هم در نزد پیامبر شهادت به رسالت می‌دادند و قرآن می‌فرماید که خداوند شهادت می‌دهد که تو رسول او هستی اما منافقان دروغ می‌گویند زیرا گواهی آنان صادقانه نیست.^۳

صلوات

به دنبال شهادت به توحید و رسالت، بر محمد و آل او صلوات می‌فرستیم. صلوات، نشانه محبت، مودت و وفاداری به خاندان پیامبر گرامی اسلام است که قرآن آنرا اجرای رسالت پیامبر دانسته است. صلوات، صیقل دهنده روح زرنگار گرفته انسان است و نفاق را از بین می‌برد. صلوات عاملی برای محو گناهان، وسیله ای برای گشایش درهای آسمان، سبب استغفار و دعای فرشتگان در حق انسان، وسیله ای برای تقرب به پیامبر در قیامت و دریافت شفاعت اوست. و خوش عاقبت کسی که آخرین کلامش در دنیا صلوات باشد.

^۱ - سوره اسراء آیه ۳

^۲ - سوره ص آیه ۴۰

^۳ - سوره منافقون آیه ۱

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

خداوند ابتدا خود بر پیامبر صلوات می فرستد و سپس به ما دستور صلوات می دهد :
ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما یعنی
همانا خداوند و فرشتگان بر محمد صلوات می فرستد ، ای کسانی که ایمان آورده اید
شما نیز بر او صلوات و سلام بفرستید و تسلیم محض او باشید.

از این آیه نکاتی در مورد صلوات به دست می آید :

الف - صلوات احترام ز بانی است ولی مهمتر از آن اطاعت عملی است که جمله
سلموا تسلیما به آن اشاره دارد.

ب - صلوات خدا و فرشتگان دائمی است. یصلون

ج - صلوات خداوند کرامت و صلوات فرشتگان رحمت و صلوات مردم دعاست.

د - در روایات آمده : خداوند به حضرت موسی خطاب کرد بر محمد و آل و صلوات
فرست زیرا که من و فرشتگانم بر او صلوات می فرستیم.^۱

رسول خدوند می فرمود : یاد خدا عبارت است و یاد من نیز عبادت است چنانکه یاد
جانشین من علی بن ابیطالب نیز عبادت است.^۲

در روایات آمده برای استجابت دعا قبل از دعا صلوات بفرستید. نه تنها گفتن صلوات
به هنگام شنیدن نام آن حضرت بلکه نوشتن آن به دنبال نام آن حضرت ثواب دارد و
پیامبر می فرمود : کسی که در کتاب خود بر من صلوات بفرستد ، تا زمانی که نام من
در این کتاب است فرشتگان برای او استغفار می کنند.

^۱ - نور الثقلین ج ۴ ص ۳۰۵

^۲ - بحار ج ۹۴ ص ۶۹

چگونگی صلوات

در کتب اصلی اهل سنت از پیامبر اکرم نقل شده است که به هنگام صلوات ، حتما آل محمد را در کنار پیامبر بیاورید و گرنه صلوات شما ابتر و ناقص است.

در تفسیر در المنثور از کتابهای صحیح بخاری و مسلم و ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه که از مهم ترین کتب اهل تسنن است نقل شده است که شخصی به پیامبر

اکرم گفت : ما می دانیم چگونه بر تو سلام کنیم اما صلوات بر تو چگونه است ؟

پیامبر فرمودند : چنین بگوئید : اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید.

شافعی امام مذهب شافعیان این مطلب را به شعر درآورده و می گوید :

یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله

کفا کم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم فلا صلوه له

ای اهل بیت پیامبر که محبت شما از طرف خداوند در قرآن آمده است در بزرگی شما همین بس که هرکس در نماز ب شما صلوات نغسرد نمازش باطل است.

ا ری یاد آل محمد در هر نماز رمز آن است که باید پس از آن پیامبر به سراغ اهل بیت

او برویم نه دیگران. و گرنه بودن نام کسانی که نیاز به تداوم راهشان نیست آن هم در هر نماز ، گاری لغو می شود.

شخصی خود را به کعبه چسبانده بود و صلوات می فرستاد اما نام آل محمد را نمی برد

امام صادق فرمود « این ظلم به ماست. »

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

پیامبر خدا فرمود « کسانی که آل مرا از صلوات محروم کنند در قیامت از بهشت بوئی نمی برند ، چنانکه جلساتی که نام خدا و یاد پیامبر و آل او در آن نباشد موجب حسرت در قیامت خواهد بود.»

جالب آنکه در روایات آمده است هرگاه نام پیامبری از پیامبران خدا برده شده ابتدا بر محمد و آل او صلوات بفرستید و سپس به آن پیامبر درود و ثنا بفرستید. پیامبر خدا فرمود : بخیل واقعی کسی است که نام مرا بشنود اما بر من صلوات نفرستد. او جفاکارترین و بی وفاترین مردم است.

سلام

پس از ذکر صلوات سه سلام می دهیم یکی به رسول خدا یکی به اولیا خدا و یکی به مومنان و همکیشان خود.

خداوند در ایه یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما به دنبال صلوات ، دستور سلام بر پیامبر می دهد لذا در نماز پس از صلوات بر آن حضرت ، بر او سلام می دهیم :

السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته

با تکبیره الاحرام از خلق بریدیم و به خالق پیوستیم. در پایان نماز از آسمان که فرود می آئیم ابتدا به گل سرسبد هستی یعنی پیامبر اکرم سلام می کنیم. پس از سلام به رسول خدا به بندگان صالح خدا سلام می کنیم :

السلام علینا و علی عبادالله الصالحین که شامل همه انبیا و اوصیا گذشته و امامان معصوم می شود.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

خداوند نیز خود بر پیامبرانش سلام و درود می فرستد : سلام علی المرسلین. سلام علی نوح سلام علی ابراهیم. سلام علی موسی و هارون.

در دین اسلام خود را با بندگان صالح خدا پیوند می دهیم. پیوند و رابطه ای فراتر از مرزهای زمان و مکان ، با همه پاکان و صالحان در طول تاریخ در همه عصرها و نسلها. آنگاه به مومنان همراه و همکیش خود در زمان حاضر می رسیم به آنان که در جماعت مسلمین شرکت کرده اند و با ما در یک صف واحد قرار گرفته اند. به آنان و فرشتگان حاضر در جمع مسلمین و دو فرشته مامور خود سلام می کنیم : السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. نماز را با نام خدا آغاز کردیم و با سلام به خلق خدا پایان می دهیم.

در این سلامها ، سلسله مراتب مراعات شده است ابتدا رسول خدا به دنبال او انبیاء و اولیا و صالحان و س از آنها مومنان و پیروان.

سیمای سلام

سلام نامی از نامهای خداست.

سلام تحیت اهل بهشت است.

سلام تحیت فرشتگان به هنگام ورود به بهشت است.

سلام پیام پروردگار رحیم است.

سلام پذیرایی شب قدر است

سلام اولین حق هر مسلمان بر دیگری است.

سلام کلید شروع هر کلام و نوشته ای است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

- سلام امان نامه از هرگونه ترس و شری است.
- سلام ساده ترین عمل نیک است.
- سلام نشانه تواضع و فروتنی است.
- سلام عامل محبت و الفت است.
- سلام اظهار صلح و مسالمت است.
- سلام اولین تحفه و هدیه دو انسان است.
- سلام آر زوی سلامتی برای بندگان خداست.
- سلام دعوت به صلح جهانی است.
- سلام امید دهنده و نشاط آور است.
- سلام برطرف کننده کدورت‌های گذشته است.
- سلام اعلام حضور و اجازه برای ورود است.
- سلام بهترین کلام به هنگام ورود و خروج است.
- سلام کلامی است در زبان سبک اما در میزان سنگین
- سلام راهگشای مصلحان برای اصلاح جامعه است.
- سلام تنها کلامی است که مخاطبش مردگان و زندگانند.
- سلام عامل تعظیم و تکریم است.
- سلام سب جلب رضای خدا و غضب شیطان است.
- سلام وسیله ادخال سرور در قلوب است.
- سلام کفاره گناهان و رشد دهنده حسنات است.
- سلام پیام آور انس و دوستی است.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

سلام عامل تکبرزدایی و خودخواهی است.

سلام ادب الهی است

سلام استقبال از هر خیر و کلید هر کلام است.

سلام کمالی است که ترک آن نشانه بخل و تکبر و انزوا و قهر و قطع رحم است و

سلام ابر رحمتی است که بر سر مردم می افکنیم و لذا می گوییم : السلام علیکم نه

السلام لکم پیامبر اکرم می فرمود : من تا آخر عم سلام کردن بر کودکان را ترک نمی

کنم. گرچه سلام کردن مستحب است و پاسخ آن واجب اما پاداش کسی که ابتدا به

سلام کند دهها برابر جواب دهنده است.

در روایات می خوانیم سواره ب پیاده ، ایستاده بر نشسته و وارد بر حاضرین مجلس

سلام کند و هرگاه مورد تحیت قرار گرفتید پاسخی گرم تر بدهید : اذا حییتم بتحیه

فحویا باحسن منها

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مسائل نماز بر چهار دسته کلی تقسیم می شود:

۱-مقدمات نماز: برای انجام نماز مقدماتی لازم است که تا فراهم نشوند، نماز صحیح نیست.

۲-مقارنات نماز: یعنی کارهایی که در نماز انجام دادن آنها واجب می باشد.

۳-مبطلات نماز: یعنی کارهایی که نماز را باطل می کند.

۴-شکایات نماز: عموماً شک در تعداد رکعات نماز را شامل می شود.

مقدمات نماز:

الف (طهارت: وضو، غسل و در شرایط خاص مانند نبودن یا ضرر داشت آب تیمم لازم می باشد.

ب (قبله: نماز گزار در هنگام نماز خواندن باید رو به قبله باشد.

ج (لباس: لباس نماز گزار باید پاک، مباح بوده و از حیوان حرام گوشت و برای مردان از ابریشم خالص و طلا باف نباشد.

د (مکان: مکان نماز گزار باید غصبی نباشد، بی حرکت باشد، بلندی سقفش بصورتی باشد که بتوان ایستاد، نجس نباشد و اگر نجس هم بود بطوری نباشد که تری آن در لباس و بدن نماز گزار اثر کند.

ه (وقت: نماز گزار زمانی می تواند نماز بخواند که وقت آن نماز رسیده باشد. پس قبل از خواندن نماز ظهر نمی تواند نماز عصر را خواند.

مسائل مقدمات نماز:

دست ها و صورت باید از بالا به پایین شسته شود. اگر از پایین به بالا شسته شود وضو باطل است.

کسیکه پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.

وضو باید در هنگام و وقت نماز باشد ولی اگر قبل از وقت نماز (قبل از اذان) وضو بگیرید به نیت وضو مستحبی وضو گیرد و اگر به نیت نماز قبل از دخول وقت وضو گیرد به صحت نماز ایراد میرساند.

شستن آرنج از قسمت بیرونی برای مردان مستحب است و شستن آرنج از قسمت داخلی برای بانوان استحباب است.

لاک دست بانوان اگر جرم داشته باشد و مانع رسیدن آب به ناخن شود باید برای وضو و غسل پاک شود. برای لاک انگشتان پا بانوان می تواند لاک انگشت بزرگ پای خود را پاک کرده و باندازه یک انگشت تا برآمدگی پا مسح کنند گرچه بهتر است مسح بر روی کل پا باشد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

تاتو و خالکوبی اگر روی پوستی باشد باید برای وضو و غسل رفع شود ولی اگر زیر پوستی باشد و مانعی برای رسیدن آب به پوست نشود برای نماز ایرادی ندارد.

جای مسح باید خشک باشد و اگر بقدری تر باشد که اجزای آن محل مسح به کف دست برسد، مسح باطل است.

اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز رادوباره بخواند. اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است. ولی برای نمازهای بعدی وضو بگیرید. قبل از نماز کسیکه شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرید.

اگر شک کند که وضویی که گرفته باطل شده یا نه وضویش صحیح است و می تواند با آن نماز بخواند. برای چند غسلی که بر انسان واجب شده مانند: غسل جنابت، غسل مستحبی روز جمعه، غسل مس میت، می توان فقط یک غسل گرفت.

بعد از غسل جنابت مادامی که از کارهایی نکند که وضو را باطل می کند (مانند: خوابیدن یا باد معده (می توان بدون وضو نماز خواند. ولی در صحت نماز بدون وضو بعد غسلهای مستحبی اختلاف است. بصورتی که مراجع گرامی حضرات آیات: امام خمینی، رهبر معظم انقلاب، صافی و بهجت نظرشان بر این است که با غسل مستحبی نمی توان بدون وضو نماز خواند. حضرات آیات: مکارم، سیستانی، وحید و نوری همدانی بر این نظر هستند که بعد از غسلهای مستحبی وارد شده در روایات مانند: غسل روز جمعه برای نماز وضو لازم نیست گرچه مستحب است وضو گرفته شود.

اگر کسی که برگردنش غسل واجب شده بعدا شک کند که آیا غسل گرفته یا نه؟ باید غسل کند اما اگر بعد از غسل شک کند که غسلی که گرفته صحیح است یا نه؟ لازم نیست دوباره غسل کند.

خون بدن انسان یا حیوان حلال گوشت اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم از درهم کمتر باشد) به اندازه دو ریالی های سابق (نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

(ما سلکم فی سقر * قالوا لم نک من المصلین) مدثر ۴۲ و ۴۳

وقتی از دوزخیان می پرسند: چه چیز شما را جهنمی کرد؟ می گویند: علتش آن بود که ما در دنیا نماز نمی خواندیم.

مکان نماز گزار باید غصبی نباشد همچنین نماز گزار باید در محلی ساکن و بودن حرکت نماز بخواند. گاهی در نماز جماعت به دلیل ازدحام جمعیت تکانهایی به نماز گزار وارد می شود این تکانها اگر باعث نشود که صورت نماز گزار بطور کامل از قبله برگردانه شود برای نماز ایرادی نمی رساند.

اگر تا هنگام توقف قطار یا هواپیما وقت نماز بگذرد و چاره ای جز نماز خواندن در آن باشد نماز گزار می تواند در داخل قطار و هواپیما نماز بخواند و در صورت حرکت قبله به جوانب دیگر به آن طرف برگردد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

اگر بعد از وضو، چیزی که مانع از رسیدن آب است، در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند که در وقت وضو، ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده باید دوباره وضو بگیرد.

مرد باید در حال نماز، اگر چه کسی او را نمی بیند عورتین خود را بپوشاند، و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند و به نظر برخی از مراجع احتیاط مستحب آنست که کف پا را هم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دستها تا مچ و روی پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین تر از مچ را بپوشاند.

مقارنات نماز:

واجبات نماز یازده مورد است که بعضی از آن ها رکن و بعضی دیگر غیر رکن می باشد. رکن نماز، چیزهایی است که اگر انسان به عمد و یا به اشتباه، به جا نیاورد یا در نماز اضافه کند، نماز باطل می شود؛ و غیر رکن، چیزهایی است که اگر به عمد کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود و چنانچه به اشتباه کم و یا زیاد گردد، نماز باطل نمی شود. (۵ شماره اول رکن و ۶ شماره بعدی غیر رکن هستند).

الف (نیت)

ب (قیام)

ت (تکبیره الاحرام)

ث (رکوع)

ج (سجود)

ح (قرائت)

خ (ذکر)

د (تشهد)

ذ (سلام)

ر (ترتیب)

ز (موالات)

(۱+۱ ابرخی از مراجع طمانینه و آرامش را از واجبات نماز می دانند.

مسائل مقارنات نماز:

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

نیت لازم نیست به زبان آورده شود. حتی لازم نیست از ذهن هم رد [؟] شود بلکه بصورتی باشد که اگر بر فرض در بین نماز از او پرسند چه کاری می کنی بگوید نماز ظهر یا عصر و... را می خوانم نمازش صحیح است.

قیام هنگام گفتن تکبیره الاحرام و قبل از رکوع (قیام متصل به رکوع گفته می شود) واجب می باشد. کسی که ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است.

ذکر رکوع و سجده باید بصورت کامل گفته شود اگر نمازگزار بصورت عمدی قبل از تمام شدن ذکر از رکوع یا سجده برخیزد نمازش باطل می باشد.

خواندن حمد و سوره واجب می باشد. (مقلدان گرامی مراجعه کنند به رساله مرجع تقلید خود، چون برخی از مراجع خواندن سوره را بنا بر احتیاط واجب لازم می دانند).

اگر اشتباهاً سه سجده در یک رکعت انجام داده، نمازش صحیح است و برای سجده اضافی بعد از نماز دو سجده سهو به جای آورد.

دو سجده با هم از ارکان نماز هستند و اگر نمازگزار در یک رکعت دو سجده را با هم از یاد برد و انجام نداد نمازش باطل است ولی اگر سهوا و غیر عمدی یک سجده را انجام نداد نمازش صحیح است اما بعد نماز سجده سهو بر او واجب می شود.

در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه (سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر) بگوید و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

سجده آن است که پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد. بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند. اگر نمازگزار، رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون اینکه بایستد به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است.

در کارهای نماز، ترتیب واجب است. بنابراین مقدم داشتن تکبیره الاحرام بر قرائت، حمد بر سوره، سوره بر رکوع، رکوع بر سجده و... واجب است. از این رو، اگر نمازگزار از روی عمد ترتیب نماز را به هم بزند، نماز باطل می شود.

نماز را نمی توان به بهانه جواب دادن به تلفن و همراه و همچنین باز کردن درب قطع کرد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

قطع کردن یا شکستن نماز در شرایط اضطراری مانند نجات جان خود یا خانواده و یا کسیکه نجات دادن آن واجب می باشد لازم است. (همچنین در مواقعی که ممکن است خسارت مالی زیادی به بار آید مانند جلوگیری از آتش سوزی و ... شکستن نماز برای مال اندک و غیر مهم مکروه می باشد). اگر کسی که وظیفه اش شکستن نماز بوده نمازش را قطع نکرد اگر چه معصیت کرده است ولی نمازش صحیح است و به نظر امام خمینی بنابر احتیاط مستحب نماز را دوباره بخواند.

اگر نمازگزار در نماز جماعت به صورت غیر عمد زودتر از امام جماعت از رکوع و سجده برخیزد برای نمازش اشکالی نمیرساند ولی اگر عمدا این کار را بکند به صحت نمازش ایراد می رساند و به نظر برخی از مراجع نمازش باطل می شود. (رجوع کنید به رساله مرجع تقلید خود).

اذکار مانند: الحمد لله، بسم الله و بالله و ... بعد از سجده دوم رکعت دوم و رکعت آخر مستحب می باشد. قنوت گرفتن بعد از حمد و سوره رکعت دوم تمامی نمازها مستحب می باشد. (مرحوم شیخ صدوق قنوت را واجب می دانست).

هنگامی که مکلف بسم الله را می گوید باید سوره را تعیین کند و بدون تعیین سوره گفتن آن به قصد نماز جایز نیست. (چون به نظر اکثر علمای شیعه بسم الله جزئی از هر سوره است و جایز نیست مکلف بسم الله را بگوید و بعد سوره را انتخاب کند).

مبطلات نماز:

اگر از روی عمد، همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، نمازش باطل است، بلکه اگر از روی سهو هم صورت را به این مقدار برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و لازم نیست که نماز اول را تمام نماید، ولی اگر سر را کمی برگرداند به عمد باشد یا به اشتباه نمازش باطل نمی شود. اگر نمازگزار از روی عمد کلمه ای بگوید که از آن، قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد، نمازش باطل است.

چنانچه از روی عمد دو حرف یا بیشتر بگوید، اگر قصد معنی هم نکند بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند؛ ولی اگر از روی سهو بگوید، نمازش باطل نمی شود.

سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند.

اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید (الله اکبر) و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد، ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می شود.

در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد مثلاً بگوید: (السلام علیکم یا سلام علیکم) و نباید (علیکم السلام) بگوید.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید. ولی اگر از روی عمد جواب سلام را نداد اگر چه معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

خندیدن صدادار از روی سهو و همچنین لبخند زدن، نماز رباطل نمی کند. اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند.

گریه صدا دار برای کار دنیا از روی عمد نماز رباطل می کند، ولی گریه بدون صدا برای کار دنیا، نماز رباطل نمی کند.

گریستن از ترس خدا یا برای آخرت آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است. اگر نمازگزار، کاری کند که صورت نماز را بر هم بزند، مثل دست زدن و به هوا پریدن و مانند این ها از روی عمد یا فراموشی، کم باشد یا زیاد، نمازش باطل است.

چنانچه کاری که صورت نماز را به هم نمی زند، انجام دهد مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد. اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندان ها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود. و اگر قند یا شکر و مانند این ها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود، نمازش اشکال پیدا می کند. دست ها را روی هم گذاشتن. ولی اگر برای مدت اندکی به منظور رفع خارش و ... دست ها را روی هم گذاشت اشکالی ندارد.

بعد از خواندن حمد آمین بگوید.

آنکه در بین نماز یکی از شرایط آن از بین برود مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی بوده یا وضویش باطل شده است.

شک در برخی از تعداد رکعات نماز را باطل می کند که در قسمت بعدی به خواهیم پرداخت.

شکایات نماز:

شک هایی که نماز را باطل می کند:

شک در شماره رکعت های نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر؛ ولی شک در شمار هر رکعت های نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز رباطل نمی کند.

شک در شماره رکعت های نماز سه رکعتی. مانند نماز مغرب.

شک در نماز چهار رکعتی که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی مازندران

شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش .

شک در رکعت های نماز که نداند چند رکعت خوانده است .

شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش ، چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن .

تذکر : اگر یکی از شک های باطل کننده برای انسان پیش آید نمی تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شک پا بر جا شود، به هم زدن نماز مانعی ندارد .

شک هایی که نباید به آن ها اعتنا کرد عبارتند از:

۱- شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است ، مثل آن که در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه .

۲- شک بعد از سلام نماز .

۳- شک بعد از گذشتن وقت نماز .

۴- شک کثیرالشک ؛ یعنی کسی که زیاد شک می کند .

۵- شک امام جماعت در شماره رکعت های نماز در صورتی که مأموم شماره آن ها را بداند و همچنین شک مأموم در صورتی که امام شماره رکعت های نماز را بداند .

۶- شک در نماز مستحبی .

نمودار راهنمای شکیات رکعات در نماز ۴ رکعتی:

محل و کیفیت سجده سهو و نماز احتیاط :

سجده سهو :

برای سه چیز بعد از سلام نماز باید دو سجده سهو به جا آورد:

۱- در بین نماز سهواً حرف بزند .

۲- یک سجده را فراموش کند .

۳- در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت . در دو مورد هم احتیاط واجب آن است که سجده سهو بنماید:

۱- درجایی که نباید نماز را سلام دهد مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد .

۲- آن که تشهد را فراموش کند .

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید : بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد، بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد، سلام دهد .

اگر کسی سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورد، معصیت کرده و واجب است هر چه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً به جا نیاورد، هر وقت یادش آمد باید فوراً انجام دهد و لازم نیست نماز را دوباره بخواند .

نماز احتیاط

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد، سلام دهد.

نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آن است که سوره حمد و بسم الله آن را هم آهسته بگویند.

تذکر: نماز احتیاط در زمانی اتفاق می افتد که یکی از شکهای صحیح در تعداد رکعات نماز ۴ رکعتی برای نماز گزار واقع شود (می توانید به نمودار قبلی مراجعه کنید).